



فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی تخصصی * شماره ی ۲ * سال اول * بهار ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سرمدیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: مهندس علی محمدنیاگان

ویراستار فارسی: حسن افشار

ویراستار انگلیسی: دکتر رضا خانی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۱۵ هزار تومان



نشانی فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه ی سوم، پلاک ۲۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۲۱۸ --- ۰۸۴

پست الکترونیک: habibmahmoodian@yahoo.com



هیئت تحریریه:

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی : معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی : ژئوهیدرولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی : زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی : روابط بین الملل

دکتر خلیل فصیحی

رشته ی تخصصی : فیزیولوژی گیاهان زراعی

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته ی تخصصی : تاریخ اسلام

دوران این شماره:

دکتر پریسا پورمحمدی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

دکتر علی خاکی

دکتر لیلا خسروی

دکتر ناصر راد

دکتر حبیب اله محمودیان

دکتر ابراهیم مرادی

دکتر خداکرم مظاهری

ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه‌ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله نباید در نشریه‌ی دیگری منتشر شده باشد

چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه‌ی فصلنامه است.

پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود.

مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده‌ی نویسنده (نویسندگان) است.

مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه‌ی استاندارد فصلنامه بیشتر باشد.

نام کامل نویسنده، مرتبه‌ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته‌ی تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه‌ی جداگانه‌ای ضمیمه شود.

ارسال مقاله تنها از طریق ایمیل فصلنامه‌ی مطالعات ایلام‌شناسی امکان‌پذیر است.

عناوین جدول‌ها، تصویرها، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منبع) در زیر آورده شود.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای ساختار زیر باشد: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده‌ی انگلیسی.

عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

مشخصات نویسنده: شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.

چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده‌ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

واژه‌های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه‌ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

مقدمه: شامل طرح مسأله‌ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه‌ی مسأله‌ی موردنظر مطرح شود.

متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

نتیجه‌گیری: شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.

پی‌نوشت: توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.

منابع: فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه ی مجله.

چکیده ی انگلیسی: چکیده ی انگلیسی باید عیناً ترجمه ی چکیده ی فارسی باشد.

شیوه ی تنظیم متن

مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با یک سانتی‌متر تورفتگی از هر طرف و با همان قلم ولی با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

شیوه ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند.

ارجاع داخل متن: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره ی صفحه یا صفحات؛

مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999 : 33)

ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر (درون پرانتز)، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره ی صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده ی محل تحصیل.

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره ی طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

ارجاع به سایت های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم می‌شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی است که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

توجه: تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهد شد.

فرایند پذیرش مقالات

۱. دریافت از طریق ایمیل؛
۲. بازبینی اولیه ی مقاله؛
۳. در صورت عدم تایید، اعلام به نویسنده ی مسئول؛
۴. در صورت تایید، ارزیابی اولیه و ارجاع به داوران مربوطه؛
۵. ویراستاری مقاله؛
۶. بازبینی مجدد مقاله جهت رفع نقایص و انجام امور چاپ.

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مروری بر گاه نگاری دوران ایلامی.....
۳۲	بررسی حلقه های قدرت در دوران ایلامی.....
۵۷	بررسی و معرفی قلعه ی اسماعیل خان ایلام.....
۷۷	تحلیلی پیرامون جایابی اروای (URU×A ^{ki}) ایلامی در دشت دهلران.....
۱۰۴	خاستگاه خط، ایلام و سومر یا کرانه های کویر لوت.....
۱۱۶	بررسی باستان شناختی بقایای شهر تاریخی لارت.....

مروری بر گاه نگاری دوران ایلامی

(از آغاز ایلامی تا هخامنشی مقدم)

سهیلا درویشی^۱ بهزاد محافظی^۲

چکیده

نیمه ی دوم هزاره سوم پیش از میلاد، همزمان با تحولات نوینی در بخش های وسیعی از سرزمین های جنوب و جنوب غربی ایران است که تحت عنوان دوران ایلامی معرفی می شود. این دوران با روی کار آمدن نخستین پادشاهان سلسله ی اوان در نیمه ی نخست هزاره ی سوم ق.م آغاز می گردد و تا اواخر نیمه ی نخست هزاره ی اول ق.م، با تاجگذاری داریوش اول سومین پادشاه هخامنشی، پایان می یابد. به دلیل نقصان کاوش های باستان شناختی و کمبود مدارک تاریخی، بسیار مهجور مانده و نتوانسته است آنچنان که بایسته است شناخته بشود.

مقاله ی حاضر که به منظور معرفی این دوران دو هزار ساله از تاریخ ایران زمین به نگارش درآمده، گزیده ای از مجموعه پژوهش ها و مطالعات ایلام شناسان و باستان شناسان مشهوری همچون فرانسوا والا، پیر آمیه، عزت الله نگهبان، ویلیام سامنر، الیزابت کارتر، پیر دومیروشیجی و دیگران است. در این مقاله که به روش کتابخانه ای تألیف شده است، تلاش فراوان شده تا بتوان با استفاده از شواهد باستان شناسی و کتیبه های تاریخی، مطالعات زبان شناسی، مختصری از تاریخ و فرهنگ این دوران ارائه شود. **واژگان کلیدی:** ایلام شناسی، دوران ایلامی، دوره ی هخامنشی، ملیان فارس، شوش، هفت تپه.

^۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، دکترای تخصصی دوران تاریخی ایران

^۲ - کارشناس ارشد باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

مقدمه: پژوهش‌های مرتبط با دوران تاریخی ایلام، روشنگر این واقعیت است که در تاریخ حکومت‌های ایلامی مجهولات فراوان ما بر معلوماتمان می‌چربد. ما هنوز بسیاری از مناطقی که در الواح و کتیبه‌های ایلامی و بین‌النهرینی از آنها نام برده شده را نمی‌شناسیم. به خط ایلامی آنگونه که باید تسلط کامل نداشته و در مورد وضعیت معیشتی و روزمره‌ی ایلامیان احاطه‌ای بایسته نداریم. این موضوع بویژه در مناطقی که تاکنون کمتر مورد کاوش قرار گرفته‌اند بیشتر نمایان است. در خاک فارس کاوش‌های باستان‌شناسی تل‌ملیان توسط ویلیام سامنر، جان آلدن و دیگران به اطلاعات ما در مورد تاریخ ایلام بسیار افزوده است. همچنین کاوش‌های فرانسویان در شوش و پس از آن دیگر حفاری‌های قابل‌اعتنا در مناطقی همچون هفت‌تپه، چغامیش، دوراوناش (چغازنبیل)، ارجان و حفاریات تپه‌های یحیی و شهداد توسط باستان‌شناسان ایرانی و غیر ایرانی در طول یک قرن گذشته، بر آگاهی‌های ما از این دوران تاریخی افزوده است. حفاریات انجام یافته در جیرفت کرمان و شهر سوخته‌ی سیستان، تصویری را که محققان برای سالها از وسعت قلمر ایلامی داشته‌اند دگرگون ساخته و محدوده‌ی این تمدن بزرگ را از مرزهای غربی و جنوب غربی تا مرزهای شرقی کشانده است.

بر کسی پوشیده نیست که شناخت دوره‌های تاریخی و فرهنگی ایلام بدون آگاهی از گاه‌نگاری باستان‌شناسانه‌ی این سرزمین ناممکن است. آنچه در پی می‌آید مروری بر گاه‌نگاری پیشنهادی ایلام‌شناسان مشهوری است که بطور مختصر در این نوشتار گنجانده شده است. برای گردآوری اطلاعات موجود در این مقاله از ده‌ها منبع متفاوت فارسی و غیر فارسی استفاده شده و تلاش نگارندگان بر این بوده است تا با مقایسه و برابرسازی داده‌های باستان‌شناختی و تاریخی به روش کتابخانه‌ای، بتوانند مجموعه‌ای مختصر اما جامع و رسا از تاریخ دو هزار ساله‌ی جنوب و جنوب غربی ایران را که با نام ایلام و دوران ایلامی به هم گره خورده است تهیه نمایند.

خاستگاه نام ایلام

در فهرست شاهان سومری آمده است که «ان - امبرگیسی»، پادشاه نیمه افسانه‌ای سلسله‌ی اول کیش به ایلام لشکر کشید (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). این برای نخستین بار است که به نام ایلام تحت عنوان دشمن سومر اشاره می‌شود. کاتبان سومری برای نوشتن نام ایلام از واژه‌ی سومرنگار NIM به معنای "بلند" استفاده کرده‌اند. واژه‌ی نیم (NIM) اغلب با معرف کی (KI) به نشانه‌ی سرزمین و یا مملکت همراه است. شکل اکدی آن، کُر الاماتیوم (KUR elamatum) است که به معنای سرزمین ایلام می‌باشد (پاتس، ۱۳۸۶: ۱۴). کاتبان ایلامی نام سرزمینی را که در آن می‌زیسته‌اند را با دو واژه‌ی "هال" و "هتمتی" (hal و hatamt) ثبت کرده‌اند که به معنی "سرزمین خدای بخشنده" است (هینتس، ۱۳۷۶: ۴). این نام در قرن هجدهم پیش از میلاد برای اولین بار در کتیبه‌های ایلامی ظاهر می‌شود.

عوامل جغرافیایی ایلام

شناخت وضعیت جغرافیایی ایلام، بدون وجود اسناد و گل نوشته‌های ایلامی و بین‌النهرینی غیرممکن است. «فرانسوا والا» با تکیه بر نوشته‌های موجود به تعیین وجه تمایز میان سرزمینهای شوشان و ایلام پرداخته و اعلام می‌کند که کشور شوشان متفاوت با کشور ایلام است. دلیل اصلی او براین ادعا همان علامت اندیشه‌نگاری است که سومری‌ها با آن ایلام را معین می‌کردند. علامت NIM که به معنای بالا و مرتفع است در هیچ موردی با شوشان، این سرزمین پست و کم ارتفاع و امتداد جلگه‌طبیعی بین‌النهرین نمی‌تواند مناسبتی داشته باشد. زیرا علامت NIM که به طور متداول و معمول در مقابل اسامی محل‌های واقع در فلات به کار برده می‌شده، هرگز عملاً قبل از شوش قرار نگرفته است.

«دانیل پاتس» اما، خط بطلان بر باورهای فرنسوا والا کشیده و بر این باور است که نام ایلام واژه‌ای ایرانی نیست و با تصویری که مردم نواحی مرتفع ایلام از خود داشته‌اند

ارتباطی ندارد (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۵). این نام را ساکنان میان رودان بر این سرزمین نهاده‌اند. از سوی دیگر، واژه ی NIM پسوندی است که در متون عتیق اور برای شناسایی اشخاص استفاده می‌شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۳۹) سرزمین شوش و سرزمین ایلام اشاره می‌کند.

این مغایرت جغرافیایی بین دشت شوشان و فلات ایلامی در عهد اپرتیها (Eparties) زمانی که قدرت بین سوکال ایلام و سیماشکی و سوکال شوش تقسیم شده بود، دیده می‌شود. چنین وضعیتی در عهد قدیم نیز به همین شکل درک می‌شده است، زیرا کیدنی‌ها (Kidinuides)، یکی‌هلکی (Ighalkides) و شوتروکی‌ها (Šutrukides) عملاً در تمام متون سلطنتی خود، از یک سو، دو شهر شوشون و انشان و از سوی دیگر، دو سرزمین شوشان (شوشن) و ایلام را در مقابل هم قرار می‌دهد (والا، ۱۳۷۶: ۱۸۹).

فرانسوا والا پس از مشخص نمودن وجوه تمایز بین شوشان و ایلام به تفسیر واژه‌ی ایلام پرداخته و با استناد به تعریف اندیشه نگار NIM به معنای بالا و مرتفع، بیان می‌کند که سرزمین انشان، همان سرزمین ایلام است (والا، ۱۳۷۶: ۱۸۹). همچنین با استناد به نوشته‌های بین‌النهرینی که در آن به معرفی شاهان اوان و سیماشکی می‌پردازد نتیجه می‌گیرد، اوان و سیماشکی باید در سرزمین انشان جای گیرند (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰). به اعتقاد وی واژه ایلام دو واقعیت جغرافیایی را در برمی‌گیرد. در مورد نخست، در مفهومی محدود، وی انشان را با ایلام یکی دانسته و استان کنونی فارس را به مرکزیت ملیان (بیضای کنونی) تحت عنوان کشور ایلام معرفی می‌کند. از سوی دیگر، در یک مفهوم وسیع‌تر، فلات ایران که از غرب با بین‌النهرین و در شرق با دشت‌های کویر و لوت و از جنوب به خلیج فارس راه می‌یابد را، با نام امپراتوری ایلام هم‌ردیف دانسته و بر همین اساس معتقد است، از دید سیاسی، قلمرو ایلام مجموعه فلات و یا بخشی از این مجموعه که شوشان در برخی از ادوار می‌توانسته ضمیمه آن باشد را تشکیل می‌دهد (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰). اما فقط در دوره ایلامی جدید است که هم زمان با استقرار

مادها و پارسی‌ها در فلات ایران، هنگامی که اهالی ایلامی تبار به شوشان پناه می‌برند، این ایالت نام ایلام به خود می‌گیرد (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰).

گاه نگاری دوره آغاز ایلامی تا هخامنشی مقدم

به دنبال عملیاتی که از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۵ زیر نظر «رومن گیرشمن» در طبقات مربوط به هزاره دوم ق.م (کارگاه حفاری A, B در تپه شهر شاهی) صورت گرفت، هیئت‌های امریکایی و فرانسوی شوش را بر آن داشت تا با انجام لایه نگاری در دشت خوزستان به بازسازی تاریخ شوش و پیرامون آن بپردازند. بر همین اساس برنامه‌ی لایه نگاری شوش توسط «ژنویودلفوس» ه منظور مطالعه تپه‌های قبل از تاریخ دشت شوشان، آلن لوبرن برای تجسس طبقه‌های هزاره چهارم (آکروپل I)، الیزابت کارتر مطالعه‌ی طبقه‌های هزاره‌ی سوم (شهر شاهی I) و پییر دومیروشیچی طبقه نیمه نخست هزاره‌ی اول (شهر شاهی ۲) انجام گرفت (پرو، ۱۳۷۶: ۲).

تپه‌های شوش نشان‌دهنده آثار باز مانده از دوره استقرار هستند که عملاً اسکان در آن بدون وقفه، از آغاز هزاره‌ی چهارم تا قرن سیزدهم میلادی ادامه داشته است. ویرانه‌های شوش بر روی چهار تپه‌ی بزرگ واقع شده‌اند.

الف - تپه قدیمی شوش (آکروپل)

ب - تل آپادانا که بر روی آن کاخ داریوش اول قرار دارد.

ج - شهر شاهی که در شرق شوش قرار دارد.

د - شهر صنعتگران که شرقی‌ترین قسمت شوش است.

خط نوشته‌های میخی یافت شده در شوش مدارک مهمی از سلسله‌های فرمانروایان و زیربنای اجتماعی در این شهر را فراهم ساخته است. لویی واندنبرگ شهر شوش را محل تلاقی دو تمدن بزرگ بین‌النهرین جنوبی و فلات ایران می‌داند (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷۵).

دوره شوش I (پیش از تاریخ، هزاره چهارم ق.م)

دوره شوش I نخستین، دوره اشغال و استقرار در شوش را عرضه می‌دارد. این لایه با شوش A در جعفرآباد تطابق می‌یابد (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۴). همچنین موازی با فرهنگ باکون الف در فارس است (علیزاده، ۱۳۸۷). مواد سفالی به دست آمده از طبقه‌های ۲۷ تا ۲۲ آکروپل شوش به طور خاص با داشتن تزیین منقوش و سفال روشن نخودی مشخص شده است.

دوره شوش II (آغاز نگارش، هزاره چهارم ق.م)

این دوره که از لایه‌های ۲۲ تا ۱۷ آکروپل ۱ شوش مشخص گردیده، با پدیدار شدن یک روش نشانه‌گذاری شمارشی یا استفاده از گلوله‌های توخالی در کنار مهرهای استوانه‌ای معین شده است. علیزاده این دوره را موازی با دوره ی لپویی و بانس قدیم در فارس می‌داند (Alizadeh, 2010: 353). از سوی دیگر، فرانسوا والا با مطالعه ی کتیبه‌های طبقات ۱۸ تا ۱۴ آکروپل شوش، باور دارد که مهمترین انقلاب فرهنگی در در طبقه ۱۸ به وقوع پیوسته است. وی مبدأ پیدایش خط را در لایه ۱۸ قرار داده و در این لایه عناصر اصلی خط ترسیمی و آفرینش لوح را معرفی می‌کند (والا، ۱۳۷۶: ۶۹). این دوره با پیدایش یک نوع سفال خشن لب برگشته همراه است (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۵).

دوره ی شوش III (آغاز ایلامی، هزاره ی سوم ق.م)

این دوره از لایه ی ۱۶ آکروپل ۱ شوش و پیدایش نخستین لوح های آغاز ایلامی شروع می‌شود و تا طبقه B ۱۴ ادامه می‌یابد. لایه ۱۶ آکروپل شوش همزمان با دوره بانس میانی در حوضه رود کر است. این دوره با کاهش مساحت مناطق مسکونی دشت خوزستان به کمتر از ۲۵ هکتار همراه است. در این مدت جمعیت دشت خوزستان به کمترین حد خود تنزل یافته و شوش با بیشترین مساحت در حدود ۱۱ هکتار بزرگترین محوطه مسکونی آغاز ایلامی در دشت خوزستان است. علیرغم افت شدید جمعیتی دشت خوزستان، جمعیت دشت ایزه و حوزه رود کر در فارس در این دوره افزایش چشمگیری داشته است (Alden, 1982: 618).

بر همین اساس، «آلدن» کاهش جمعیت در سرزمین‌های پست خوزستان و افزایش آن در نواحی مرتفع فارس را به سبب توسعه‌ی فن‌مدیریت و مرکزیت اداره‌ی دولتی در شوش می‌داند. بازرگانان شوشی در مناطق مرتفع بعنوان واسطه عمل می‌کردند. آنان نقش مهمی در حضور و نفوذ شوشی‌ها در این مناطق داشته و باعث ایجاد تبادلات فرهنگی میان سرزمین‌های پست دشت خوزستان با مناطق کوهستانی فارس گشتند (Alden, 1982: 618). لیزابت کارتر با توجه به شباهت میان سفال‌های مکشوفه از لایه‌های ۱۸ تا ۱۳ شهر شاهی و سفالهای شناخته شده از فارس و کرمان (بانش و آغاز ایلامی) معتقد به نوعی دگرگونی فرهنگی در شوش و وابستگی پایدار آن به شهرهای بین‌النهرین و قرارگاه‌های ایلامی در سرزمینهای مرتفع است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷).

دوره‌ی شوش III در آکروپل ۱ شوش، با دگرگونیهای بزرگ در ساخت سفالینه‌ها همراه است. بدین معنا که اشکال و تزیینات مشخص لایه ۱۷ آکروپل ناپدید گردیده شکل‌های جدید چون جام‌های بلند با ته بریده شده و ظروف سفالی خشن جایگزین آنها می‌شود. گذر از روش نشانه‌گذاری‌های شمارشی به معنای واقعی کلمه در این دوره صورت گرفته است (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۵). فرانسوا والا پیدایش الفبای خط تصویری را که همراه با اعداد و ارقام نیز بوده به لایه ۱۶ نسبت می‌دهد (والا، ۱۳۷۶: ۶۷).

وی لایه ۱۴ را مرحله‌ای می‌داند که در آن مراحل پیشرفته‌تر تکامل خط صورت گرفته و نگارش ایلامی به صورت سطری (خطی) به شکلی که در آینده کوتیک - اینشوشیناک (۲۲۲۰ ق.م) به کار خواهدبرد، پدیدار می‌گردد.

در کاوشهای انجام یافته در آکروپل شوش لایه‌های اشغالی و مسکونی که تاریخ آنها در حدود ۲۱۰۰ تا ۱۹۰۰ ق.م و از ۲۸۰۰ تا ۲۶۰۰ ق.م تعیین شده، ناشناخته به جا مانده است. لذا ادامه گاهنگاری به کاوش‌های انجام یافته توسط لیزابت کارتر در شهر شاهی شوش باز می‌گردد. کارتر به هنگام لایه‌نگاری شهر شاهی شوش سه میان دوره را برای شوش III پیشنهاد می‌کند که به ترتیب عبارتند از: شوش IIIA، IIIB و IIIC.

دوره شوش IIIA مرحله نخست از دوره شوش III است که در لایه های ۱۶ تا ۱۴A اکروپل نشان داده شده ولی در شهر شاهی آثاری متعلق به این میان دوره بدست نیامده است. قدیمیترین دوره اشغال و سکونت که تاکنون از شهر شاهی بدست آمده متعلق به دوره IIIB لایه های ۱۸ تا ۱۶ است.

مشخصه ی سفال وابسته به نخستین مرحله ی سکونت در شهر شاهی چنین است: سفال نخودی با آب رنگ قرمز یا متمایل به قهوه ای، که سطح ظرف را بطور کامل می پوشانده و یا بصورت نوارهای پهن بکار می رفته است. سفال معمول و رایج در شهر شاهی I، در لایه های ۱۸ تا ۱۳، معمولاً دارای خمیری آمیخته با ریگ و شن یا مواد معدنی است. در لایه های ۱۸ تا ۱۶ کاسه های لب برگشته خشن به طور نسبی رایج بوده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

تزیینات تجسمی به صورت نوارهای ایجاد شده با فشار انگشت و یا دستگیره های سوراخ شده با دماغه ی سه گوش و دسته های در زیر لبه، رایج بوده. تزیینات به صورت کنده کاری در روی قسمت دهانه و لبه ی کاسه ها نسبتاً متداول است. رایج ترین و متداولترین اشکال عبارتند از: کاسه های گودی که گاهی تزیین کنده کاری در قسمت لبه دارد. خمره های بدون گردن، تغار، خمره های کوچک نیمه زاویه دار و خمره های متوسط تا بزرگ با شکل نیمه زاویه ای دارای نوار حاشیه با لبه های کاملاً پهن (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

بسیاری از موارد مشابه با انواع نامبرده در مرحله ی IIIC لایه های ۱۳ تا ۱۵ ادامه می یابد. بر همین اساس الیزابت کارتر در دوره ی IIIB و IIIC شهر شاهی I از نظر لایه نگاری یک توالی و تداوم سفال را پیشنهاد کرده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

شوش IV (لایه های ۱۲ تا ۱۹)، سلسله های آوان و سیماشکی (۲۶۰۰/۲۷۰۰ تا ۱۹۰۰ ق.م). این دوره که مصادف است با گودین ۳ (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷)، ملیان کفتری (Sumner&Miller 2004:88) دوره اکد، سلسله سوم اور در بین النهرین و دوره های آوان و سیماشکی

و ایلام قدیم (سوکل ماه) (علیزاده، ۱۳۷۶: ۷۱)، تحولی قطعی در سبکهای سفال بوجود می‌آید. سفال نخودی با خمیره ی آمیخته با شن صاف و یکدست جایگزین سفال پوشیده با آبرنگ در لایه های قبلی می‌گردد. علاوه براین، سفال منقوش یکرنگ که به سبک دوم شوش تعلق دارد در حدود ۱۰ درصد از مجموع سفالهای لایه ۱۲ را به خود اختصاص می‌دهد. طرح های تجسمی نسبت به لایه قبلی پیشرفت حاصل نموده و به صورت نوارهای عمودی و افقی، نوارهای موجی شکل، مثلث های هاشوری و مجسم، گیاهان، پرندگان و به میزان کمتر ظروفی با تزیین دندان کوسه‌ای مشخص‌ترین اشکال مربوط به کوزه و یا خمره زاویه‌دار است. کاسه‌های زاویه دار، شکل های باز و گشاد و پهن با نوارهای فشارانگشتی در زیر لبه و تعدادی از خمره‌های گردن کوتاه که نواری با فشار انگشت در قسمت پایین و ته‌ظرف به طرزی خاص در آنها ایجاد شده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۶).

باتوجه به کمبود مدارک مکتوب، تشخیص وضعیت تاریخی این دوره و چگونگی ارتباط آن با دولت شهرهای سومر و جنوب بین‌النهرین دشوار است. کارتر معتقد است که در این زمان شهر شوش به بزرگی و گسترش شهرهای اور، اروک، لاگاش و یا کیش نبوده است. تعداد معدودی از اشیاء مکشوفه در قبور این دوره که قابل مقایسه با سفالینه‌ها و اشیاء فلزی مکشوفه از شمال غرب لرستان و نیز سفالینه‌های جلیان در فارس و تپه یحیی و شهداد کرمان است، نوعی وابستگی و ارتباط بازرگانی با غرب و جنوب شرقی در این دوره را نشان می‌دهد. احتمال می‌رود که شوشان در این زمان بر مردم سرزمین های مرتفع (فارس) نظارت داشته و یا به دست آنان اداره می‌شده است. به نظر می‌رسد با پایان یافتن دوره ی پادشاهی نخستین، شهر شوش بیش از پیش به سوی یک فرهنگ غربی جهت یافته باشد (کارتر، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

مقارن با این دوران، ساکنین سرزمینهای پست که ظاهراً توانسته بودند به حاشیه‌ی غربی حوضه‌ی رود گر در استان فارس نفوذ کنند در شهر کهن و مهم انشان برای خود

موقعیتی مناسب دست و پا کردند. آنان در نقاط کلیدی ملیان و سایر جاها معابدی برپا داشتند که شبکه‌ای از فارس تا خوزستان را دربر می‌گرفت. این تأسیسات و به احتمال، نهادهای دیگری از این قبیل به عنوان مراکزی برای مردم محلی اعم از عشایر و کشاورزان عمل می‌کردند. احتمالاً در شهر، تولید اقلامی چون سفال برای مبادله با محصولات کشاورزی و دامی و همچنین مواد خام وجود داشته‌است ((کارتر، ۱۳۷۲: ۵۳).

بجز از ملیان در هیچ‌یک از سکونتگاه‌های دره‌ی رود گر به روشنی سفالی متناسب با سفال سرزمینهای پست بدست نیامده است. یافته‌های ترانشه‌ی EDD و شواهد سفالی بدست آمده از ملیان قویاً حاکی از آن‌است که ملیان پایگاه دورافتاده‌ای برای شاهان ایلامی سرزمین‌های پست بوده است (کارتر، ۱۳۷۲: ۵۵). انواع سفال نخودی ساده‌ی موجود در ترانشه‌ی EDD با یافته‌های لایه‌ی ۱۱ تا ۱۸ در تپه شاهی II در شوش و فوقانی‌ترین لایه در گمانه‌ی آزمایشی معبد ایشین کرب و زیر زمین کاخ در ال اونتاش-نپیریش شباهت تنگاتنگ دارد (کارتر، ۱۳۷۲: ۵۴). در نیمه‌ی نخستین هزاره‌ی سوم پیش از میلاد، شهر شوش به میزان قابل توجهی با افزایش جمعیت و تمرکز دستگاه‌های خدمات اداری، روبرو بوده است. اگرچه شاید شهر شوش به عنوان مرکز شوشان به شمار نمی‌آمده است؛ اما به مثابه‌ی یک مرکز ولایتی تحت نظر فرمانروایان اکد اداره می‌شده و در ارتباط با شهرهای بین‌النهرین چون گیرسو، زابالام و اوما بوده است (کارتر، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

در حدود ۲۲۵۰ پیش از میلاد «پوزو این-شوشیناک»، شاهزاده‌ی شوشی از ضعف موجود در دستگاه اکدی حاکم بر شوش استفاده نموده و خود را نایب السلطنه ایلام خوانده و سرانجام بمقام پادشاهی اوان که شامخ‌ترین مقامات بود رسید (آمیه، ۱۳۷۲: ۳۹).

در طی مرحله‌ی سیماشکی (۱۹۰۰-۲۱۰۰ ق.م)، شوش تنها شهر در دشت خوزستان مرکزی به شمار می‌رفت. به نظر می‌رسد که در آغاز دوره‌ی سیماشکی، شاهان سلسله‌ی اور III در بین‌النهرین نظارت و اداره‌ی شوش را در دست خود گرفته بودند. آنان

خوزستان مرکزی و مناطق دهلران را بعنوان گذرگاهی برای انتقال اجناس گرانبهای سرزمین‌های مرتفع در جهت شمال غربی در امتداد جاده‌ی دامنه‌ی کوه و یا در جهت شرقی به داخل دره‌های زاگرس در نظر داشتند (کارتر، ۱۳۷۶: ۱۸۵).

شوش ۷ دوره سوکال ماه (در حدود ۱۵۰۰-۱۹۰۰ ق.م)

این دوره که بعضی آن را دوران ایلام قدیم و برخی سوکالماه می‌خوانند، همزمان با سلسله‌ی اول بابل و سلسله‌ی کاسی در بین‌النهرین است. سفال این دوره که در لایه‌های ۶ تا ۳ شهر شاهی شناخته شده در شهر شاهی B VI, VII و سفال لایه‌هایی که به دوره‌های اور III-ایسین لارسا در بین‌النهرین تاریخگذاری شده است، مشابهت نزدیک دارد (کارتر، ۱۳۸۱: ۷۷). با توسعه و گسترش شوش در اوایل هزاره‌ی دوم پیش از میلاد شهر شوش به صورت مرکز و پایتختی منطقه‌ای و احتمالاً بین‌المللی درآمد. قدرت اقتصادی سلسله‌ی پادشاهی، متکی بر بهره‌برداری کشاورزی از منابع دشت شوشان بود و دست‌کم بخشی از فرمانروایی سلسله‌ی شاهی بطور منطقه‌ای و محلی پایه‌گذاری شد. در این لایه هنوز استفاده از سفال‌های نخودی ساده با شن صاف و یکدست ماده‌ی چسباننده‌ی شن ادامه داشته ولی سفال منقوش یکرنگ از سبک روز و رسم رایج خارج می‌شود. معمولی‌ترین شکل‌ها متعلق به کاسه‌های مخروطی، خمره‌هایی باشانه‌ی دنداندار و کوزه‌ها و خمره‌های دارای زاویه و یا نیم زاویه است. سفال‌های این دوره در آکروپل با لایه‌های اکدی قابل مقایسه است (کارتر، ۱۳۸۱: ۷۶).

پادشاهان ایلامی در دوره‌های مختلف لقب‌های متفاوت داشته‌اند. در دوران مقارن با دوره‌ی بابل قدیم، لقب پادشاه ایلام «سوکالماه» بود که به معنای نایب‌السلطنه‌ی بزرگ است. محل سکونت سوکالماه شهر شوش و پایتخت ایلام بوده و نایب‌السلطنه یا فرمانروا با لقب سوکال شناخته می‌شد که معمولاً سوکال ایلام و یا سیماش بود. وی در شوش زندگی نمی‌کرد و در شهری که اجدادش زندگی می‌کرده‌اند ساکن می‌شد.

آخرین پادشاه ایلام از نسل دوازدهم خانواده ی سوکالماه کوتیر ناهونته (۱۷۳۰ ق.م) است. وی در یکی از کتیبه هایش که به خط بابلی نوشته شده خود را نایب السلطنه ی بزرگ یا فرمانروای ایلام معرفی می کند. خط کتیبه های رایج در این زمان خط بابلی است. این به معنای نفوذ هرچه بیشتر بین النهرین بر ایلام است. در دوره ی سوکالما لهجه ی بابلی قدیم و اکدی رایج ترین زبان ارتباطی در نواحی بین النهرین و جنوب غربی ایران برای مبادلات تجاری و سیاسی بود. این وضعیت، نواحی شوش و حتی انشان را نیز در بر می گرفت (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۵۹).

دوره ی ایلام میانه (۱۱۰۰-۱۵۲۰ ق.م)

آغاز این دوره و مرحله انتقالی از ایلام کهن به ایلام میانه در هاله ای از ابهام فرو رفته است. در کاوش های شهر شاهی ۲ که توسط پیر دومیروشیجی در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی انجام یافته است، در مجموع ۱۳ لایه بدست آمد که لایه های ۱۰ تا ۱۳ را بدین دوره منسوب نموده اند (دومیروشیجی، ۱۳۸۱: ۹۷). الیزابت کارتر شکلهای قابل مقایسه با سفال لایه ۱۳ شهر شاهی ۲ را به یک مرحله انتقالی منسوب داشته و آنها را بین حدود ۱۶۰۰ و ۱۳۰۰ پیش از میلاد تاریخگذاری کرده است (Carter, 1971: 76-77). سفال های این لایه دارای خمیره ای آمیخته با مواد گیاهی است و در ظرف های بزرگتر، این خمیر با مواد معدنی همراه است. سفالها از نظر کلی به رنگ نخودی یا قهوه ای روشن بوده و با روکشی نخودی رنگ پوشیده شده اند.

بیشتر سفالها از نوع جام های ایلامی پهن و کوتاه و خمره هایی با لبه ای از تزئینات برجسته و خمره های بزرگ با گردن کوتاه که لبه آنها با یک نوار حاشیه ای باریک مشخص شده اند. جام ها دارای ته دکمه ای شکل یا بریده مقطع ۷٪ از مجموع سفال ها را ارائه کرده و ظروف تخم مرغی شکل از جنس سفال ظریف دارای زاویه در قسمت شانه بیشتر از ۴٪ از مجموع سفال ها را تشکیل می دهد (دومیروشیجی، ۱۳۸۱: ۹۶).

از لایه ۱۲ شهرشاهی ۲ به بعد کوزه‌های ته دکمه‌ای شکل ناپدید می‌شوند در حالیکه کوزه‌های ایلامی به شکل کشیده تر درآمده و بر تعداد آنها افزوده می‌شود ۲۳٫۵٪ سفال‌ها نیز اینگونه‌اند. علاوه بر این خمره‌هایی با شکل‌های جدید و لبه دارای تزیین برجسته و نیز با لبه ی برگشته به داخل پدیدار می‌گردند. در لایه ی ۱۱ کوزه‌های ته‌دکمه ای ایلامی از ۳۲٪ تا ۳۵٪ تمام سفال را عرضه می‌دارد. ظرف‌های کوچک تخم‌مرغی شکل از جنس سفال ظریف ناپدید گشته و انواع جدید خمره دارای برجستگی در قسمت لبه و خمره‌های گردن کوتاه مشاهده می‌شوند (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۹۶). الیزابت کارتر لایه‌های ۱۱ و ۱۲ شهرشاهی ۲ را بین حدود ۱۳۰۰ و ۱۰۰۰ پیش از میلاد تاریخگذاری می‌نماید (Carter, 1971:86-101).

کاوشهای انجام یافته در شهر شوش مدارک کافی دال بر چگونگی وضعیت تاریخی و سیاسی ایلامیها را در این دوره نشان نداده است اما با کاوشهای دکتر نگهبان در هفت تپه (سال ۱۳۴۶ خورشیدی)، در حدود دو قرن دوره ی ی مبهم و تاریک حاکم بر تاریخ ایلام از میان برداشته شد. شواهد حاصل از کاوش‌های هفت تپه نشان می‌دهد که مجموعه آثار هفت تپه مربوط به یک دوره و سلسله بوده است. همچنین مدارک نشان می‌دهد در این زمان کشور ایلام طی ضوابط خاص و دقیقی اداره می‌شده است. براین اساس دکتر نگهبان سه دوره ی متفاوت را برای نامگذاری مراحل مختلف ایلام میانه به کار برده است.

دوره ی اول ایلام میانه (۱۵۲۰ تا ۱۳۵۰ ق.م)

در این دوره شهرک‌های اطراف شوش وسعت یافته‌اند بطوریکه دشت دهلران، دشت خوزستان و دشت رامهرمز، معرف توسعه و وسعت در هزاره ی دوم پیش از میلاد هستند (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۶۲). دوران آبادی هفت تپه در ایلام، مقارن با ظهور سلسله کاسی در بین‌النهرین است. یکی از پادشاهان این دوره «تپتی آهار» است که فعالیت‌های زیادی در اعتلای شهر هفت تپه داشته است. تپتی آهار خود را پادشاه ایلام، انشان

و شوش می‌نامد. وی از سوی دیگر خود را آزاد کننده ی کشور ایلام از یوغ و استیلای سلاطین کاسی بین‌النهرین خوانده است (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۶۹). سفال‌های مکشوفه از این دوره در هفت تپه با سفال‌های اواسط هزاره دوم در دوران کاسی‌ها در بین‌النهرین شباهت داشته و در گروه سفال‌هایی با پایه‌های کاملاً دکمه‌ای شکل قرار می‌گیرد (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۷۵).

به اعتقاد کارتر، توسعه ی هفت تپه بتدریج از اهمیت شوش کاسته است. بنظر می‌رسد که هفت تپه مهمترین مرکز کشور ایلام در این دوره شده است (Carter, 1984: 32-35). در این دوره در شرق خوزستان در منطقه ی رامهرمز مراکز اجتماعات، وسعت زیادی یافته و تپه ی بورمی به صورت شهر درآمدی است. وسعت آن در اواخر هزاره ی دوم به ۱۸ هکتار رسیده است. تل قزیر در رامهرمز نیز با وسعت تقریبی ۷ هکتار به عنوان یک مرکز مهم باقی مانده است.

دوره ی دوم ایلام میانه (۱۳۵۰ تا ۱۲۰۵ ق.م)

این دوره که به عنوان سلسله ایکهالکی معروف است، دوره‌ای است که در آن ایلام به سرحد اقتدار خود رسید. پیرامیه این دوره را دوره ی پادشاهی شاهان انشان و شوش می‌داند (آمیه، ۱۳۷۲: ۵۲). در یکی از سرگزرهای مفرغی که از شوش بدست آمده شخصی بنام «آتار کیتاخ» خود را با عنوان پادشاه شوش و انشان معرفی می‌کند. در زمان او شهرهای جنوبی مانند لیان (بوشهر) از اهمیت زیادی برخوردار بوده اند. پایتخت کشور ایلام در این زمان احتمالاً منطقه ی انشان بوده است (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

اونتاش گال نیز یکی دیگر از پادشاهان ایکهالکی است. معبد چغازنبیل در طی حکومت وی ساخته شد و شهر شوش نیز در این دوره اهمیت از دست رفته ی خود را بازیافت (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۹۷). کیدین هوتران آخرین پادشاه از دوره ی ایکهالکی است که توانست سرحدات کشور ایلام را از جنوب تا خلیج فارس امتداد دهد. با حمله ی

پادشاه آشور «توکولتی نینورتا» و نفوذ وی در شوش، شورش‌های برپا شد که منجر به پاشیده شدن سلسله‌ی ایکهالکی و انشان گردید (نگهبان، ۱۳۷۵: ۲۹۷).

دوره‌ی سوم ایلام میانه (۱۲۰۵ تا ۱۱۰۰ ق.م)

با فروپاشی پادشاهی «کیدین هوتران» برای مدتی استقرار و ثبات سیاسی در کشور ایلام از میان رفت. اما با حکومت «شوتروک ناهونته» یکی از باشکوه‌ترین دوران تاریخ ایلام آغاز می‌شود (۱۱۷۱-۱۲۰۷ ق.م). در زمانی که آشور و بابل سرگرم مسائل داخلی خود بودند، فرصتی مناسب برای کشور ایلام به حساب می‌آمد تا از این فرصت استفاده نموده بیشترین بهره‌ی سیاسی را ببرد. شوتروک ناهونته توانست به همراهی پسرش «کوتیر ناهونته» بین‌النهرین را فتح نماید و قبل از مرگش سرزمین وسیعی را که حد جنوبی آن خلیج فارس و حد غربی‌اش کشور بابل بود را از خود بجای گذارد (نگهبان، ۱۳۷۵: ۳۰۶).

بعد از کوتیر ناهونته پسرش «شیلهاک اینشوشیناک» به سلطنت ایلام رسید. وی مدت زیادی در ایلام سلطنت کرد و ۱۲ بار به نواحی مختلف لشکرکشی کرد. اما پس از وی پسرش «هوتولوش اینشوشیناک» نتوانست همانند اجدادش کشور را در حد اعتدالی خود نگهدارد. در همین زمان با حمله‌ای از سوی بابل، شهر شوش بدست بابلی‌ها افتاد. از شواهد چنین برمی‌آید که از این دوره به بعد است که ایلام اقتدار خود را از دست داد و تا سه قرن بعد (۸۲۱-۱۱۰ ق.م) در خاموشی فرو رفت. از این سیصد سال نه متنی در دسترس است و نه در منابع بین‌النهرینی به رویدادهای کشور ایلام اشاره شده است.

بی‌تردید در این دوره، پادشاهی بزرگ ایلامی از هم پاشیده شده و به حکومت‌های مستقل محلی تقسیم شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۲۸). از سوی دیگر کاوش‌های انجام یافته در ملیان فارس، نخستین بینش توصیفی درباره‌ی عملکرد ایلام میانه را در خارج از جلگه‌ی شوش در اختیار محققین نهاده است که با جریان کلی تاریخ امپراتوری

ایلامی، یک دوره‌ی کوتاه گسترش پیش از پایان هزاره‌ی دوم پیش از میلاد و در پی آن افول سریع در قرون اولیه هزاره‌ی اول پیش از میلاد مطابقت دارد. در یکی از گل‌نوشته‌های مکشوفه از IVA ملیان مقادیر معتناهی نقره و طلای متعلق به هوتولودوش-این-شوشیناک (حدود ۱۱۲۰ ق.م) ثبت شده است که از آنها برای ساخت زیورآلات یا تزیینات معبد یا معابدی در داخل یا نزدیکی انشان استفاده کرده‌اند (Stolper, 1984: 122-125).

دوره‌ی ایلام نو (۵۴۰-۱۱۰۰ ق.م)

به دنبال گسترش و توسعه‌ی تمدن درخشان ایلامی در سده‌های دوازدهم و سیزدهم پیش از میلاد و درست پیش از امپراطوری هخامنشی، دوره‌ی ایلامی نو، یکی از ناشناخته‌ترین دوره‌ها از نظر باستان‌شناسی در جنوب غرب ایران بشمار می‌رود. این تاریکی و ابهام نه به دلیل اضمحلال کشور ایلام بلکه به سبب عدم وجود اسناد کتبی و یا نابودی نوشته‌ها می‌باشد. شواهد موجود بخصوص قبور بزرگ خانوادگی و اشیای تجملی نشان می‌دهند که در این زمان کشور ایلام از آبادانی کامل برخوردار بوده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۳۲ و آمیه، ۱۳۷۲: ۶۷). کاوش‌های انجام یافته، توسط پیر دومیروشیجی در جنوب غربی شهر شاهی شوش، که شهر شاهی ۲ نامیده می‌شود، جدیدترین اطلاعات را از این دوره‌ی مبهم تاریخی به ما می‌دهد.

در مجموع، از ۱۳ لایه‌ی گزارش شده در شهر شاهی ۲، لایه‌های ۱۳ تا ۱۰ مرحله‌ی انتقالی از دوره‌ی ایلام میانه به دوره‌ی ایلام نو را به نمایش می‌گذارد. اشکال جدید فراوانی شبیه کوزه ایلامی با جداره‌ی ضخیم و گردن بسیار بلند که از کف چهارم چغازنبیل بدست آمده در این لایه‌ها مشاهده گردید. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که لایه‌ی ۱۰ به دوره‌ی ایلامی نو تعلق داشته و تاریخ آن متعلق به قرون یازده تا دهم پیش از میلاد است (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۸۶). میان لایه‌ی ۱۰ و ۹ وجود خلاء به مدت نامشخص به معنای نوعی وقفه در این مکان است. لایه‌های ۸ و ۹ معرف ظروفی

است که مشابه آنها در کاخ زیر زمین چغازنبیل در محلی که نشان از آخرین دوره ی اشغال و سکونت در محوطه ی باستانی، پیش از پیروزی آشوری ها در سال ۶۴۶ پیش از میلاد می دهد، یافت شده است (دومروشیجی، ۱۳۸۱: ۸۶). این سفال ها به همراه صندوقچه‌های استوانه‌ای یا مخروطی شکل غالباً به قرن های هشتم و هفتم پیش از میلاد تاریخگذاری شده اند. بدین ترتیب لایه‌های ۹ و ۸ نیز به دوره ی ایلامی نو منسوب می شوند.

لایه های ۷ و ۶ به سده ی هفتم و یا ششم پیش از میلاد، یعنی زمان فرجام ایلام بدنال ویرانی وانهدام شوش توسط لشکریان آشوری در سال ۶۴۶ پیش از میلاد و با آغاز دوره ی هخامنشی در شوش در تاریخ های ۵۵۰ و ۵۲۰ پیش از میلاد مرتبط می گردد. لایه های ۵ و ۴ نیز به سفال های تخت جمشید و پاسارگاد شباهت دارد که به دوره ی هخامنشی منسوب می گردد (دومروشیجی، ۱۳۷۶: ۸۶).

از قرن هشتم پیش از میلاد به بعد، منابع مکتوب از جنگ میان ایلام و آشور اطلاعاتی را بدست می دهد و ایلام را آغازکننده ی جنگ اعلام می نماید. پیر آمیه دو مانع عمده را در پیروزی ایلامیان بر آشور مهم قلمداد می کند که مهمترین آن حضورقبایل ایرانی تازه وارد (مادها) در سرحدات شرقی آشور است، بطوریکه آشوریان قدرت درگیری با آنها را در خود نمی بینند. از سوی دیگر در هر منطقه‌ای شاهزاده‌ای بطور مستقل عمل می کرد. برای مثال می توان مملکت «ایپیر» در مال امیر بختیاری را نام برد که با وجود نقش برجسته‌ای متعلق به شاه هانی معرفی می گردد. در خصوص ورود اقوام پارس به صحنه ی تاریخ، پیر آمیه به حضور سواران پارسی در میان ارتش ایلام و نبرد دوشادوش آنان در کنار ایلامیها در جنگ با سناخریب (۶۹۰ ق.م) اشاره نموده است. شاید در آن زمان پارسی ها سرزمین انشان را جهت سکونت خود انتخاب نمودند؛ و در آنجا وطن حقیقی خود را بنا کردند (آمیه، ۱۳۷۲: ۷۳).

آشور بانیپال در حدود سالهای ۶۴۶ پیش از میلاد، پس از فتح بابل، ایلامیان را به تابعیت خود درآورد و «هوبان هالتاش» شاه این مملکت را از سلطنت خلع کرد. اما ایلامیان که در صدد بدست آوردن استقلال برآمده بودند موجب خشم آشور بانیپال شدند. در پی آن، سپاهیان آشور به سرعت، تمامی مملکت ایلام را اشغال نمودند. آنان با بی‌رحمی هرچه تمامتر به قتل و غارت پرداخته و بسیاری از افراد طبقه یی برگزیده ی ایلام را به آشور منتقل کردند (آمیه، ۱۷۲: ۷۰). پس از این قتل و غارت و ویرانی که آشور بانیپال با افتخار هرچه تمامتر در کتیبه‌ای از آن یاد می‌کند؛ کشور ایلام دیگر کمر راست نکرد و عمر امپراطوری عظیمش به آخر رسید.

دوره ی هخامنشی مقدم (۵۲۰-۶۴۶ ق.م)

نتایج حاصل از بررسیهای حوضه ی رود کر و پژوهش‌های انجام یافته در ملیان فارس، کاهش قابل ملاحظه‌ای را در تعداد تأسیسات مسکونی در اواخر هزاره ی دوم پیش از میلاد پدیدار می‌سازد (Sumner, 1972: 257). این بدان معنی است که عامل کوچ نشینی از این به بعد نقشی با اهمیت و حتی حاکم و مسلط را بازی کرده است. این مرحله بتدریج شدت یافت و به انقطاع تقریباً کامل سکنه مستقر در خلال نیمه ی نخست هزاره ی اول پیش از میلاد انجامید.

در سال ۶۴۶ ق.م، به موازات حمله ی ویرانگر آشور به سرزمینهای ایلامی، دودمان پارسی‌ها نیز به دومین و یا سومین نسل خود رسیده بود. در قسمتی از سالنامه H آشوربانی‌پال حکایت شده است که شخصی بنام کوروش، پادشاه پارسوماش، پس از دریافت خبر شکست عظیمی که بر ایلام وارد شد خراج خود را به همراه پسر ارشدش به نینوا فرستاد (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۴). دومیروشیجی معتقد است که موجودیت یابی قلمرو پارسی‌انسان به دور از آن است که به دنبال یک امر تصادفی بدون هیچ دلیل آشکار، در پیچ و خم قرن هشتم تا هفتم ق.م به آرامی و بدون سر و صدا بوقوع پیوسته باشد. تشکیل آن پدیده‌ای بود در واکنش نسبت به لشکرکشی آشور در ۶۴۶ پیش از

میلاد به ایلام که موجب درهم فروریختن و نابودی ترکیب سازمان سیاسی و اقتصادی امپراطوری کهن ایلام گردید. این موضوع پدیده‌ای مجزا و منفرد نیست، زیرا در خلال ثلث آخر قرن هفتم ناظر بر نوعی تقسیم و تنظیم مجدد نقشه‌ی جغرافیایی در زاگرس و بین‌النهرین هستیم که با بازسازی و تجدید قلمرو بابل، تشکیل حکومت ماد، تأسیس و برقراری یک دولت ایلامی در شوشان و پیدایش فرمانروایی پارسی انشان مشخص شده است (دومروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

بر مبنای ملاحظات فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثریت جمعیت بومی و محلی، یعنی ایلامی‌فارس از نیمه‌ی دوم هزاره دوم ق.م کوچ‌نشین بوده و تا پس از مهاجرت اقوام ایرانی (در حدود ۱۰۰۰ ق.م) که آنها نیز کوچ‌نشین بوده‌اند، به همین حال باقی‌مانده‌اند. در قرن ششم پیش از میلاد یک جنبش قوی برای اسکان و استقرار آنان به وقوع پیوست. این پدیده‌ی، استقرار و پیدایش دودمانی از پادشاهان پارسی در برقراری مرحله‌ی پیدایش و تکوین نژادی پارسی‌ها را در پایان قرن نهم پیش از میلاد القا می‌کند. درهم‌آمیختگی و امتزاج اقوام بومی و محلی (ایلامی‌ها) و مردمانی مهاجر (ایرانی‌ها) که از قدیم در منطقه حضور داشته‌اند، باعث وجود وجه تمایزی است میان ساکنان زاگرس مرکزی (پارسوا) که ایرانی شمرده می‌شوند و ساکنین انشان/پارسا در فارس، که از پایان قرن هفتم ق.م به نام پارسی‌ها شناخته می‌شوند. این را می‌توان از القاب نخستین پادشاهان پارس، که به خود لقب شاه انشان می‌داده‌اند، دریافت (دومروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۵). بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که آنان خود را وارث امپراطوری ایلام می‌دانستند.

دومروشیجی معتقد است این میراث ایلامی که نخستین فرمانروایان پارس پذیرفته بودند، به جلوه‌های دیگر از تمدن ایلامی نیز وابستگی داشت. آنان جامه‌های ایلامی برتن می‌کردند (جامه‌ی پارسی هرچند که مشخصه‌ی دوره‌ی هخامنشی به شمار می‌رود اما پارسی‌ها و ایلامی‌ها هر دو آن را می‌پوشیدند). بدین ترتیب از دیدگاه هنر و فرهنگ

مادی، تمدن فارس و خوزستان را می‌توان در طی بیشترین بخش قرن ششم، به عنوان ایلام جدید منظور داشت.

نخستین روایت کتبی ی بیستون به خط ایلامی است. نخستین پادشاهان هخامنشی از زمان داریوش اول صخره ی نقش‌رستم که بر آن تصویر خدایان ایلامی نقش شده بود را برای آرامگاه خود انتخاب نمودند. سپس دومیروشیجی بر این باور است که نقل و انتقال بین فرمانروایی ایلامی انشان و شوش و امپراطوری پارسی هخامنشی به صورت یک سیر تدریجی پدیدار شده که آن را در چهار مرحله می‌توان باز شناخت. در مرحله ی نخست که تا ۶۴۶ ق.م به طول انجامیده است، منطقه ی فارس تحت استیلای کم و بیش مستقیم پادشاهان انشان و شوش قرار داشته و اغلب ساکنین آن را مردمان کوچ نشین با ریشه ی بومی، یعنی ایلامی‌ها و ایرانی‌هایی که بتدریج در خلال قرن های طولانی بدین سرزمین مهاجرت کرده بودند، تشکیل می‌داده اند (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۶). در مرحله ی دوم که پس از ۶۴۶ ق.م به وقوع می‌پیوندد، امپراطوری انشان و شوش دچار دگرگونی سیاسی شده و فارس به صورت قلمروی مستقل تحت فرمان سلسله‌ای از پادشاهان به قدرت رسیده ی پارسی قرار می‌گیرد. تنها از این دوره به بعد است که می‌توان از پارسی‌ها (نه ایلامی‌ها و یا ایرانی‌ها) برای مشخص کردن ساکنین این منطقه سخن به میان آورد (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

مرحله ی سوم، از زمان بر تخت نشستن کورش دوم شروع می‌شود که همراه با شکل‌گیری سریع امپراطوری هخامنشی است. قلمرو این امپراطور عظیم نوپا با انضمام تمامی کشورهای خاور نزدیک باستان، از حد جغرافیایی جنوب - غرب فراتر رفته و دچار دگرگونی و تغییرات سیاسی شده است. تمدن ایلامی از این پس دیگر تنها مرجع پارسی‌ها، که خود تحت نفوذ مادها، بابلی‌ها و غیره بودند، به شمار نمی‌رود (دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

مرحله ی چهارم که با آغاز سلطنت داریوش اول همراه می باشد، شاهد نوعی انفصال و از هم گسیختگی در تمدن ایلام می باشیم. داریوش اول به امپراطوری گسترده‌ای که از کوروش کبیر برجای مانده بود نظم نوینی بخشید و در این راستا دیگر تمدن ایلامی عامل تشکیل دهنده ی اصلی به حساب نمی آمد. دومیروشیچی روی کار آمدن امپراطوری پارسی هخامنشی را به معنای واقعی کلمه و ناپدید شدن قطعی ایلام را از صحنه روزگار به سال ۵۲۰ پیش از میلاد نسبت می دهد (دومیروشیچی، ۱۳۷۶: ۲۰۶).

الحاقات: جدول گاهنگاری نسبی ایران (شوش، فارس، فلات مرکزی) و بین النهرین (Alizadeh, 2010: 353)

Table 1. Relative chronology of Iran and Mesopotamia

Date BC	Susiana	Fars	Central Plateau	Mesopotamia
1000-500	Late Elamite	Shogha/Teimuran	Iron II/III	Neo-Babylonian
1500-1000	Mid-Elamite	Kaftari/Qale	Iron I	Kassite
1900-1550	Old Elamite (Sukkalmaḥ)	Kaftari	Late Bronze	Old Babylonian
2100-1900	Old Elamite (Shimashki)	Kaftari		Isin/Larsa
2350-2100	Old Elamite (Awan)	Hiatus	Middle Bronze	Akkadian, Ur III
2600-2350	! (Early Dynastic)	Hiatus		Early Dynastic
3000-2600	Proto-Elamite	Late Banešh	Early Bronze	
3900-3000	Susa II (Uruk)	Lapsi/Early Banešh		Uruk
4000-3900	Terminal Susa I	Lapsi	Late Plateau	Terminal Ubaid
4500-4000	Late Susiana 2 (Susa I)	Bakun A		Ubaid 4
4800-4500	Late Susiana I	Tall Gap/Bakun B2		
5400-4800	Late Middle Susiana	Bakun B2	Middle Plateau (Cheshme Ali)	Ubaid 3
5600-5400	Early Middle Susiana	Bakun B1	Early Plateau	Ubaid 2
5800-5600	Early Susiana	Jari B	Archaic Plateau	Ubaid 1
6100-5800	Archaic Susiana 3			Ubaid 0
6300-6100	Archaic Susiana 2	Mushki		Hassuna
6500-6300	Archaic Susiana 1			
6700-6500	Archaic Susiana 0	Arsanjan Cave Site		Jarmo



قلمرو سیاسی کشور ایلام در دوره‌ی آغاز ایلامی (والا، ۱۳۷۶: ۱۹۰)

کاوش‌های باستان‌شناختی فرانسویان در بخش‌های متفاوت ویرانه‌های شوش
(دومیروشیجی، ۱۳۷۶: ۹).



فهرست منابع

۱. آمیه، پیر (۱۳۶۵)، "شهرنشینی ایلام در شوش"، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهر سازی در ایران، ترجمه افسانه خلعت‌بری، به کوشش محمد یوسف کیانی، مرکز باستان‌شناسی ایران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی موزه ایران باستان.
۲. آمیه، پیر (۱۳۷۲)، "تاریخ عیلام"، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. اومستد، ا.ت (۱۳۷۲)، "تاریخ شاهنشاهی هخامنشی"، ترجمه دکتر محمد مقدم، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم، تهران.
۴. پرو، ژان (۱۳۶۵)، "شهر هخامنشی در شوش"، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهر سازی در ایران، ترجمه افسانه خلعت‌بری، به کوشش محمد یوسف کیانی، مرکز باستان‌شناسی ایران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، موزه ایران باستان.
۵. پرو، ژان (۱۳۷۶)، "شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی"، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هاید ه اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۶. پاتس، دانیل (۱۳۸۵)، "باستان‌شناسی ایلام"، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) تهران.
۷. دومروشیچی، پیر (۱۳۷۶)، "لایه نگاری (ایلامی جدید) در شوش (حدود ۱۱۰۰ تا ۵۴۰ ق.م)", شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه ی هاید ه اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۸. دومروشیچی، پیر (۱۳۷۶)، "از قلمرو ایلامی انشان و شوش تا قلمرو پارسی انشان"، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هاید ه اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۹. کارتر، الیزابت (۱۳۷۲)، "بنای ایلام میانی در انشان (تل‌ملیان)", مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم شماره ۱۳ و ۱۴.
۱۰. عزیزاده، عباس (۱۳۷۶)، "گزارش توصیفی و مقدماتی بررسی‌های باستان‌شناسی - انسان‌شناسی در دره‌های رود کر و ناحیه شمال غربی مرو دشت فارس" گزارش های

باستان‌شناسی (۱)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی پژوهشکده باستان‌شناسی.

۱۱. کامرون، جورج (۱۳۶۵)، "ایران در سیه‌دم تاریخ" ترجمه حسن انوشه، تهران انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۲. لویرن، آلن (۱۳۷۶)، "شوش کارگاه کاوش آکرپل"، (ص: ۶۶-۴۹) گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۱۳. مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸)، "آغاز شهر نشینی در ایران"، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۱۴. مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، "تاریخ و تمدن ایلام"، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

۱۵. ملک شهیرزادی، صادق (۱۳۷۸)، "ایران در پیش از تاریخ، باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سیه‌دم شهر نشینی"، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

۱۶. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، "حفاری هفت تپه دشت خوزستان"، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

۱۷. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۳)، "شوش کهن‌ترین مرکز شهر نشینی جهان"، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

۱۸. نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۶)، "مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران"، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

۱۹. هیتس، فرانسوا (۱۳۷۶)، "خلاصه‌ای از عوامل جغرافیایی ایلام"، شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

1. Alden, J. & Abdi, K.(2005), "Excavation at Tal-e Malian", ars archaeology project2004, Iran Journal of the British Institute of Persian studies vol.XLIII.
2. Alizadeh, Abbas, (2010), "The Rise of the Highland Elamite State in Southwestern Iran, Enclosed or Enclosing Nomadism?", Current Anthropology, Volume 51, Number 3, June 2010, P: 353-383.
3. Carter, E. & Stolper,M.(1984), "Surveys of political history and archaeology " ,university of California. Near Eastern studies.Vol.25, university of California press.
4. Hansman, , J.(1972), "Elamites, Achaemenians and Anshan", Iran 10:(25-101).
5. Matthiw, W. & Stolper, M.W(1984), "Texts from Tall-I Malyan I Elamite Administrative texts 1972- 1974 1974" ,Occasional publications of the Babilonian found, niversity meusem Philadelphia.
6. Matthew, W. & Stronach,D. (1978), "Pasargod, A report on the excavations conducted by the British insitute of persian studies from 1961 to 1963", Oxford at clarendon press.
7. Sumner, W. (1988), "Preiude to Proto-Elamit Anshan: The Lapui Pase " , Iran 23. (23-43)

بررسی حلقه‌های قدرت در دوران ایلامی

دکتر لیلی نیاکان^۲، سحر رمضان^۴

چکیده

بررسی و کاوش‌های باستان‌شناختی، طی سال‌های اخیر در خوزستان نشان داد که مدارک ارزشمندی که بتواند به شناخت بیشتر این سرزمین و فرهنگ آن بپردازد به دست نیامده و در دل تپه‌های باستانی مدفون است. بانجام پژوهش‌های باستان‌شناسی و پدیدار شدن آنها می‌توان با بازنگری بر مطالعات پیشین بر غنای تحقیقات انجام یافته افزود. هدف از ارائه‌ی این مقاله تحلیل برداشت‌هایی از یک شیء فلزی در دوران ایلامی است که به عنوان حلقه‌ی قدرت در پژوهش‌های باستان‌شناختی شناخته شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش بر اساس جمع‌آوری اطلاعات، مطالعات میدانی، توصیفی و تحلیلی، در راستای پژوهش و کاوش‌های باستان‌شناختی که در سال‌های اخیر منتشر گردیده تمرکز داشته است.

مطالعات در طی چند دهه گذشته نشان داد کهن‌ترین تصاویر از حلقه‌ی قدرت در ایران به صورت نقش برجسته‌ها، بر مهر و اثر مهرها و سپس در دوره‌های بعد این نماد، به صورت حلقه‌های فلزی از جنس مفرغ، نقره و طلا در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی در نیاشگاه چغازنبیل و آرامگاه‌های ایلامی «ارجان و جوبجی» رامهرمز به دست آمده است. فرایند فوق می‌تواند حاکی از استفاده‌ی این حلقه‌ها به عنوان نمادی از قدرت دولت مردان، شاهان و شاهک نشینان در دوره‌های تاریخی باشد به طوری که نوعی مالکیت خود را از نظر اقتدار سیاسی، اجتماعی و مذهبی را در جوامع خود به رسمیت رسانده باشند.

^۲ - عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی

^۴ - کارشناس ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی.

واژگان کلیدی: حلقه قدرت، ایلام، هفت تپه، کورانگون، چغازنبیل، ارجان و جوبجی رامهرمز.

مقدمه: خوزستان از نظر باستان‌شناختی در طی صد سال اخیر یکی از مهمترین کانون‌های تحقیقات باستان‌شناختی (بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی) بوده است. فرایند فوق توانست مدارک ارزشمندی را که نشانگر تاریخ با عظمت این سرزمین است را در طی دوران‌های پیش از تاریخ، آغاز تاریخی و تاریخی را آشکار سازد. بررسی نقش حلقه ی قدرت در دوران ایلامی و سیر تحول آن، براساس شواهد و مدارک باستان‌شناختی می‌تواند به ارزیابی گوشه‌ای از تاریخ پر عظمت این دوره تاریخی و تشکیلات حکومتی و آداب مذهبی‌شان بیفزاید.

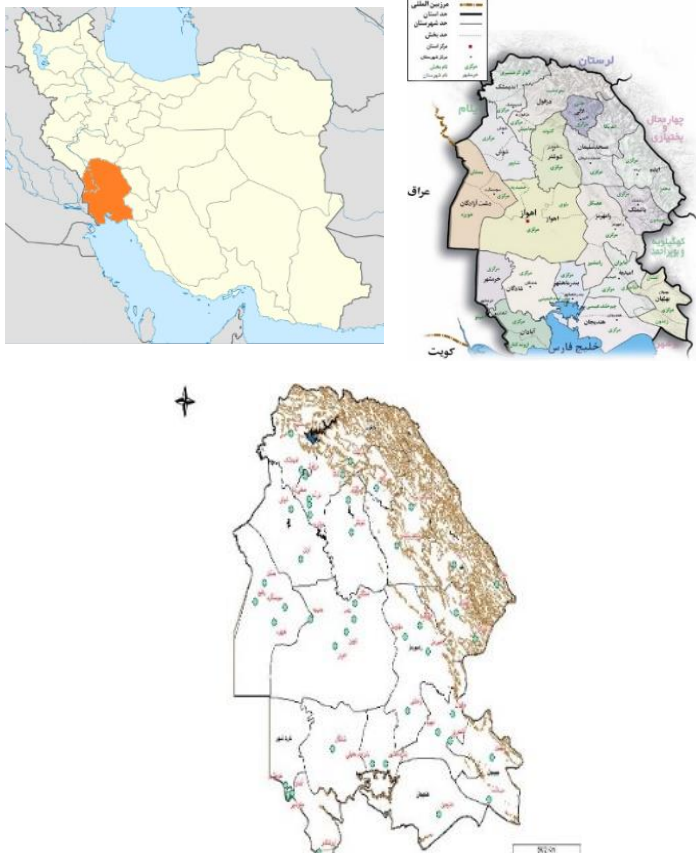
موقعیت جغرافیایی منطقه و ویژگی‌های زیست محیطی منطقه ی مورد مطالعه

خوزستان در جنوب غرب ایران واقع گردیده است و مهم‌ترین بخش جلگه‌ای آن مربوط به بقایای آثاری از حضور ایلامیان است. آثار برجای مانده، حاکی از اقتدار آنان بر این سرزمین در یک دوره ی طولانی بوده است.

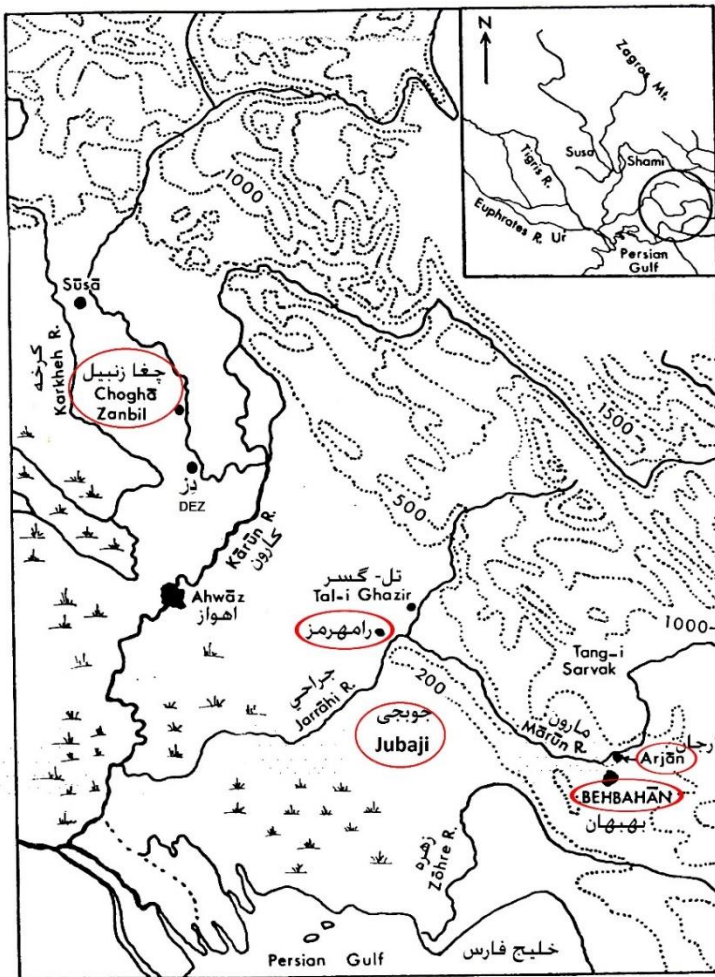
این محدوده ی جغرافیایی به لحاظ فیزیکی و آب و هوایی در کل به سه منطقه ی اصلی تقسیم می‌گردد. (alizadeh,1992:carter&stolper,1984). منطقه ی بایر واقع در جنوب اهواز با حدود ۲۰ هزار کیلومتر مربع مساحت و کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر بارندگی سالانه. منطقه ی نیمه بایر با حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر بارندگی سالانه و منطقه خشک با حدود ۲۵ هزار کیلومتر مربع مساحت بین ۳۰۰ تا ۹۰ میلی‌متر بارندگی سالانه. از لحاظ زمین شناسی، خوزستان امتداد دشت آبرفتی بین‌النهرین است. از نظر موقعیت جغرافیایی این دشت آبرفتی همانند بین‌النهرین که از گل و لای ته نشین شده ی ساحل دجله و فرات بوجود آمده است، از گل و لای پنج رودخانه که به آن می‌ریزند به وجود آمده است (brice,1966:242). آب این دشت بوسیله ی رودخانه‌های کرخه، دز، کارون، مارون و زهره که از کوه‌های زاگرس

سرچشمه می‌گیرند تأمین و حوضه‌ی آبریزی را در ناحیه‌ای با حدود ۱۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت بوجود آورده است (kirkby, 1977:251). این سرزمین همواره در طول تاریخ با شرایط آب و هوایی مناسب برای واحدهای اقلیمی/جغرافیایی توانسته، موقعیت مناسبی برای استقرارهای انسانی از دوران پیش از تاریخ تاکنون بوجود آورد.

(شکل ۱ و ۲)



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی دشت خوزستان (ماخذ: WWW.Google.com:2017)



شکل ۲: نقشه موقعیت جغرافیایی جنوب شرقی و رودخانه های دشت خوزستان و محوطه های باستانی جغازنبیل در کنار رودخانه ی دز، ارجان در کنار رودخانه ی مارون در بهبهان و جوبجی در کنار رودخانه ی اعلاء در رامهرمز (علیزاده، ۱۳۶۵:۲۶۵)

روش و مواد تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش بر اساس جمع آوری اطلاعات، مطالعات میدانی، توصیفی و تحلیلی بوده است تحلیل ها در این مقاله بر اساس بررسی سوابق موضوع

مورد مطالعه در راستای بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی که در چند دهه‌ی گذشته و سال‌های اخیر منتشر شده تمرکز داشته است.

پیشینه‌ی پژوهشی

در پاییز سال ۱۳۶۱ خورشیدی هنگام خاک‌برداری جهت عملیات سده‌سازی، با کشف آرامگاه ارجان در کنار رودخانه مارون در ده کیلومتری جنوب شرقی بهبهان گوشه‌ی دیگری از رازهای سر به مهر عیلامیان گشوده شد. بررسی این آرامگاه و تابوت برنزی، اشیای زرین، سیمین و برنزی و... به همراه بقایایی از اسکلت متوفی بدست آمده، توسط زنده یاد علی محمد خلیلیان و فایق توحیدی انجام و مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این پژوهش، در مجله‌ی اثر شماره ۷ و ۸ و ۹ بهمن سال ۱۳۶۱ به چاپ رسید. این محوطه مجدداً از سوی میرعابدین کابلی و احسان یغمایی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت. تاکنون مقالات متعددی توسط محققین و باستان‌شناسان چاپ و منتشر شده است. عباس علیزاده مقاله‌ای تحت عنوان: آرامگاهی مربوط به عیلام نو در ارجان بهبهان در مجله اثر شماره ۱۲، ۱۳ و ۱۴ در سال ۱۳۶۵ ص ۲۹۳-۲۶۵ منتشر نمود. در پی آن مقاله‌ای تحت عنوان بحثی پیرامون مقاله فوق (آرامگاهی مربوط به ایلام نو در ارجان بهبهان) توسط فایق توحیدی و علی محمد خلیلیان در همان مجله چاپ گردید. محمد رحیم صراف با عنوان جام برنزی «کیدین هوتران» مکشوفه از ارجان بهبهان در مجله اثر شماره ۱۷، تهران ۱۳۶۹ از ص ۴-۶۱ و سپس در مقاله‌ای تحت عنوان حلقه‌ی سیمین قدرت «اونتاش گال» در مجله اثر شماره ۲۶ و ۲۷ ص ۸-۱۶ به معرفی حلقه قدرتی که تاکنون ناشناخته بود پرداخت. یوسف مجیدزاده نیز در مقاله‌ای تحت عنوان جام ارجان در مجله باستان‌شناسی و تاریخ شماره پیاپی ۸ و ۹ ص ۱۱-۲۶ به بررسی نقوش این جام و خاستگاه اصلی آن پرداخت.

فرانسوا والا مقاله‌ای تحت عنوان: نوشته‌ی میخی شیء طلایی مکشوفه از ارجان با ترجمه‌ی افسانه خلعتبری در مجله‌ی اثر شماره ۱۰ و ۱۱ تهران در سال ۱۳۶۴ به چاپ

رسانند. او کتیبه‌ی روی حلقه قدرت را آواشناسی و آن را تاریخ‌گذاری کرد. رسول
 بشاش با مقاله‌ای تحت عنوان: کتیبه‌ی جام برنزی ارجان در اثر شماره ۱۷ در سال ۱۳۶۹
 ص ۶۲ و ۶۳ همچنین مقاله دیگری با عنوان قرائت خط جام برنزی ارجان در (مجله
 میراث فرهنگی، سال دوم، شماره ۳ و ۴: ۱۱۷-۱۱۵) به چاپ رسانید. عبدالمجید
 ارفعی نیز مقاله فوق را در مقاله‌ای با عنوان نگاهی به یک مقاله در مجله باستان‌شناسی
 و تاریخ شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴ ص ۱۱۵-۱۱۷ سال ۱۳۷۲ آن را مورد نقد و بررسی قرار
 داد. در حوزه‌ی حفاظت و مرمت در سال ۱۳۶۷ رسول وطن دوست مقاله‌ای با عنوان:
 مرمت و حفاظت مطالعه‌ی فنی تعدادی از اشیای فلزی گنجینه‌ی ارجان در مجله اثر
 (شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۶۷: ۱۱۶-۷۳) انتشار داد. سوسن معتقد نیز مقاله‌ای تحت عنوان:
 پارچه‌ی مکشوفه از تابوت برنزی کیدین هوتران در ارجان بهبهان در مجله اثر (شماره
 ۱۷، تهران ۱۳۶۹: ۱۴۷-۶۴) به نوع بافت تزئینات و تاریخ‌گذاری آن پرداخت. فرآیند
 فوق نشانگر اهمیت این آرامگاه و یافته‌های مهم آن در دوران ایلامی بوده است. در
 سال ۱۳۸۶ خورشیدی نیز در کنار رودخانه اعلاء رامهرمز در نزدیکی روستای جوبجی
 در اثر عملیات راه‌سازی و حفر کانال، آرامگاهی از دوران عیلامی کشف شد بررسی
 و کاوش آن توسط آرمان شیشه‌گر از پژوهشکده باستان‌شناسی انجام پذیرفت که نتایج
 بسیار ارزنده‌ای را در بر داشت. مطالعات وی به صورت کاتالوگی در دهمین سمینار
 باستان‌شناسی ایران در سال ۱۳۸۷ خورشیدی در شهر بندرعباس ارائه و انتشار داده شد.
 او مطالعات خود را به صورت کتابی در سال ۱۳۹۳ خورشیدی تحت عنوان: آرامگاه
 دو بانوی ایلامی از خاندان شاه «شوتور نهوتته پسر ایندد» از سوی انتشارات پژوهشگاه
 میراث فرهنگی منتشر کرد که نشان داد هنوز ناگفته‌های بسیاری از ایلامیان وجود دارد
 که بر ما پوشیده است.

نگاهی کوتاه به سرزمین ایلام و پیشینه ی تاریخی حلقه ی قدرت

عیلام یکی از تمدن‌های باستانی خاور نزدیک است که با توجه به تاریخ آن از هزاران سال پیش در آثار باستانی و منابع مکتوب در بین النهرین حضور داشته است. این نامی است که کاتبان بین النهرینی که از آبرفت، به فلات ایران می‌نگریستند آن را ساخته و آنرا درباره مناطق متفاوت جنوب غرب ایران و مردمان آن به کار برده اند (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۸).

در منابع سومری از نیمه ی هزاره ی سوم ق.م. نام عیلام با سومر نگار NIM به معنی ساده و "بلند" نوشته شده است که اغلب با معرف KI به نشانه "سرزمین" مملکت همراه بوده است. شکل اکدی به کار رفته معمولاً KUR elammatum "یا سرزمین عیلام" بود (Quintana 1996a:50)... به عبارت دیگر ایلام سرزمینی مرکب از نهادهای سیاسی بود که بین هزاره ی چهارم و سوم ق.م در کوهپایه‌های زاگرس رشد و گسترش پیدا کرده است. ایلامی‌ها در طول حکمرانی، با تهاجمات بیگانه در مقابله بوده و متحدان محلی یافتند. اما متاسفانه در کتیبه‌های بر جای مانده مطالب زیادی از خود باقی نگذاشته‌اند. والتر هینز نوشته است: این اقوام در شاهنشاهی هخامنشی نقش مهمی داشتند و سقوط شوش را در برابر آشوریان و ظهور مادها و پارس‌ها را مقطعی از آمیختن تاریخ و باستان‌شناسی عیلام می‌داند (Hinz. 1972:160). به عبارت دیگر امپراتوری ایلام در کنار بابلیان و سومریان تا عصر استیلای هخامنشیان، تداوم و سیطره ی حکومتشان بر نواحی جنوب و جنوب غرب ایران ادامه داشته است.

هالک نیز نوشته است: نام ایلامیان را در می توان در متون تاریخی مربوط به اسکندر و جانشینان سلوکی جستجو کرد. از سوی دیگر در متون بابلی درباره ی تهاجمات متعدد سپاهیان ایلامی که برخی از آنها دارای فرماندهی با نام‌های ایلامی‌ها بوده اشاره شده است. در منابع یونانی و لاتین از مناطق الیمایی و الیمایی‌ها یاد می‌گردد که تجسمی از حضور ایلامی‌ها در این روزگار است. در اوایل دوران اسلامی نیز کماکان

با نام ایلامی‌ها مواجه می‌شویم که امروزه آن استان خوزستانی است که در جنوب غرب ایران واقع شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۹). (شکل ۳)



شکل ۳- نقشه موقعیت جغرافیایی امپراتوری عیلام در جنوب غرب ایران (ماخذ؛ اطلس تاریخی ایران، ۱۳۷۶: ۱۶).

آثار برجای مانده از این اقوام که در طول صد سال اخیر در کاوش‌های باستان‌شناختی برای ما آشکار شده می‌تواند مدارک مستند فراوانی را از جمله، استفاده از حلقه‌ی قدرت را مورد ارزیابی قرار دهد. این مقاله‌ی پژوهشی، بررسی سیر تحول اثری است که به صورت نمادی از قدرت در نقوش برجسته و سنگ یادمان‌ها اثر مهرها و حلقه‌های زرین، سیمین و مفرغی و دیگر آثاری که بویژه در این سه دهه اخیر در ایران گزارش شده را نشان می‌دهد.

بررسی آماری و مطالعه‌ی سیر تحول انتقال فرهنگی این نقش و حضور آن از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد تا دوران ایلامی نشان می‌دهد، این نماد علاوه بر نقش‌شان که بر نقش برجسته‌ها و مهرها بر جای مانده است به صورت، حلقه‌های فلزی به همان شکل برای ما بر جای مانده، که حاکی از حضور و تداوم این حلقه‌ها به صورت مختلف در دوره‌های فوق بوده است. از جمله می‌توان آن را بر روی نقش برجسته آنوبانی‌نی در سر پل ذهاب دید. مشابه این حلقه مربوط به دوره‌ی ایلامی بر کتیبه‌ی سنگی از دوره

ی کاسیت‌ها حکاکی شده، که از شوش به دست آمده است. نقش برجسته ی صخره- ای، کورانگون در نورآباد ممسنی از دیگر نمونه های این دوره است. مهری نیز از دوره ی ایلام میانی از هفت‌تپه به دست آمده است. در نهایت می توان به حلقه‌های فلزی (نقره و طلا) که به ترتیب از نیایشگاه چغازنبیل، محوطه ی ارجان بهبهان و جوبجی رامهرمز بدست آمده، اشاره داشت. (شکل ۴)

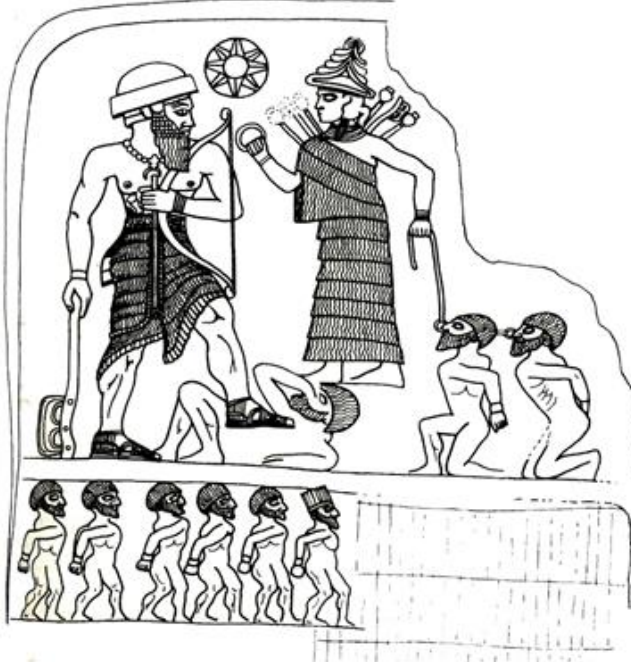


شکل ۴ - موقعیت جغرافیایی محوطه های باستانی

نقش برجسته آنوبانی‌نی

قدیمی ترین اثر بر جای مانده از نقش حلقه ی قدرت در سرپل ذهاب در ۱۵۰ کیلومتری کرمانشاه در نزدیکی قصر شیرین مربوط به پادشاه لولوبی‌ها به نام آنوبانی‌نی است، او در حالیکه پای چپش را بر روی یکی از اسیرانش قرار داده، در حال گرفتن حلقه ی قدرت از الهه ی ایشтар به تصویر کشیده شده است. در پشت سر وی کنیبه‌ای به زبان اکدی بدین مضمون نقر شده است. آنوبانی‌نی پادشاه لولوبوم تصویر خویش و تصویر نی‌نی را بر کوه بادبر نقش کرد. آن کس که این لوح را محو کند به نفرین ولعن‌انو،

آنونوم، بل، بلیت، رامان، ایشتار، سین و شمش گرفتار باد و نسل او بر باد رود.
(دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۰۳-۱۰۰؛) (شکل ۵)



شکل ۵- موقعیت جغرافیایی و نقش اهدای حلقه قدرت از سوی ایشتار به پادشاه لولوبی در سر پل
ذهاب (ماخذ؛ (vanden Bergh.1983.fig 1).

سنگ یادمان شوتروک ناهونته

نمونه‌ی کهن بر جای مانده از تصویر حلقه که به صورت نماد قدرت در ایلام میانه حدود ۱۱۰۰-۱۲۰۰ ق.م مرسوم بوده است. می‌توان به اثر یادمانی کاسیت‌ها که توسط شوتروک ناهونته اول پس از پیروزی آن را به صورت غنیمت جنگی از بین‌النهرین به شوش آورده اشاره داشت. او فرمان داد آن را دوباره حجاری و نقش خود را به صورت ایستاده در برابر رب النوع بابلی «شمش» که بر روی تختی نشسته بود با حلقه‌ای در دست که به سوی او گرفته و نشانگر اهدای قدرت از سوی خدایان بابل به یک پادشاه ایلامی را حکاکی کرده است. (پاتس، ۱۳۸۵: ۳۶۲؛ Amie, 1976, fig 12: 1992c/fig 2)

(شکل ۶).

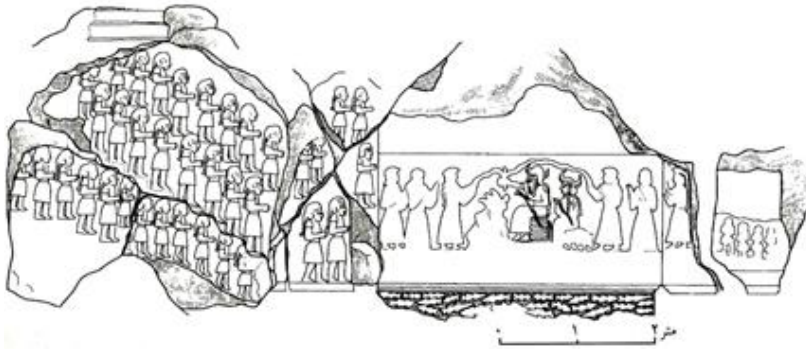


شکل ۶ - سنگ یادمان بابلی، تصویر پادشاه ایلامی را در برابر رب النوعی بابلی در حال اهدای قدرت مآخذ؛

(calmeyerT1995b:fig 16)

نقش برجسته ی کورانگون

دیگر اثر بر جای مانده که مورد مطالعه قرار گرفته است. نقش برجسته ی صخره‌ای کورانگون مربوط به دوره‌های ایلام میانی و جدید واقع در ۱۲۰ کیلومتری غرب استان فارس و در نزدیکی نورآباد ممسنی در کنار محوطه باستانی تل اسپید است. این نقش برجسته از دو قاب تزئینی تشکیل گردیده است. قاب میانی مربوط به دوره ی ایلام میانی و قاب‌های دو سوی آن، مربوط به دوره ی ایلام نو (سده‌های ۷ و ۸ پ.م) است. نقش بر جای مانده در قاب میانی یک خدای عیلامی با کلاه شاخدار، نشسته بر تختی شبیه به چنبره مار را نشان می‌دهد که او حلقه‌ای با یک چوب دستی یا میله‌ای فلزی را در دست راست خود گرفته است. در سمت راست او اندکی پایین‌تر، الهه‌ای نشسته و در دست چپ خود گردن یک یا دو مار را گرفته است این دو خدا را پرستش‌کنندگان را در میان گرفته‌اند. ردیف نیایشگران در گروه‌های متعدد که از پله‌های فضای مسطح بالای صخره به سوی صحنه اصلی سرازیر می‌شوند به دوره جدیدتر تعلق دارند. این نقش برجسته کتیبه‌ای ندارد. اما روی شماری از اثر مهرهای منتسب به گروه ایلامی که در شوش به دست آمده و توسط آمیه منتشر شده (Amie.1980:48.9) می‌توان نقش خدای نشسته بر تخت مار را با مهرهایی به دوره سوکال ماخ دوران ایلام میانی را منتسب کرد. (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۸۸-۱۸۷ و Ursula seidl 1986 p;25) نمونه ی این نقش، بر روی مهرهای هفت تپه از دوره ی سوکال ماخ نیز دیده شده است. (نگهبان، ۱۳۷۳: ۲۴۳ و ۲۴۹) (شکل ۷)



شکل ۷- نقش برجسته ی صخره‌ای خدای ایلامی در برابر الهه و پرستش کنندگان در کورانگون
فارس (VandenBerghe, 1986a; fig 2)

مهر هفت تپه

مهر استوانه‌ای شکل مربوط به دوران ایلام میانی که در کاوش‌هایی آرمگاه تپتی‌آهار در محوطه باستانی هفت‌تپه به دست آمده می‌توان مورد بررسی و مقایسه قرار داد. این مهر دارای کتیبه‌ای میخی در شش ستون عمودی است. در کنار آن یکی از خدایان عیلامی، با کلاه‌ی شاخدار بر صندلی از مار چنبره شده نشسته، تصویر شده است. این خدا دارای یک چوب دستی یا میله‌ای به همراه حلقه‌ای در دست راست و دست دیگرش بر روی سینه اش قرار گرفته، که در حال اهدای حلقه ی قدرت به پادشاه ایلامی است که نشانی از تداوم این حلقه در روند سنت واگذاری قدرت از سوی خدایان ایلامی به پادشاهان وقت بوده است. (نگهبان، ۱۳۷۳: ۲۴۳ و ۲۴۹) (شکل ۸)



شکل ۸- نقش حلقه ی قدرت بر روی مهر دوران ایلام میانی از محوطه باستانی هفت تپه

(ماخذ: نگهبان، ۱۳۷۳: ۳۴۹)

یکی از چشمگیرترین بقایای بر جای مانده از حلقه‌های قدرت در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۸۶ خورشیدی در دو آرامگاه ایلامی در خوزستان در کنار رودخانه‌های مارون در ارجان بهبهان و اعلاء رامهرمز است که بر اثر عملیات راهسازی و حفر کانال به دست آمده است. این آثار که به صورت حلقه‌هایی فلزی در آرامگاه ایلامی ارجان و سپس در آرامگاه ایلامی جوبجی رامهرمز به دست آمده. نشان از تدوام سنتی است که از هزاره سوم پ. م در باب اعطای قدرت به پادشاهان و یا شاهک نشینان تا پایان دوران ایلامی در این سرزمین ادامه داشته است. در این مقاله به نقشی که این حلقه‌ها در ساختار باورهای مذهبی و سپس تشکیلات سیاسی و اجتماعی خود ایفاء کرده و سپس پس از مرگ صاحبانشان به صورت سپرده‌های مدفون در آرامگاه و کنارشان قرار داده اند می پردازیم.

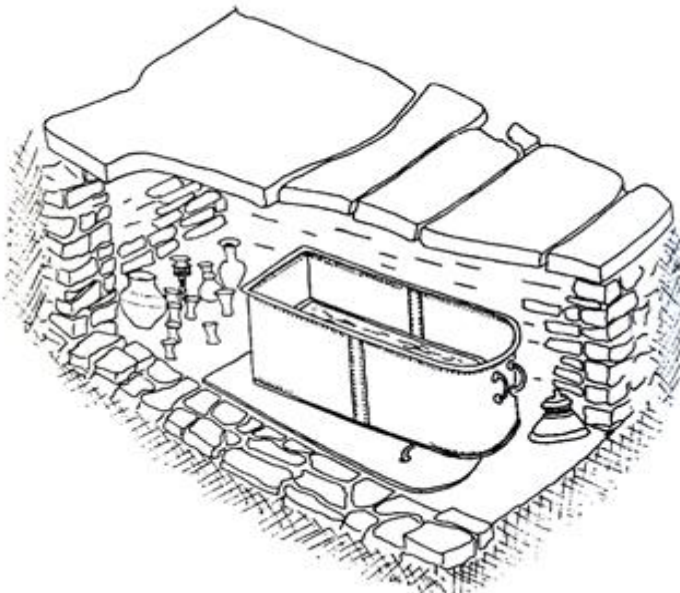
محوطه ی باستانی ارجان

محوطه یباستانی ارجان در کنار رودخانه ی «مارون» و در ۱۰ فاصله ی کیلومتری شمال شرقی بهبهان واقع شده است. شهر باستانی ارجان در شهریور ماه ۱۳۱۰ به شماره ۴۴ در فهرست آثار باستانی به ثبت رسیده است. وسعت این محوطه ی باستانی حدود ۵۰۰ هکتار است. آرامگاه ارجان را از سنگ لاشه ساخته شده‌اند. ساختار این آرامگاه استفاده از ملاط قبر و اندود گچ به لحاظ جلوگیری از نفوذ رطوبت همجواری با رودخانه مارون بوده است که از ویژگی‌های معماری آن به حساب می‌آید. یکی از کشفیات مهم این محوطه ی تاریخی حلقه ی طلائی با ۲۳۷ گرم وزن و متصل به یکدسته مجوف استوانه‌ای شکل با نقوش نیلوفر آبی است.

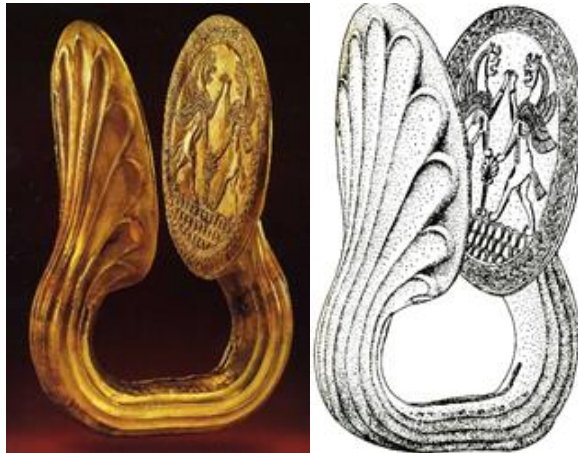
این حلقه ی زرین با کتیبه‌ای ایلامی با این مضمون «کیدین هوتران پسر کورلوش» نوشته شده بود. (vallat, 1984b; 73). بنا به گفته ی حفاران، حلقه ی مذکور در دست‌های متوفی قرار داشته است. او خنجری بر کمر و لباسی با دکمه‌های طلایی بر تن داشته و در تابوت مفرغی آرمیده بود. از لحاظ فرم، اندازه و استفاده از این حلقه به نظر می‌رسد حلقه‌ای تشریفاتی بوده و کاربرد آن برای شخص فوق فقط در موارد خاص مانند حضور در مراسم سیاسی و مذهبی زمان خود بوده است. دو سر حلقه به شکل صفحات مسطح بیضی شکل، روبروی یکدیگر قرار دارند. بر روی دسته و هر دو طرف حلقه تزئیناتی وجود دارد. صفحه ی خارجی آن با شیارهایی تزئینی به شکل نیلوفر آبی و نقش داخلی این صفحه طلایی، در فضای تقریباً دایره‌ای شکل به نقش حیوانات اساطیری است. دو شیر خشمگین بالدار با دمی جاروب مانند در حالیکه روی پاهای خود ایستاده‌اند و یک دست را به طرف یکدیگر دراز کرده و دست دیگر را بر روی درخت نخلی نهاده که بر روی سه ردیف نقش موازی شیبه کوهی ایستاده‌اند. سه نوار تابیده در اطراف نقش آنرا تزئین کرده است.

نقش دو شیردال ایستاده به صورت برجسته نقش شده که یاد آور نقش‌مایه رایج جانوران ایستاده روی مهرهای استوانه‌ای دوره ی ایلام نو ۱۱۱ است. فرانسوا والا در واقع نام شخص کورلوش را در یکی از مهرهای ایلام نو ۱۱۱ الف و چهار متن ایلام نو ۱۱۱ ب از آکروپل نیز دیده است.

قدمت این حلقه ی زرین مربوط به قرن هشتم قبل از میلاد است و تاکنون نظیر این حلقه با این مشخصات در هیچ یک از حفاری‌های علمی بدست نیامده است (خلیلیان و توحیدی، ۱۳۶۱: ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۲ و علیزاده، ۱۳۶۵: ۲۶۵-۲۸۵). (شکل ۹ و ۱۰) مطالعه و بررسی اثر به دست آمده نشان می دهد، نمونه‌های نزدیک به آن را می‌توان در تعداد اندکی از دستبندهای حلقه‌ای لرستان که از لحاظ ظاهری مشابه بودند مشاهده نمود، اما کاربرد آنها را به لحاظ ساختارشان در ردیف این حلقه نمی‌توان قرار داد.



شکل ۹- طرح آرامگاه ساخته شده از سنگ و موقعیت نسبی تابوت ارجان و آثار و ادوات تدفین (ماخذ؛ علیزاده، ۱۳۶۵: ۲۶۹)



شکل ۱۰- تصویر و طرح حلقه زرین قدرت ارجان (ماخذ: علی محمد خلیلیان و فایق توحیدی، ۱۳۶۱: ۲۶۹)

محوطه ی جوبجی رامهرمز

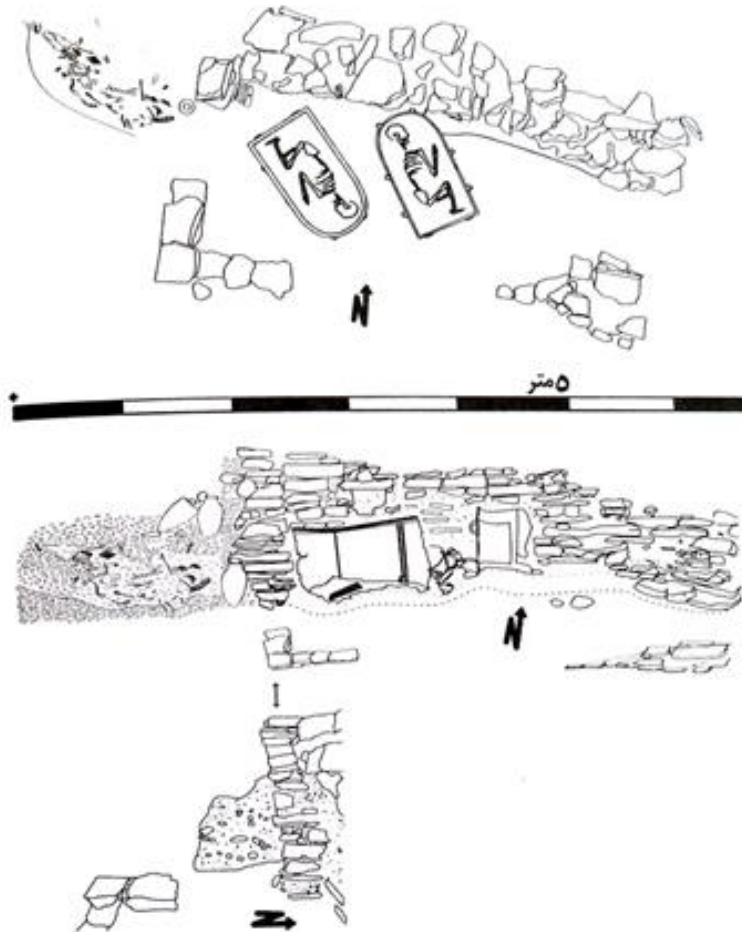
در سال ۱۳۸۶ بر اثر عملیات راه‌سازی و حفر کانال در نزدیکی روستای جوبجی و در حریم رودخانه ی اعلاء رامهرمز، بخشی از یک آرامگاه ایلامی که بسیار تخریب شده بود نمایان گردید. این محوطه توسط خانم آرمان شیشه‌گر از پژوهشکده باستان‌شناسی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت. آرامگاه از لاشه سنگ‌های لوحی با ملاط گل و گچ و شن ریزه درشت که درون ساختار طبیعی رودخانه ای حفر شده بود، ساخته شده است. آثار به دست آمده که به نام گنجینه ی جوبجی معروف است شامل اشیای متنوع و چشمگیری از جمله: سه عدد حلقه ی زرین بوده است که یکی از این حلقه‌ها حاوی کتیبه‌ای میخی ایلامی با مضمون (شوتورنهونته پسر ایندد) است (شکل ۱۱). به نظر می‌رسد این حلقه‌ها، مطابق یک رسم ایلامی، پس از مرگ صاحبان آن به افرادی خاص از آن خانواده به ارث می‌رسیده و یا به صورت غنایمی در اثر منازعات محلی و یا فرا منطقه‌ای در آن دوران اتفاق افتاده است. حلقه، نسل به نسل در خانواده به این فرد خاص سپرده شده است. این حلقه، معروف به حلقه ی قدرت، به شکل بیضی با سر مدور مسطح و بزرگ است. قطر آن ۹/۳ و ضخامت بدنه ۱/۷ سانتی‌متر و تکنیک

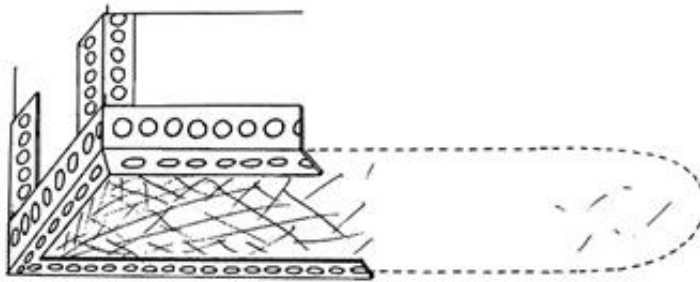
ساخت آن، به روش چکش کاری ورق لوله شده است. مشابه این حلقه را از نظر شکل کلی و روش ساخت و داشتن کتیبه، در میان یافته‌های آرامگاه ایلام نو در ارجان بهبهان که در سال ۱۳۶۰ توسط آقایان علی محمد خلیلیان و فایق توحیدی مورد بررسی و کاوش قرار گرفت مشاهده کرد (شیشه گر، ۱۳۶۱: ۲۷۲، ۲۶۵ و ۲۶۳). (شکل ۱۱ و ۱۲) محل اصلی سه حلقه ی زرین بدست آمده که به نام حلقه ی قدرت نام گذاری شده‌اند به دلیل جابجایی در تابوت مشخص نیست. شکل و نوع ساخت حلقه‌ها، تو خالی با دو سرباز اند و از لوله کرده ورقی از زر، به روش چکش کاری و روپوسه، چکش کاری ورق طلا روی قیر، ساخته شده‌اند. سرهای آنها نیز با ورق‌های زرین مدوری پوشیده شده‌اند. کاوشگر این سایت باستانی نوشته است: حلقه ی (۲/۱) ساده و تک است اما از آنجا که اکثر یافته های زرین این مجموعه به فراخور دو فرد آرمیده در آرامگاه به صورت زوج برایشان در تابوت قرار داده‌اند، به نظر می‌رسد شاید حلقه ی دیگری مشابه حلقه ی (۲/۱)، در ضمن حفر کانال آب مفقود شده باشد. این حلقه با داشتن خط نوشته ی میخی به زبان ایلامی با مضمون (شوتور نهونته پسر ایندد) بر روی یکی از سطوح مدور آن، از نظر تاریخ گذاری اهمیت خاص یافته است.

دو حلقه ی دیگر (۲/۲) و (۲/۳) با اندک تفاوتی، یک زوج را تشکیل می‌دهند. بدنه های مشابه آنها شیاردار هستند که احتمالاً "با روش روپوسه ایجاد شده اند. اما حلقه ی (۲/۲) در دور راس، به شکل هلال برجسته و حلقه (۲/۳) به شکل زیگزاگ برجسته آراسته شده‌اند. صفحات مدور سرهای باز آنها ساده هستند.

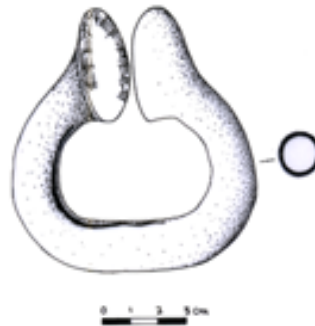
هر سه حلقه با حلقه ی مکشوفه در آرامگاه کیدین هوتران در ارجان به نحوی شباهت دارند، گویی در ارجان آمیزه‌ای از این سه حلقه و بازو بند (۳/۲) که نام زنانه ی (ل-آر-ن) شاید معرف صاحب آن را بر خود دارد و در جای خود معرفی خواهد شد دیده می‌شود. به این ترتیب که به جای خط نوشته، سر شیرهای متصل بر راس بازو بند (۳/۲)، به نقش دو شیر بر سطح مدور راس حلقه ی ارجان، تبدیل شده است و سپس نامی که

«والا»، زبان شناس فرانسوی، کیدین هوتران پسر کورلوش خوانده و تاریخ ۶۴۰ تا ۵۲۵ پیش از میلاد را برای آن پیشنهاد کرده است را، به خط میخی و به زبان ایلامی بر روی بدنه آن حک کرده اند (ماخذ: شیشه گر، ۱۳۹۳: ۱۴۰) (شکل ۱۲ و ۱۳).





شکل ۱۱- طرح بقایایی از آرامگاه جوبجی و جایگاه پیشکش‌ها (ماخذ؛ شیشه‌گر، ۱۳۹۳: ۶۴)



شکل ۱۲- حلقه ی قدرت زرین با خط نوشته عیلام جدید با مضمون "شوتور نهونته پسر ایندد"

(ماخذ؛ شیشه‌گر، ۱۳۹۳: ۱۴۵)



ش کل ۱۳- حلقه‌های زرین شیاردار زرین به شماره‌های ۲،۲ و ۳۲ (ماخذ؛ شیشه گر، ۱۳۹۳: ۱۴۶)

زیگورات چغازنبیل

محمدرحیم صراف در سال ۱۳۶۹ در مقاله‌ای تحت عنوان: حلقه ی سیمین قدرت اونتاش گال به معرفی حلقه ی قدرتی که تاکنون ناشناخته بود پرداخته است. مشابه این حلقه از نظر شکل کلی و روش ساخت، نمونه ی دیگری از حلقه ی قدرت است. او با توجه به کشف این حلقه در چغازنبیل و در نزدیک رود خانه ی دز، آن را کهن‌تر و آنرا نشانگر قدمت آن نسبت به حلقه ی دیگر دانست. او درباره این حلقه نوشته است: این حلقه در بخش پیش از تاریخ به شماره ۲۱۷۶ ثبت شده است. اما مشخص نیست کاوشگر آن (رمان گیرشمن) چرا از این حلقه در گزارشات خود ذکر نکرده است. این حلقه ی نقره ای نسبت به حلقه ی زرین ارجان کوچکتر و ساده‌تر است و از وسط شکسته به نظر می‌رسد. بعداً احتمالاً در موزه ی ملی ایران مرمت شده است. در مرحله بعد، بخشی از بدنه در آزمایشگاه مرکزی صفحه تمیز گردید، اما هیچ نقشی بر روی آن وجود نداشت. علیرغم وجود کتیبه یا نقش بر روی حلقه ارجان اهمیت حلقه نقره‌ای هم‌چنان باقی است. به عبارت دیگر این حلقه کاملاً شبیه حلقه ی زرین است. وجود این حلقه در چغازنبیل و در زمان اونتاش گال، نشانگر استفاده شاهان ایلامی از این شیء در دوران ایلام میانی بوده است.



شکل ۱۴- نمایی از محوطه ی چغازنبیل و حلقه ی سیمین چغازنبیل «دوراوتاش» مربوط به پادشاهی اونتاش گال (۱۲۴۰-۱۲۷۵ ق.م) (صراف، ۱۳۷۸: ۱۳)

گورستان مارلیک



از جمله این آثار می‌توان به گورستان مارلیک که توسط عزت الله نگهبان کاوش گردید اشاره کرد. ایشان در گور شماره ۳۶ حلقه‌ی قطور بزرگ مفرغی ساده با دو سر باز، که در مرکز حلقه‌ی قطور تر شده است متعلق به سده‌های نخست هزاره‌ی اول پ.م پیدا کرد. این حلقه‌ها سر برگشته نداشته و قطر زیاد آنها غیر عادی است. کاربرد آنها توسط کاوشگر نیز مشخص نشده است (نگهبان، ۱۳۶۸: ۶۷). (شکل ۱۱۴ تا ۲۵ شکل ۱۲۲ و ۵۰)

نتیجه گیری

بررسی سیر تحول حلقه قدرت بر اساس شواهد باستان‌شناختی نشان داد که دولتمردان در هر دوره‌ی تاریخی توانستند با این نماد به نوعی مالکیت خود را از نظر سیاسی اجتماعی در جوامع خود به رسمیت برسانند. این اثر که به صورت‌هایی گوناگون چون نقوش برجسته، سنگ یادمان و مهرها نمونه‌های از این دست از دوره ایلامی مربوط به سوکال‌مخ‌ها شناسایی شده است. در دوره‌های بعد ایلامی این نماد به صورت حلقه

های برنزی، زرین و سیمین تغییر شکل یافته و در محوطه‌های مذکور گزارش شده و مورد مطالعه قرار گرفت. فرایند فوق نمادی از یک وحدت فکری را در طول دوران آغاز تاریخی و تاریخی را می‌رساند. به نظر می‌رسد یکی از کاربردهای حلقه‌ی قدرت در پی نیاز و ضرورتی بود که دولتمردان برای موقعیت سیاسی، جایگاه مذهبی و اجتماعی خود در زمان حضورشان متصور بودند.

بررسی و مطالعات بر روی این حلقه‌های قدرت در طی دوران ایلامی نشان داد که نحوه‌ی تزئینات، گرچه اندکی متفاوت بوده ولی کتیبه‌های بر جای مانده بر روی آن‌ها نشانی از مالکیت و قدرت شخصی بوده، که حلقه را در هنگام مراسم تدفین و در هنگام خاکسپاری در دست او می‌گذاشتند. فرایند فوق حاکی از این است که این گورخفته، دارای موقعیت خاصی در تشکیلات مذهبی، سیاسی و یا اقتصادی زمان خود بوده است. کتیبه‌ها و نقوش تزئیناتی بر جای مانده بر این حلقه‌ها، نشانگر این است که سلاطین و حاکمان، دستور ساخت این حلقه‌ها را صادر کرده‌اند، که پس از مرگشان با آنها دفن شود. به نظر می‌رسد حلقه‌های قدرتی که نام پادشاه و یا حاکمی بر روی آنها درج نشده، می‌تواند به عنوان هدیه و یا ارثیه به همراه یکی از خاندان وابسته شاهی به خاک سپرده شده باشد و یا توسط افراد صاحب منصب جامعه که در دربار و یا در تشکیلات مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان خود بوده‌اند مورد استفاده قرار گرفته باشد.

فهرست منابع

- ۱- بشاش، رسول (۱۳۶۹)، کتیبه جام برنزی ارجان، مجله اثر شماره ۱۷، تهران
- ۲- بشاش، رسول (۱۳۷۶)، قرائت خط جام برنزی ارجان، مجله میراث فرهنگی، سال دوم شماره ۳ و ۴، تهران
- ۳- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت
- ۴- والا، فرانسوا (۱۳۶۴)، نوشته میخی شی طلایی مکشوفه از ارجان، ترجمه افسانه خلعت بری مجله اثر شماره ۱۰ و ۱۱، تهران
- ۵- وطن دوست، رسول (۱۳۶۷)، گزارش مقدماتی مرمت، حفاظت و مطالعه فنی تعدادی از اشیا ارجان، مجله اثر شماره ۱۷، تهران
- ۶- شیشه‌گر، آرمان (۱۳۸۷) کشف آرامگاهی از خاندان شاه شوتور نهونته پسر ایندد، کاتالوگ دهمین سمینار باستان‌شناسی ایران، خلیج فارس
- ۷- شیشه‌گر، آرمان (۱۳۹۳)، آرامگاه دو بانوی عیلامی از خاندان شاه شوتورور نهونته پسر ایندد، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی
- ۸- عزیزاده، عباس (۱۳۶۵) آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴، ۱۳، ۱۲
- ۹- صراف، محمد رحیم (۱۳۶۹)، جام برنزی کیدین هوتران، مکشوفه از ارجان بهبهان، مجله اثر شماره ۱۷، بهار، تهران
- ۱۰- صراف، محمد رحیم، (۱۳۷۸)، حلقه سیمین قدرت اونتاش گال، مجله اثر شماره ۲۶ و ۲۷، تهران
- ۱۱- توحیدی، فائق، خلیلیان، علی محمد (۱۳۶۱)، گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان - بهبهان، مجله اثر، شماره ۷ و ۸، تهران
- ۱۲- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۲)، جام ارجان، مجله باستان‌شناسی و تاریخ شماره پیاپی ۸ و ۹،
- ۱۳- معتقد، سوسن (۱۳۶۹)، پارچه مکشوفه از تابوت برنزی کیدین هوتران، مجله اثر شماره ۱۷

منابع لاتین

- ۱۴- Ali zadeh, abas. 1992, pre historic settlement patterns and cultures in Susiana, south western Iran; the analysis of the F. GL.Grem lisa survey collection, Ann.Arbor museum of anthropology technical report 24
- ۱۵- Carter, E. and Stolper, M. 1984, Elam; surveys of political history and archaeology, Berkeley/ Los anjeles/ London ; unive rsity of California Publications, Near Estern Studies 25.
- ۱۶- Calmeyer, P.1995, middle Babylonian art and contemporary Iran; in Curtis, Led; later Mesopotemia and Iran; Tribes and empires 1600- 539 B.C, London; British musum
- ۱۷- Hinz, W. 1972, The lost word of Elam, London; Sidgwick and Jakson
- ۱۸-Vandenbergh,1983, Reliefs rupestres d e I, Iran ancien, Brussels; Musccs Royaux- d, Art c t d historic
- ۱۹- WWW.Google.com:2017

بررسی و معرفی قلعه ی اسماعیل خان ایلام

محمد غفوری زاد^۵ محمدرضا جوهری^۶

چکیده

در اواخر هزاره‌ی چهارم ق.م قومی شناخته شده و صاحب تمدنی تکامل یافته کشور ایلام را در جنوب غربی خاک ایران به مرکزیت شوش تأسیس کردند. گستره‌ی این تمدن در جنوب به خلیج فارس، در شمال به راه خاوران و میانه‌های زاگرس، از غرب به رودخانه ی دجله و از شرق تا فارس کنونی (ناحیه انشان یا انزان باستانی) منتهی می‌شد. با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در گستره‌ی تمدن ایلام کهن، شواهدی دال بر نفوذ مادی و فرهنگی تمدن ایلام تا محدوده‌ی کنونی استان ایلام بدست آمده است. استان فعلی ایلام در بخش غربی زاگرس و در ناحیه ی شمال غربی تمدن ایلام واقع شده است. به دلیل موقعیت و شرایط جغرافیایی مطلوب منطقه ای، بیشتر جاده های باستانی در این مسیر امتداد داشته اند. وجود آثار متعدد و متنوع از استقرار انسان در دوران مختلف پیش از تاریخ تا دوره ی اسلامی در این دیار مؤید همین موضوع است. از مهمترین این آثار، می توان به قلاع تاریخی اشاره داشت که در ارتفاعات منطقه ویا دره های استراتژیک نواحی زاگرس غربی واقع شده اند. قلعه ی اسماعیل خان از جمله این آثار است که در محدوده‌ی شهرستان ایلام و بر روی ارتفاعات انبار آب در شمال شهر ایلام قرار دارد. این قلعه به صورت دیوار و دژی مستحکم بر فراز ارتفاعات مشرف به دشت ایلام و بر روی عوارض و ناهمواری‌های طبیعی منطقه ساخته شده است. در مجموع ده برج و سه ورودی در امتداد دیوار قلعه به فاصله‌های متفاوت ساخته شده که محل دیده‌بانی و استقرار نیروهای دفاعی ساکن در محدوده‌ی امن دژ بوده‌اند. عمده‌ی مصالح بکار رفته در

^۵ - دانشجوی دکتری آب و هواشناسی، دانشگاه خوارزمی.

^۶ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت برنامه ریزی توسعه جهانگردی، پردیس دانشگاهی باختر ایلام

ساخت این دژ، قلوه سنگ و لاشه‌سنگ همراه با ملاط گچ نیم کوب بوده و در برخی نقاط تیرهای چوبی برای استحکام بیشتر به کار رفته است. در این مقاله تلاش شده تا مشخصات و ویژگی‌های این سازه‌ی معماری، که حاصل طرح، بررسی و شناسایی حوزه‌ی شمالی ایلام در دوره‌ی تاریخی وقرون اولیه‌ی اسلامی است مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایلام باستان، قلعه‌ی اسماعیل خان، کوه انبار آب، والیان پشتکوه

مقدمه: با توجه به مطالعات، بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در محدوده‌ی استان ایلام و کثرت و گستردگی یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه، اهمیت این محدوده از فلات ایران در ادوار مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی بر ما روشن و محرز می‌گردد. فراوانی آثار بدست آمده در محدوده‌ی کنونی استان ایلام از جنوبی‌ترین منطقه در شهرستان دهلران تا شمالی‌ترین منطقه در کوهستان‌های شمالی، در دره‌های ایوان اهمیت این منطقه را در ادوار مختلف و توجه حکومت‌ها به این منطقه را نشان می‌دهد. یکی از اصلی‌ترین دلایل آن همجواری با تمدن‌های بزرگ بین‌النهرین در دوران مختلف می‌باشد.

اهمیت آن در دوران تاریخی به واسطه‌ی قرار گرفتن بر سر راه شاهی و ارتباط با تیسفون و مدائن و بغداد و ... بوده است. وجود تپه‌ها و محوطه‌های باستانی مانند تپه‌ی موسیان، تپه‌ی علی کش، چغا آهوان، چغا گلان، قلعه شیخ، قلعه پاقلاع، قلعه سکه‌سان، تپه‌های «چالاب و یلنگ» در تنگه‌ی ارغوان، آتشکده‌ها، قبرستان‌ها، شهر تاریخی سیمره، شهر تاریخی سیروان و صدها اثر تاریخی فرهنگی دیگر مؤید همین موضوع هستند. بررسی و مطالعه علمی این آثار در شناخت تاریخ منطقه و ارتباط آن با دیگر مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مختلف و مخصوصاً بحث تاریخ و باستان‌شناسی و گردشگری حائز اهمیت باشد.

در این راستا به معرفی و بررسی قلعه اسماعیل خان در محدوده ی شهر ایلام، که متعلق به دوران افشاریه و زندیه و حکومت والیان پشتکوه می‌باشد، می‌پردازیم. در این خصوص ابتدا مختصری در خصوص تمدن ایلام باستان بیان کرده و در ادامه به روند تاریخی والیان پشتکوه و چگونگی ساخت قلعه و خصوصیات فنی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با توجه به ماهیت موضوع و هدف پژوهش یک روش تلفیقی است که با استفاده از آرشیو کتابخانه‌ای، اسنادی، تحقیقات میدانی و نقشه، صورت گرفته و اساس کار بر مطالعات میدانی استوار است.

پیشینه ی تحقیق

بررسی ها و مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد این منطقه از سرزمین ایران در بخش غربی زاگرس و در محدوده ی شمال غربی تمدن ایلام واقع شده است. به منظور روشن شدن برخی نکات مرتبط با موقعیت مکانی آثار مورد مطالعه، اشاره ی مختصری به تاریخ ایلام شده که در فرایند ترتیب تاریخی تا دوره ی اسلامی، روند استمرار استقرار را نشان می‌دهد.

بنا به اطلاعاتی که از مطالعات تاریخی و بررسی‌های باستان‌شناسی بدست آمده، ایلام فعلی بخشی از سرزمین ایلام باستان بوده است. ایلام باستان، سرزمینی بود که از شمال به راه خاوران، یعنی راهی که از بغداد به همدان متصل می‌شود، از جنوب به خلیج فارس، از غرب به رودخانه ی دجله در خاک عراق (بین‌النهرین باستان) و از شرق به مسیر همدان به تنگه ی هرمز محدود می‌شد.

ریشه‌شناسی نام ایلام

درباره ی ریشه‌شناسی نام ایلام بحث‌های فراوانی شده است به نظر «دامرو و انگلاند» ایلام، «شکل اکدی شده ی واژگان سومری و ایلامی متأثر از elûm، «بلند بودن» است. ظاهراً نخستین نام بومی برای ایلام تا پیش از هزاره ی دوم ق.م پدیدار نمی‌شود و معلوم

نیست که ساکنان منطقه ی جنوب ایران را سرزمین یا ملیت واحد یکپارچه‌ای به شمار می‌آورده‌اند. مردمان نواحی مرتفع ایران در هزاره‌ی سوم، مجموعه‌ی متفاوتی از گروه‌های قومی و زبانی گوناگون بودند که هرگز خودشان را با استفاده از عناوین ایلام یا ایلامی معرفی نمی‌کردند. این نام را کاتبان سومری به سرزمین‌های بلند شرق بین‌النهرین داده بودند که به شیوه‌ی منطقی آن‌جا را سرزمین بلند می‌خواندند. همان طور که «زادوک»^۷ تأکید دارد پیش از اواخر هزاره‌ی سوم ق.م نام سومری ELAM به کوه‌نشینان فلات ایران و دامنه‌ی آن اطلاق می‌شد با این حال جالب این است که کاتبان ایلامی هنگام نوشتن به ایلامی هرگز از سومرنگار NIM استفاده نمی‌کردند (تی. پاتس، دنیل - ترجمه: باستی، زهرا، ۱۳۸۸: ۱۶)

بررسی‌هایی که تاکنون در منطقه‌ی آسیای نزدیک و میانه انجام گرفته، مؤید این نظریه است که سومری‌ها اولین قومی در این ناحیه بودند که خط را ابداع کردند. اما همین افراد تلاش‌های فراوان همسایه شرقی یعنی «ایلام» را نیز در جهت دستیابی به این امر مهم نادیده نمی‌گیرند. به همین جهت باید گفت که تقریباً در همان زمانی که سومری‌ها موفق به ابداع خط سومری شدند ایلامی‌ها نیز به ابداع خط علامت‌نگاری یا پیکتوگرافی (Pictography) که نمونه‌های آن در نقاط شوش درخوزستان، سیلک در کاشان، مرو دشت در فارس، شهاد در کرمان و ... پیدا شده نائل گردیدند. این امر باعث شد که این دو قوم مرحله‌ی پیش از تاریخ خود را پشت سر نهاده و وارد مرحله‌ی نوین تاریخ خویش شوند و برای آیندگان کتباً از اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود سخن گویند. (صراف، ۱۳۷۲: ۷ و ۸)

ایلامیان در احداث بناهای مذهبی و غیرمذهبی نیز همانند ساکنان بین‌النهرین از خود آثاری برجای گذاشته‌اند که می‌توان به: زیگورات و معابد چغا زنبیل درخوزستان معابد اینشوشیناک (Inshushinak) یا خدای شوش، نین خورساک یا الهه

^۷ R.zadok

کوهستان (Ninhursak) و معبد شوتروک ناهونته دوم (Shutruk-Nahunte II) در آکروپل شوش و معبد هفت تپه در نزدیکی شوش (صراف، ۱۳۷۲: ۹) و نیز برخی آثار در لایه های تپه چگا آهوان مهران اشاره نمود.

دولت ایلام در سال ۶۴۰ قبل از میلاد به دست دولت آشور سقوط کرد و به مدت کوتاهی پس از آن هخامنشیان آشوریان را در هم شکستند و حکومتشان را از بین بردند. از آن پس سرزمین ایلام یکی از ایالت‌های حکومت هخامنشی شد (محمودیان، ۱۳۸۳: ۲۰). در این محدوده ی جغرافیایی آثار زیادی از دوره های تاریخ و قرون اولیه ی اسلامی برجای مانده که اشاره به همه ی این آثار در این مقاله امکان پذیر نیست.

متأسفانه تاکنون در مورد قلعه اسماعیل خان تحقیق و بررسی علمی دقیق همراه با کاوش های باستان‌شناسی علمی صورت نگرفته و در خصوص تاریخ دقیق ساخت آن اطلاعات مستندی به دست نیامده است. هر آن‌چه که در خصوص این اثر گفته و نوشته شده بر اساس تاریخ شفاهی و نقل قول‌های غیرمعتبر است.

برخی پژوهشگران آن را متعلق به فرقه ی اسماعیلیه دانسته‌اند و آن را با قلاع معروف اسماعیلیه مقایسه کرده‌اند و برخی دیگر نیز این قلعه را مربوط به دوران والیان پشتکوه دانسته‌اند. در این تحقیق سعی شده است که بیشتر به جنبه‌های فنی و معماری و برداشت پلان اثر تکیه و بر اساس آن نتیجه‌گیری شود، زیرا متأسفانه هنوز امکان حفاری‌های علمی باستان‌شناسی در محدوده ی اثر میسر نشده است.

از مجموع بنا ها و استحکامات احتمالی قلعه ی اسماعیل خان، آثاری از برج ها و دژ عظیم آن در خط الرأس شمالی - جنوبی ارتفاعات معروف به انبار آب باقی مانده است و جهت دیوار، شمالی - جنوبی است. دژ، از صخره و پرتگاه جبهه ی جنوبی شروع و قله ی کوه انبار آب به سمت کوهستان سیوان امتداد دارد. عرض دیوار در بخش جنوبی، دو متر و در بخش میانی، ۱/۵ متر اندازه گیری شده است. آوار دیوارها

که از سنگ و ملاط گچ نیم کوب^۸ ساخته شده، ارتفاع حدود ۴ متر را نشان می‌دهد. طول دیوار حدود ۷۰۰ متر می‌باشد که با توجه به شرایط کوهستانی منطقه و امکان کنترل جبهه ی جنوب شرقی دارای سه برج نسبتاً بزرگ دیده بانی و نگهبانی است. برج اول در بخش جنوبی و به فاصله ی ۲۰ متری پرتگاه صخره ای ایجاد شده که بخشی از دیوار جبهه ی شمالی آن به ارتفاع ۵ متر هنوز پابرجاست. این بنا به صورت دایره ای است و دارای دو طاقچه در قسمت باقیمانده ی بنا است. در شرق بنا دریچه ای مثلث شکل مشاهده شده است که قاعده ی آن به داخل و رأس آن به سمت خارج بناست که برای دید و کنترل پیرامون مورد استفاده قرار گرفته است. مطمئناً در بخش های دیگر بنا نمونه ی این دریچه ها وجود داشته است که در حال حاضر به دلیل تخریب دیوارها آثار آن از بین رفته است. مصالح بکار رفته در کل بنا سنگ های کوهستانی با استفاده از ملاط گچ می‌باشد. سنگ ها تقریباً با تراش اندک جور شده و در ردیف های منظم بکار رفته است.

بخش داخلی اتاق نگهبانی با گچ اندوده شده است. برج دوم نیز با سبک معماری برج اول همخوانی دارد. بخش میانی دیوار در محل معبر اصلی ساخته است. ارتفاع دیوار بخش شرقی این برج حدود ۵ متر اندازه گیری شده است. برج سوم در بخش صخره ای جبهه شمالی دژ ساخته شده که تقریباً بخش عمده ی آن تخریب شده است. بنای دژ پس از گذر از برج سوم تا قله ارتفاعات بخش شمال شرقی ادامه می‌یابد و به صخره ی کوهستانی منتهی می‌شود. (محمودیان، صفحه ۲۱ تا ۲۳)

موقعیت بنا: قلعه و استحکامات معروف به اسماعیل خان بر فراز ارتفاعات انبار آب و مشرف به شهر ایلام ساخته شده است. از شرق به ارتفاعات سیوان، از شمال به دره ی

۸- سنگ گچ را قبل از آنکه در کوره به نقطه ذوب برسد بیرون آورده با ضربه زدن خورد می‌کنند، بعد از سرد شدن و مخلوط کردن با آب، ملاط گچ نیم کوب حاصل شده که پس از سفت شدن همان محکمی و استحکام سنگ گچ را داراست.

دالاب، از غرب به زمین های کشاورزی منجل و از جنوب به شهر ایلام محدود است. ارتفاعاتی که این دژ بر روی آن ایجاد شده نزدیک به ۲۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و پوشیده از جنگل بلوط و گونه های جنگلی ون و ارجن «ارژن» و پوشش مرتعی است. چشمه ی دائمی انبار آب نزدیک ترین محل تأمین آب قلعه می باشد. محدوده ای که اثر بر روی آن ایجاد گردیده کاملاً کوهستانی است و از سه جهت صخره ای و صعب العبور است و فقط جبهه ی جنوب شرقی است که مسیر ارتباطی قلعه بوده است.

معرفی اثر: قلعه (دژ-دیوار دفاعی) اسماعیل خان دیواری است با چندین برج دیده بانی به طول تقریبی ۷۰۰ متر (۶۸۵ متر آن متراژ-اندازه گیری شد، که قطر آن بین ۲ تا ۲/۲۰ متر بوده که با اندود ملات گچ نیمکوب اندود شده و با استفاده از قلوه سنگهای موجود در محل و ملات گچ نیمکوب ساخته شده است) در برخی نقاط دیوار لایه داخلی به صورت خشکه چین است که طرفین آن با سنگهای کمی تراش خورده و ملات اندود گچ نیمکوب ساخته شده است. در طول دیوار مجموعه ده فضای معماری به صورت برج و برجک ساخته شده است. امتداد دیوار در جهت جنوب شرقی به شمال غربی است و بر روی ناهمواریهای طبیعی محل ساخته شده است.

این دژ بر روی لبه ی پرتگاهی مرتفع مشرف به منطقه ی بانگنجا و شهر ایلام ساخته شده و تا قله ی ارتفاعات منطقه موسوم به انبار آب امتداد دارد. در ارتفاعاتی که این دژ ساخته شده سه چشمه آب وجود دارد. در ضلع شمال غربی چشمه آب انبار آب به فاصله ی ۵۰۰ متر قرار دارد که نزدیکترین منبع تأمین آب ساکنین و استفاده کنندگان از این استحکامات بوده است. در ضلع شمالی و به فاصله ی تقریبی ۱۵۰۰ متر چشمه ی آب سیوان قرار دارد. در ضلع شمال شرقی و به فاصله ی تقریبی ۲۰۰۰ متر چشمه ی آب هانیوان واقع شده است.

راه دسترسی به قلعه : دسترسی به قلعه و دژ اسماعیل خان در گذشته و زمان استفاده به احتمال بسیار زیاد فقط از راه دره ی هانیوان که در شمال شهر ایلام قرار دارد امکان پذیر بوده است. هم اکنون نزدیکترین و ساده ترین راه، راه آسفالتی ای است که از منطقه ی بانگنجناب و دانشگاه ایلام به سمت تاسیسات فنی و آنتن های مخابراتی موجود در ارتفاعات کوه انبار آب ایجاد شده و به ضلع غربی قلعه منتهی می شود.

از انتهای راه آسفالتی تا قلعه و دژ اسماعیل خان کمتر از ۵۰۰ متر فاصله است. با توجه به ارتفاعات و پرتگاه های اطراف دژ در گذشته و زمان استفاده و کاربری دژ تردد و دسترسی فقط از ضلع شرقی امکان پذیر بوده، چون در امتداد شمال-شمال غربی تا جنوب و جنوب غربی و به فاصله ی کامل پرتگاه صخره ای با ارتفاع حداقل ۱۰۰۰ متر است.

مشخصات معماری قلعه

ارتفاع محل اولین برج قلعه که مشرف به لبه ی پرتگاه صخره ای شهر ایلام است، از سطح دریا ۲۰۴۲ متر و آخرین نقطه ی دیوار قلعه در ارتفاع ۲۱۳۷ متری از سطح دریا قرار دارد. این اختلاف ارتفاع نشان دهنده ی اختلاف سطح دو نقطه ی ابتدایی و انتهایی دیوار دژ به میزان ۹۰ متر است. این دیوار و دژ دفاعی بر روی ناهمواری های طبیعی و عوارض طبیعی کوه ساخته شده تا مانع ورود دشمنان ساکنین قلعه شود. این مزیت، محوطه ی وسیعی از ضلع شمال-شمال غرب تا جنوب-جنوب غرب را در اختیار ساکنین قرار داده است. در امتداد دیوار و دژ، سه ورودی ساخته شده که دو ورودی در ضلع جنوبی که ورودی اول نزدیک برج اول و به فاصله ی ۲۵ متری از آن ساخته شده با عرض ۱/۵ متر و ورودی شماره ۲ به فاصله ی ۱۰ متری برج شماره ۲ (فضای معماری-اتاقک کوچک) ساخته شده که عرض آن ۱/۲۰ متر است. ورودی سوم در میانه و وسط های دیوار دژ ساخته شده که در میان یکی از برجها قرار دارد که به دلیل تخریب و آسیب دیدگی فراوان قابل اندازه گیری نبود و به احتمال بسیار

زیاد ورودی اصلی و درب ورودی اصلی دژ همین فضا است. این قلعه و دژ در میان انبوه درختان بلوط قرار دارد و در ارتفاعات مشرف به شهر ایلام ساخته شده است. محوطه ی اثر پوشیده از جنگل انبوه بلوط و دیگر گونه های جنگلی است.

قلعه و دژ اسماعیل خان از گونه ی قلعه های کوهستانی است. قلعه های کوهستانی با قرار گرفتن بر روی بستر طبیعی مرتفع به عنوان «دفاع غیرعامل طبیعی» ایجاد می گردند. بدین شکل که طراحی قلاع مذکور مبتنی بر سطح صخره ی سنگی کوه و بدون طرح قبلی شکل گرفته و ایجاد استحکامات همانند برج و بارو نیز بستگی به وضعیت کوه و صعوبت دیواره صخره منتهی به قلعه دارد. به عبارتی در بخش هایی از قلعه که امکان نفوذ محتمل تر بوده توسط سازندگان با احداث دیواره های مستحکم و بعضاً چند لایه محافظت می گردید. مصالح بکار رفته غالباً از کالبد صخره ای کوه تأمین گردیده است. (عمرانی و رحمت پور، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰) غالباً قلعه ها و استحکامات نظامی و دفاعی در کنار چشمه های آب یا رودخانه های دائمی ایجاد گشته اند تا ساکنان قلاع در خصوص تأمین آب دچار مشکل نشوند.

در مواردی از ایجاد شکاف در سنگ ها، ایجاد جوی های انتقال آب تنبوشه های سفالی و حفر کانال ها جهت هدایت و دسترسی به آب بهره جسته اند. در محدوده ی قلعه و دژ اسماعیل خان نیز سه چشمه آب دائمی؛ انبار آب (آماراو) هانیوان و سیوان وجود دارد که نزدیکترین آن ها به قلعه ، چشمه انبار آب است.

قلاع دیگری در استان ایلام از دوران مختلف به جای مانده است که از مهمترین آن ها می توان به قلعه ی سام، پشت قلعه ی آبدانان، قلعه ی میرغلام هاشمی دره شهر، قلعه ی چکر بولی، قلاع چوار، قلعه ی سکه سان در دره شهر، قلعه کنجانچم مهران، قلعه ی والی ایلام و قلعه ی اسماعیل خان اشاره کرد. چنانکه در بخش تاریخ والیان اشاره شد، اسماعیل خان پس از شکست از سپاه کریم خان زند متواری شده و به کوهستان های پشتکوه پناه برده است. طبق روایات شفاهی ساکنان شهر ایلام، بقایای دژ و قلعه ای که

اسماعیل خان در کوهستان‌های پشتکوه ساخته و در آن پناه گرفته همین دژ و استحکامات معروف به اسماعیل خان در شمال شهر ایلام بر روی ارتفاعات کوه انبار آب است. در ادامه به بررسی میدانی و شرح خصوصیات معماری این اثر می‌پردازیم.

مشخصات معماری برج‌ها و دژ پیرامونی

برج شماره ی یک: این برج مدور به فاصله‌ی ۱۵ متری از لبه‌ی پرتگاه مشرف بر شهر ایلام و بر فراز کوه انبار آب ساخته شده از لبه‌ی پرتگاه تا اطاق، دیوار قلعه به طول ۱۵ متر ساخته شده که عرض آن ۲/۲۰ متر می‌باشد. مصالح بکار رفته در ساخت دیوار و برج شماره‌ی یک، لاشه سنگ، قلوه سنگ، تیرهای چوبی و ملاط گچ نیم‌کوب می‌باشد. آثار تیرهای چوبی در چند جای دیوار برج شماره‌ی یک مشاهده می‌شود. در انتهای دیوار مشرف به پرتگاه، دو تیر چوبی قرار دارد، ارتفاع باقی مانده‌ی دیوار مشرف به پرتگاه (۲/۳۵) دو متر و سی و پنج سانتی‌متر می‌باشد.

دو طرف دیوار با اندود گچ نیم‌کوب به ضخامت ۵cm (پنج سانتی‌متر) اندود شده است. این اندود ضخیم یکی از دلایل ماندگاری و حفظ و استحکام دیوار در طول سال‌های متمادی بوده است اکثر نقاط داخلی دیوار بصورت خشکه چین است.

برج شماره‌ی یک به صورت مدور ساخته شده که در دیوار آن آثار یک شومینه (بخاری دیواری) و یک دریچه جهت دیده‌بانی مشاهده می‌شود. دریچه‌ی دیده‌بانی در جهت شمال شرقی در دیواره‌ی برج ساخته شده و دید کامل و خوبی به مسیر پایین دست قلعه دارد. شومینه در ضلع غربی ساخته شده و ارتفاع دهانه‌ی آن ۷۰cm و عرض دهانه‌ی آن ۵۰cm است. دریچه‌ی دیده‌بانی بصورت مخروطی است که قاعده‌ی آن بزرگ و انتهایش کوچک است. یعنی دهانه دریچه دیده‌بانی از بیرون کوچک و از داخل بزرگ است. با توجه به قطر دو متری دیوار شاید نگهبان مجبور بوده برای دید بهتر و تسلط کامل سر و گردن خود را وارد دریچه می‌کرده تا دید بهتری داشته باشد. از بیرون عرض دریچه ۲۰cm و ارتفاع آن ۳۰cm می‌باشد.

آثار یک دریچه‌ی دیده‌بانی دیگر در جهت شرقی مشاهده می‌شود که متأسفانه با توجه به تخریب دیواره، ابعاد آن قابل اندازه‌گیری نیست. نمای بخاری بصورت طاقدار و یا قوسی ملایم ساخته شده است. در ورودی برج شماره ی یک در جهت جنوب غربی و در حریم داخلی قلعه ساخته شده است. ارتفاع باقی مانده از دیوار برج ۵m و قطر داخلی برج ۵m بعد از برج شماره ی یک و چسبیده به آن دیوار امتداد می یابد.

مشخصات GPS برج شماره ی یک

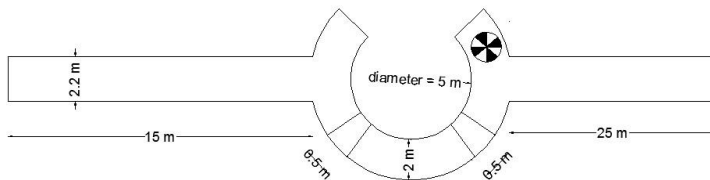


۲۰۴۲ متر ارتفاع از سطح دریا

طول جغرافیایی ۴۶° ۳۹' ۵۵"

عرض جغرافیایی ۶۷' ۹۸"

۳۳°



برج شماره دو: از برج شماره یک و در امتداد شرقی غربی دیوار قلعه ادامه پیدا کرده و دارای قطر ۲/۲۰ و طول ۲۵m می‌باشد که به ورودی شماره یک ختم می‌شود.



عرض ورودی ۱/۵۰cm ۲۰۴۹ ارتفاع از سطح

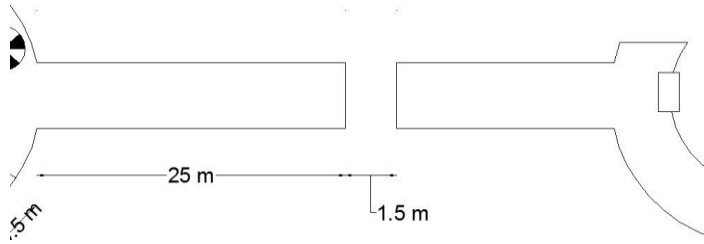
ارتفاع باقی مانده ۱/۵۰cm دریا

طول جغرافیایی ۴۶° ۳۹' ۵۲"

قطر دیوار ۲/۲۰ ۴۶° ۳۹'

عرض جغرافیایی ۶۷' ۹۹"

۳۳° ۶۷'

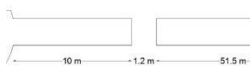


از ورودی شماره یک تا برج شماره دو، دیوار به طول ۳۳ متر امتداد یافته و در همان جهت شرقی غربی برج تخریب شده، بصورت نیم دایره ساخته شده و دارای قطر داخلی ۵m است. در ضلع شرقی و غربی و در راستای امتداد دیوار در داخل برج شماره ۲، دو فضا بصورت تورفتگی در دیوار ساخته شده که دارای عرض ۹۰cm و عمق ۱m متر می باشند که کاربری آن ها به دلیل تخریب زیاد مشخص نیست. عرض ورودی این برج سه متر می باشد.



قطر داخلی برج ۵m
عرض ورودی ۳/۵m
ارتفاع از سطح دریا ۲۰۴۱
طول جغرافیایی ۵۰°
عرض جغرافیایی ۳۹° ۴۶' ۲۴"
۳۳° ۶۸'

ورودی شماره ۲: امتداد دیوار از برج شماره یک تا ورودی شماره ۲ به طول ۱۰m می باشد. عرض ورودی ۱/۲۰cm می باشد که دارای اندود گچ می باشد ۲۰۴۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.



عرض دیوار ۲/۲۰
ارتفاع باقی مانده ۱m
طول جغرافیایی ۵۰° ۳۹' ۴۶°
عرض جغرافیایی ۳۳° ۶۸' ۰۲"

برج شماره سه : طول امتداد دیوار از ورودی شماره ۲ تا برج شماره ۳، ۵۱ متر می باشد. این برج از بیرون نمای مدور دارد و از داخل به صورت مربع مستطیل با زاویه ی پخ ساخته شده است. عرض ورودی برج ۳/۵ متر و قطر داخلی آن ۵m می باشد.

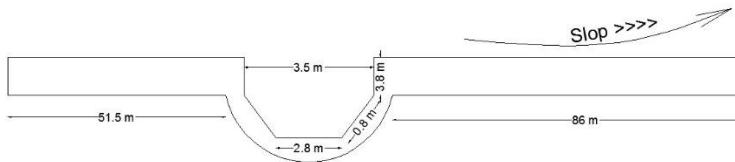


ارتفاع باقی مانده ۱/۵ متر

۲۰۵۰ ارتفاع از سطح دریا

طول جغرافیایی $39^{\circ} 49' 46''$

عرض جغرافیایی $68^{\circ} 08' 33''$



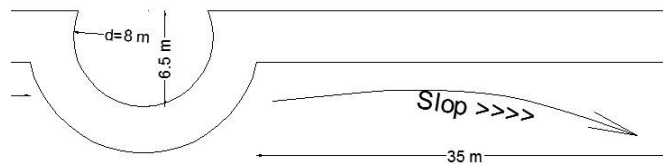
برج شماره چهار: بزرگترین برج قلعه برج شماره ۴ چهارمی باشد که در یکی از مرتفع ترین نقاط توپوگرافی محل و در امتداد دیوار ساخته شده است. این برج دارای نمای بیرونی و داخلی مدور می باشد. ورودی آن هشت متر بوده که قطر داخلی آن (عمق) از ورودی تا دیوار داخلی ۶/۵ متر می باشد. ارتفاع باقی مانده تقریباً یک مترو امتداد دیوار از برج شماره سه تا برج شماره چهار ۸۶ متر طول دارد.



۲۰۸۲ ارتفاع از سطح دریا

طول جغرافیایی $39^{\circ} 45' 46''$

عرض جغرافیایی $68^{\circ} 15' 33''$



توجه: از لبه ی پرتگاه و برج شماره ی یک تا برج شماره ی چهار امتداد دیوار برداری عوارض طبیعی و توپوگرافی منطقه با شیب رو به بالا ساخته شده است. یعنی از برج شماره یک تا چهار ارتفاع زیاد می‌شود و از برج شماره چهار امتداد دیوار و بنای قلعه دوباره به سمت پایین رفته و ارتفاع کمتر می‌شود.

برج شماره پنج: این برج بصورت یک اتاقک کوچک ساخته شده که عرض ورودی آن ۲/۳۰ cm و عمق آن ۳/۴۰ cm است. فاصله ی برج چهار تا پنج امتداد دیوار ۵۵ متر طول دارد که با شیب تند در سرازیری تپه و عوارض طبیعی منطقه ساخته شده است.



برج شماره ی شش: در فاصله ی برج پنج تا شش امتداد دیوار قلعه ۵۲/۵ متر محاسبه شده است. نمای بیرونی این برج بصورت مدور بوده و از داخل بصورت مربع بازوایی پنج، ساخته شده که در دیوارهای آن و فضای ۶۰ cm × ۱/۲۰ cm بصورت تورفتگی در دیوار ساخته شده است (اتاقکی کوچک در دیوار)





عرض ورودی برج ۳/۶۰ cm

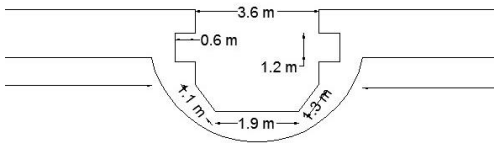
می باشد.

۲۰۶۸ ارتفاع از سطح دریا

طول جغرافیایی ۴۶° ۳۹' ۴۴"

عرض جغرافیایی ۶۸' ۳۶"

۳۳°



برج شماره ی هفت: در فاصله ی برج شش تا هفت امتداد دیوار به طول ۲۶/۵ متر

ساخته شده که شیب آن همچنان به سمت پایین است. این برج به صورت یک اتاقک

کوچک با ابعاد عرض ۲/۸۰ cm × عمق ۲/۴۰ cm می باشد.

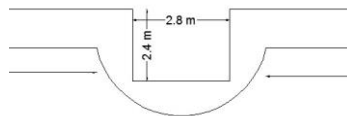
ارتفاع باقی مانده دیوارها تقریباً نیم متر است.

۲۰۶۶ ارتفاع از سطح دریا

طول جغرافیایی ۴۶° ۳۹' ۴۴"

عرض جغرافیایی ۶۸' ۲۹"

۳۳°

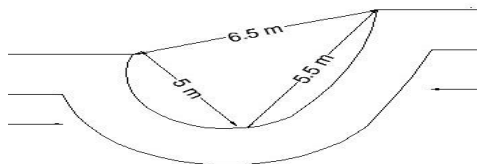


برج شماره ی هشت: امتداد دیوار قلعه از برج هفت تا هشت ۲۸/۵ متر طول دارد. برج

شماره هشت بصورت مدور با انحنای خاص در امتداد دیوار قلعه ساخته شده است.

بنای این برج تقریباً بصورت نیم بیضی است و می توان این انحنا را در پلان مشاهده

کرد.



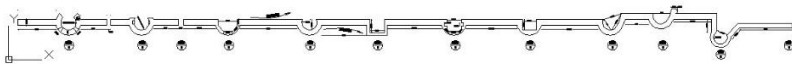
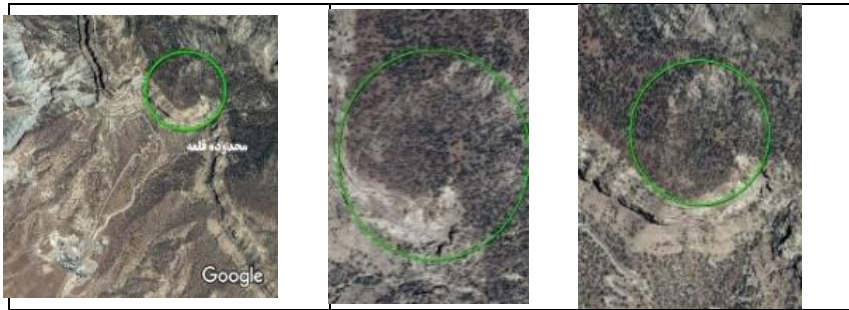
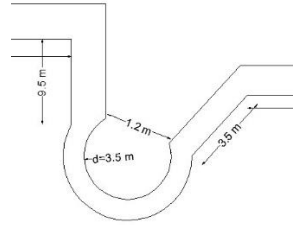
برج شماره ی نه : به فاصله‌ی ۱۴ متر از برج شماره‌ی ۸ و در امتداد دیوار قلعه برج شماره‌ی نه واقع شده که به احتمال بسیار زیاد ورودی اصلی به محوطه‌ی محصور قلعه با توجه به اختلاف ارتفاع سمت جنوب شرقی آن در همین برج قرار داشته است. دلیل این نظر، وجود آثار سقف یک فضای معماری در بقایای باقی مانده از این برج است. در کف برج تخریب شده بقایای معماری یک طاق ضربی که با لاشه سنگ‌های نازک و با استفاده از ملات گچ نیم کوب ساخته شده مشاهده می گردد. ضلع شرقی این برج پائین تر از سطح برج در ضلع غربی بوده و اختلاف ارتفاعی در حدود چهار تا شش متر دارد. چون این برج در شیب دره‌ای ساخته شده لذا تنها راه دسترسی از مسیر شهر کنونی ایلام به تنگه‌ی هانیوان و به سمت قلعه بوده است. معماران قلعه با توجه به شیب دره و اختلاف ارتفاع دو سمت آن با استفاده از فضای معماری دو طبقه در این برج می‌توانستند به راحتی اختلاف ارتفاع را جبران کرده و راهی ایمن و قابل کنترل، به محوطه‌ی داخلی در ایجاد کنند. البته تنها راه اثبات علمی این فرضیه گمانه زنی با کاوش باستان‌شناسی است. این برج دارای یک بخش الحاقی در ضلع غربی است که به صورت امتداد دیوار و نیم‌ستون بزرگ متصل به دیوار اصلی در ساخته شده که به احتمال زیاد کاربرد فنی در معماری بنا داشته و برای جلوگیری از نیروی رانش وزن برج ساخته شده است. در برش پلان کاملاً مشخص است.

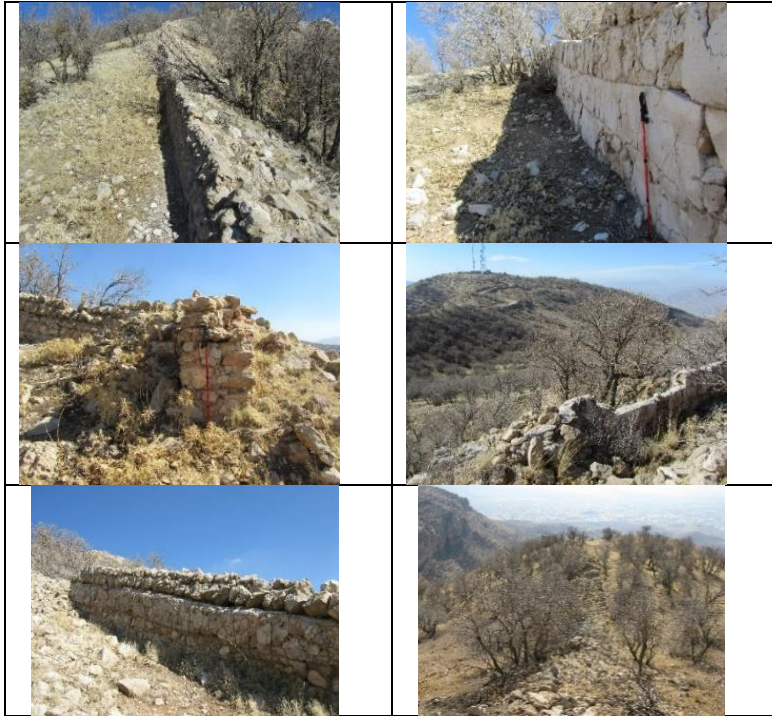


قطر داخلی ۴/۵ متر ۲۰۷۶ ارتفاع از سطح دریا عرض دهانه ورودی برج ۷ متر		
--	---	---

برج شماره ده : فاصله‌ی برج شماره نه تا برج شماره ده ، ۹۳ متر می‌باشد. در واقع آخرین فضای معماری دژ همین برج می‌باشد که در ساخت آن از مصالح بومی محل منطقه استفاده شده و قسمت هایی از فضای معماری بهره گیری از صخره های طبیعی بوده است. قطر داخلی برج ۳/۵ متر و عرض ورودی آن ۱/۲۰ می باشد. ارتفاع این برج از سطح دریا ۲۱۰۸ متر می‌باشد که در مرتفع ترین بخش دژ ساخته شده و دید نسبتاً کاملی به کل دژ و فضای پیرامونی آن دارد. بعد از برج شماره ده دیواره دژ به طول ۸۸ متر امتداد پیدا کرده و در ارتفاع ۲۱۳۷ متری از سطح دریا در ارتفاعات کوه انبارآب و در ضلع شمال شرقی به انتها می‌رسد و بعد از آن دیوار با ارتفاعی کمتر از نیم‌متر بصورت خشکه چین و به طول ۶۰ متر بر روی عوارض و ناهمواری‌های کوهستانی و صخره‌ای منطقه امتداد پیدا می‌کند.







نتیجه گیری: با توجه به مطالب ارائه شده و بررسی‌های میدانی به عمل آمده در خصوص دژ و قلعه‌ی اسماعیل خان چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دژ و دیوار کاربرد دفاعی در ایام خاصی داشته و نمی‌توانسته بطور کامل در طول سال مورد استفاده قرار بگیرد که شاهد این مدعا عرض ورودی فضاهای معماری (برج‌ها) و نبود درب در آن‌ها، نبود فضاهای قابل سکونت و اسکان و غیرمسقف بودن برج‌ها در محوطه داخلی دژ بوده است.

«در هیچ کدام از برج‌ها آثار و شواهدی از اجرای سقف وجود نداشته، مگر در برج شماره نه که در کف آن آثاری از سقف ضربی بالاشه سنگ و ملاط گچ مشاهده می‌شود»

پی‌نوشت: تشکر و قدردانی فراوان از دوستان و همراهان عزیز آقایان جواد چراغی، مجتبی جوهری و رضا جوهری که در برداشت پلان و ثبت تصاویر قلعه همراهی کردند، تشکر ویژه از مهندس مهدی جوهری که زحمت طراحی پلان قلعه را کشیده‌اند.

فهرست منابع

تی پاتس، دنیل، ۱۳۸۸ **باستان‌شناسی ایلام**، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، چاپ دوم. صراف، محمدرحیم، ۱۳۷۲، **نقوش برجسته ایلامی**، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران، چاپ اول.

مرزبان، پرویز، ۱۳۸۴، **خلاصه تاریخ هنر**، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم. معیذزاده، یوسف، ۱۳۷۶، **تاریخ و تمدن بین‌النهرین**، جلد اول، نشر دانشگاهی تهران، چاپ اول.

محمودیان، ۱۳۹۳، **حبیب‌اله، جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان ایلام**، نشر زاگرو. محمودیان، ۱۳۸۳، **حبیب‌اله، معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام**، انتشارات گویش.

عمرانی، بهروز و رحمت‌پور، محمد، ۱۳۸۷، **قلعه‌ها و استحکامات آذربایجان**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.

هول، فرانک، ۱۳۸۱، **باستان‌شناسی غرب ایران**، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت.

تحلیلی پیرامون جایابی اروای (URU×A^{ki}) ایلامی در دشت دهلران بر پایه داده‌های مکتوب و مطالعات باستانشناختی

محسن سعادت^۹

چکیده

مکان یابی و تعیین موقعیت یک جای نام همواره یکی از راه‌های مهم در مطالعات میان باستانشناسی و متون تاریخی است. با مطالعه داده‌های مکتوب و متون و تطبیق آنها با داده‌های حاصل از کاوش و حتی بررسی‌های باستان‌شناسی می‌توان تا حدود زیادی به این نوع پژوهش کمک کند. در این میان منطقه یا شهر اروای باستانی (URU×A^{ki}) یکی از مناطق مهم در کتیبه‌های ایلامی، در بازه‌ی زمانی ۲۵۵۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد، که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این پژوهش مکان یابی این منطقه باستانی در دشت دهلران به اثبات رسیده است اما اینکه کدام یک از محوطه‌های باستانی دهلران به آن منسوب است بین پژوهشگران اختلاف نظرانی وجود دارد. در این مقاله سعی شده است تا با کنار هم قرار دادن داده‌های مکتوب و مستند که توسط پژوهشگران به چاپ رسیده است و تجزیه و تحلیل داده‌های باستانشناختی منطقه‌ی دهلران به نتیجه‌گیری کلی در رابطه با جای نام اروا در منطقه بدست آید. در نتیجه به نظر می‌رسد تپه‌ی باستانی موسیان در دشت دهلران اروای باستانی در کتیبه‌های ایلامی باشد.

واژگان کلیدی: اروای (URU×A^{ki}) باستانی، ایلامی، مکان یابی، دهلران، تپه‌ی موسیان.

^۹ - دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، کارشناس باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی،

Email: m.saadati69@gmail.com

صنایع دستی و گردشگری استان تهران.

مقدمه: همواره مطالعه متون کهن و ردیابی نوشته‌های تاریخی از طریق پژوهش‌های باستان‌شناسی، سبب کشف رمز مکان‌های تاریخی بسیار و نیز به دست آوردن اطلاعات مناسبی در این زمینه شده است. مکان‌یابی مناطق در هر دوره‌ی تاریخی به روش‌های خاص آن دوره و آن منطقه نیاز دارد. محققان و باستان‌شناسان در هنگام مطالعه هر یک از داده‌های مکتوب و باستان‌شناختی از روش‌های مطالعاتی خاصی استفاده می‌نمایند که دلیل آن نیز ماهیت متفاوت هر یک از این دو دسته از داده‌هاست. در این میان استان ایلام به خاطر قرار گرفتن در منطقه‌ی جغرافیایی بین‌النهرین و خوزستان همواره در دوران تاریخی نقش مهمی داشته است. در این میان در دوران ایلامی در بسیاری از متون به مناطقی در این محدوده اشاره شده است. با مطالعات باستان‌شناسی که از دهه‌ی ۶۰ میلادی تاکنون صورت گرفته موجب شد تا محوطه‌های مهمی در زمینه‌ی دوران ایلامی کشف و مطالعه شود.

در سال‌های اخیر در رابطه با دوران ایلامی و منتسب محوطه‌های باستانی در این منطقه به شهرها و مناطق مهم ایلامی مطالعاتی صورت گرفته است (مرادی، ۱۳۹۳؛ مظاهری و کرمی ۱۳۹۳). در این میان دشت دهلران به جهت حاصلخیزی جهت ایجاد استقرارها از دوران پیش از تاریخ تا زمان حاضر مناسب بوده است. بیشتر پژوهشگران علت استقرار در این دشت را بیشتر به خاطر حاصلخیزی آن بیان کرده‌اند، شرایط جغرافیایی دشت دهلران توسط بیشتر باستان‌شناسان مطالعه شده است (Hole, Flannery and Neely 1969, Watson and Wright 1969, Kirkby and Kirkby 1969, Neely 1974, Kirkby 1977, Redding 1981, Neely 2003, Wright and Neely 2010). دجله و فرات توسط جبل حمزین که بالاترین ارتفاع آن به ۴۰۰ متر می‌رسد مشخص شده است. دشت دهلران یک فرورفتگی کوچک بین جبل الحمزین و اولین بزرگترین چین در زاگرس در منطقه‌ی پشتکوه است.

در شمال شرق این چین خوردگی یک سراسیمه تقریباً پیوسته از رسوبات نرم دوران سوم وجود دارد که سطح بالای این رسوبات روکشی گچی در حدود ۱۳۰۰ متری

قرار دارد. دشت دهلران شامل جلگه‌های آبرفتی با میانگین حدود ۲۰ کیلومتر در عرض از جبال حمزین و در جنوب غربی به سیاه کوه در شمال شرق منتهی می‌شود. که تقریباً ۶۸ کیلومتر از شمال غرب به جنوب غرب گسترش می‌یابد (Wright and Neely 2010). توپوگرافی دشت توسط دو رودخانه کوچک شکل گرفته است؛ رودخانه میمه از طریق سرایشی قطع می‌شود و وارد گوشه شمال شرقی دشت می‌شود و در جنوب شرق تا اواسط دشت جریان می‌یابد سپس به طور ناگهانی در جهت غربی تغییر جهت می‌کند و در سراسر جبل حمزین کاهش می‌یابد و در آبرفت دجله ناپدید می‌شود. رودخانه دویرج از طریق سرایشی کاهش می‌یابد و وارد قسمت شمال شرقی دشت می‌شود سپس جهت آن در مسیر جنوب غربی عوض می‌شود و به انتهای جنوب شرقی دشت جریان می‌یابد. این رودخانه‌ها که به صورت هموار بوده بر اثر رسوبات ته‌نشین شده بر سطح دشت در طول دوره‌ی طولانی اوایل و میانه هولوسین ایجاد می‌شوند. بسترهای این رسوبات در قسمت پایین در برخی از نقاط در طول هزاره دوم ق.م میلاد قطع می‌شود و کانال‌های محکم‌تری ایجاد می‌شود که در آنها رودخانه‌های امروزی جریان دارند (Kirkby, 1977: 253) (تصویر ۱). یکی از مناطق باستانی مهمی که در بازه‌ی زمانی ۲۵۵۰ تا ۲۰۰۰ ق.م در متون ایلامی به آن اشاراتی شده منطقه اروا یا $URU \times A^{ki}$ می‌باشد. نویسندگان این مقاله سعی دارند که با کنار هم قرار دادن داده‌های مکتوب و باستانشناختی در پایان به نتیجه‌ای مناسب در زمینه مکان‌یابی این منطقه مهم باستانی در دشت دهلران برسند.

روش پژوهش

روش پژوهش در این نوشتار بدین صورت است که ابتدا کلمه $URU \times A^{ki}$ از نظر واژه‌شناسی بررسی می‌شود سپس به بیان داده‌های مکتوب در زمینه اروای باستانی که در متون به آنها اشاره شده، پرداخته می‌شود در ادامه نظریاتی که پیرامون اروای باستانی

از سوی پژوهشگران مطرح شده بیان می‌شود، و در نتیجه با ارائه داده‌های باستانشناختی مرتبط با موضوع مورد بحث نتیجه‌ای کلی در این زمینه در پایان بدست آید.

واژه‌شناسی کلمه اروا ($URU \times A^{ki}$)

از نظر واژه‌شناسی در دورن کلمه $URU \times A^{ki}$ نشانه‌ای با عنوان "A" وجود دارد که احتمالاً این کلمه نشان دهنده محل یا شهری می‌باشد. پس از آن حرف تعیین کننده‌ی "ki" تحت عنوان یک محل است. اگر این حرف "ki" امروز وجود ندارد، علامت ترکیبی $URU \times A$ در متون سارگونی احتمالاً نمی‌تواند نام محلی باشد. به نظر می‌رسد که این کلمه قسمتی از نام شخصی باشد (Thureau-Dangin, 1910: Text 1075, 1174). در آخرین اشارات مربوط به اور در سلسله سوم، بسیاری از متون جالب نام مکانی را ذکر می‌کنند که برگردان عنوان $URU \times U^{ki}$ است که برابر با $URU \times A^{ki}$ و منطقه "U r u a" است. هرچند به نظر می‌رسد که این $U r u m^{ki}$ خوانده می‌شود که به عنوان یک شهر نزدیک کیش در جنوب غرب جلگه آبرفتی بین النهرین که مرتبط با $URU \times A^{ki}$ بوده است (Sigrist 1988: Text 927). همچنین مکان دیگر که $URU \times GU$ خوانده می‌شود (Dahl, 2007: 18) جایی است که مستغلات کشاورزی متعلق به یکی از ملکه‌های حاکم شولگی^۱ در آنجا قرار دارد که تحت عنوان "U r u a" خوانده شده است، اما نشانه متغیر "GU" بسیار متفاوت از "A" است هر چند ما نمیدانیم که در کجا واقع شده اما به احتمال زیاد شبیه $URU \times A^{ki}$ نیست. از سوی دیگر نام‌های دیگر مکان اور III نیز تحت عنوان $U. URU \times A. A^{ki}$ ترجمه شده است. تنها در متون مسافرتی از گیرسو^۲ به احتمال زیاد شبیه به عنوان $URU \times A^{ki}$ است که به این خاطر می‌باشد که هر دو در ارتباط با شوش و دیگر شهرهایی که امروزه در جنوب غرب ایران هستند ذکر شده است (Steinkeller, 1982: 244-45, n. 26). "U" ابتدایی و "A" آخری احتمالاً برای گفتن هر چیزی مرتبط با تلفظ و نام توسط خواننده استفاده می‌شده است. ادبیات سومری متعلق به اوایل

هزاره دوم ق.م است به همین دلیل به نظر می‌رسد که نشان‌دهنده این می‌باشد که $URU \times A^{ki}$ از لحاظ آوایی بیان‌کننده عنوان "اروا" بوده (Van Dijk 1978; Frayne, 1992)، که همان تلفظی است که به وسیله متخصصان زبان سامی نیز شنیده می‌شود. این کلمه نباید اکدی یا سامی یا ایلامی بوده باشد (Michaloutski, 2010: 107).

مطالعه و بررسی داده‌های مکتوب

در طول محدوده‌ی زمانی که این مطالعه را تحت پوشش قرار می‌دهد، باستان‌شناسی تنها یکی از چندین منبع مطالعاتی است. در اینجا ما می‌توانیم از منابع مکتوب پراکنده و شفاهی دوره‌ی مورد نظر استفاده کنیم. متأسفانه بسیاری از متون باقی‌مانده منتشر نشده‌اند و خوشبختانه متون منتشر شده دارای موضوعاتی از جمله نسل و نژاد بوده که در نتیجه تفکرات عمیق و نقد تفسیری متخصصان بیشتر دارای موضوعاتی با فهم ماهرانه و فزاینده‌ای از زبان مردگان و به طور کلی در مورد ماهیت متون بوده است (Steinkeller, 1982:248). با این حال مشکلات زیادی در این رابطه وجود دارد از جمله مسأله‌ی عمومی مربوط به بازنمایی و تفسیر نام محل‌هاست. نمی‌توان به آوانگاری و تفاسیری که توسط محققان مختلفی صورت گرفته تأکید کرد اما باید به نسخه و تصاویر متون آنها نگاهی انداخت. برای این کار یک نمونه کفایت می‌کند. در ادامه به متونی که به نام محلی تحت عنوان $URU \times A^{ki}$ اشاره شده و بیشتر اواخر دوره‌ی سلسله سوم او را شامل می‌شوند مورد بحث قرار می‌گیرند.

با وجود بیش از پنج هزار سال از نگهداری اسناد در شرق نزدیک، تاریخ و جغرافیای دهلران هرگز به خوبی و با ارزش ثبت نشده است. حتی مستندات در دسترس در قرون ۱۹ و ۲۰ برای محققان نیز ضعیف هستند. با این حال در طول این زمان، اغلب با کمک حدس و گمان‌هایی که هنوز ثابت نشده‌اند، می‌توانیم ارزیابی کنیم و دانش باستان‌شناسی را با بینش موجود در اسناد گسترش دهیم. در اواخر سلسله‌ی اولیه تا

پایان سلسله سوم اور حدود ۲۵۵۰ تا ۲۰۰۰ ق.م دانش ما تا حد زیادی مرتبط با حساب‌های خرید و فروش در معاملات و کسب و کار می‌باشد. در برخی از متون با موضوعاتی از قبیل تبلیغات و گذاری سلطنت، آثار ادبی کمیاب، تعدادی نامه و تصمیمات حقوقی و فهرستی از شهرها همه توسط کاتبانی که زبان سومری و ادبی را در بین‌النهرین جنوبی آموزش می‌دادند نگهداری شده است. ما تا حدود زیادی خوش شانس هستیم که در دهه‌های اخیر زبان‌شناسان گوناگونی تلاش بسیاری برای درک جغرافیایی و اصطلاحات نژادی موجود در این متون انجام داده‌اند (Selz 1991; Frayne 1992; Steinkeller 2007; Vallat, 1980, 1993; Stolper, 1984).

علامت مخفف شده /e l a m(NIM)/ که نشان دهنده نام ایلام است در فهرست واژه‌ها ذکر می‌شود و نیز به عنوان یک عنصر در فهرست‌های شخصی و نام‌های ایلامی در اوایل ۳۱۰۰ ق.م نشان داده می‌شود (Potts, 1999:87). در کنار این فهرست‌ها، ایلام توسط انمبرگسی پادشاه کیش، در بین‌النهرین در سال ۲۶۵۰ ق.م مورد حمله قرار گرفت، ممکن است وجود انمبرگسی (انیشبارگاسی)^۴ توسط اسناد معاصر اذعان شود (Postgate, 1992: 28-30). هرچند اشاراتی به تهاجم او به عیلام در فهرست شاهان سومری وجود دارد که بعد از ۲۱۰۰ ق.م را شامل نمی‌شود (Rowton, 1960: 158) و احتمالاً بیشتر شبیه به یک حکایت تاریخی است. با این حال نسخه‌ای از متون متعلق به هزاره دوم ق.م وجود دارد که دارای موضوعی است که پادشاه ناشناخته کیش، «ان نا ایل»^۵ ادعا کرده که پادشاه عیلام را شکست داده است (Goetze, 1961:107). بعد از آن «آنا توم»^۶ پادشاه یکی از ایالات منطقه لاگاش^۷ در حدود ۲۴۶۰ ق.م در متونش ادعا کرده که با ارتش عیلام مبارزه کرده است (Selz, 1991: 125). تعدادی از شهرهای عیلامی در فهرست آنا توم به عنوان مخالفانش لیست شده‌اند که در میان آنها $URU \times A^{ki}$ نیز بحث شده است. علاوه بر این چنین ادعاهای سیاسی، در متون لاگاش مردمی همراه با انتساب ایلام به صورت

/e l a m/ ظاهر می‌شود. برخی از این افراد دارای نام‌های تحت اللفظی مشخص به نام ایلامی هستند (Zadok, 1994: 38). با این حال می‌چالوفسکی معتقد است که این اصطلاح در زمان اور III حداقل یک اصطلاح نژادی نیست اما برای نوعی از شغل‌های نظامی، به صورت دقیق‌تر برای محافظان نمایندگان فرستاده شده و دیپلمات استفاده می‌شده است. با این حال به نظر می‌رسد که در این زمان بین‌النهرینی‌ها شمالی تا شمال شرق بین‌النهرین جنوبی همچون منطقه ایلام دیدن کرده‌اند، اما واژه‌های متفاوتی برای مردم واقع در دره‌های کوهپایه‌ای استفاده شده است (Michalowski et al, 2008:111- 112).

دو مکان ذکر شده به عنوان محل‌های اواسط هزاره دوم ق.م در متون بعدی شوش و اوان هستند. هر دوی این مکان‌ها به عنوان مراکز سیاسی در متون بعدی ظاهر می‌شوند. در طول اواخر هزاره سوم ق.م شوش یک مرکز شهری دارای تحت پوشش ۴۰ هکتار و تسلط بیشتر بر استقرارهای کوچک دشت شوشان را داشته است. مانیشثوسا^۸ و نارامسین^۹ سوم و سارگن چهارم، فرمانروایان شوش بوده‌اند و فرمانروای دومی در اینجا یک معبد به خود اختصاص داده است (Potts, 1999:106-8). با اینکه اوان در جنوب سومر در حدود ۲۴۵۰ ق.م توسط ریموش^{۱۰} مورد حمله اور قرار گرفته، در نسخه‌ی آخر از متن سارگن دوم (یا سوم) او ادعا می‌کند که در یک نبرد توسط آب راه کابیلثوم^{۱۱} در حدود ۲۳۰۰ ق.م که به بین شوش و اوان قرار دارد پیروز می‌شود (Gelb and Kienast, 1990:207ff).^{۱۲} در اواخر هزاره سوم ق.م شرایط سیاسی تغییر پیدا کرد و اطلاعات جغرافیایی نیز گسترش یافت. دو نام جغرافیایی اوان و شیماشکی^{۱۳} مهم شدند. با وجود متون هخامنشی بدست آمده از تخت جمشید و حفاری‌های تیم دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۱۹۷۵، شهرانشان با اطمینان در حوزه‌ی رودخانه کر در مرکز فارس مکان‌یابی شده است (Hansman, 1972; Reiner, 1973; Sumner, 1974).

در حدود ۲۴۶۰ ق.م.ا آناتوم، پادشاه لاگاش یک حکومت بزرگ منطقه‌ای در جنوب بین‌النهرین پست و در ۱۶۰ کیلومتری جنوب غرب دهلران متمرکز کرد و مبارزاتی ائتلافی علیه $URU \times A^{ki}$ انجام داده است. در کتیبه‌های آناتوم ادعاهای پیروزی او بر دو ائتلاف بزرگ خارجی که مرزهای او را تهدید می‌کردند ثبت شده که این دو ائتلاف یکی در شمال که شامل حکومت‌های بابل شمالی از کیش^{۱۴} و آکشاک^{۱۵} و ماری^{۱۶} دیگری مناطقی که در امتداد شرق کانال فرات قرار دارد. لاگاش شکست خورده و شامل ایلام، سویر^{۱۷} و اروا (Frayne, 1991: 148 vi 17-20) می‌شده است. ایلام و سویر از نظر جغرافیایی گسترده هستند و نیز به جنوب غرب و شمال شرق مناطق کوهستانی در مرز بین‌النهرین پیشنهاد شده است. همچنین در افکار کاتبان آناتوم، اروا چیزی بیش از یک شهر بوده است. شواهد آن زمان بر این نکته تاکید می‌کنند که اطلاعاتی از یک بیانییه از انسی^{۱۸} مرتبط با $URU \times A^{ki}$ وجود دارد و شو-نیر^{۱۹} در کنار پیشگام شهرش در انتظار گروهان آناتوم بوده است (Sollberger, 1956: Eannatum BrickA 1 III 10 to 1 IV2). سزارزیسکی معتقد است که موقعیت حکومت $URU \times A^{ki}$ در نبردی که رخ داد نشان‌دهنده اهمیت سیاسی ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌باشد با این حال برخی اوقات روابط مسالمت آمیز بوده است (Szarzyńska, 1996: 4). برای مثال در زمان حکومت انتیمینا^{۲۰} از لاگاش در حدود ۲۴۵۰ ق.م. رئیس یک معبد متعلق به خدای نین گیرسو^{۲۱} سنگ آهک قیردار را از $URU \times A^{Ai}$ برای می‌بخکوب کردن این دروازه استفاده کرده است (Sollberger, 1956: 76; Frayne, 1991: 232-33). در یک متن مربوط به تجارت با ایلام از گیرسو یافت شده است که اینجا شهر بزرگی در زمان حکومت لاگاش بوده که از تحویل دادن ۱۲۰ پیمانه جو و یک مانا از قلع برای انسی از $URU \times A^{ki}$ صحبت می‌کند (Selz, 1989: 539). این متن تاریخگذاری نشده اما این سند نشان می‌دهد که این متن در اواخر دوره سلسله اولیه و احتمالاً در طول حکومت

لوگالاندا^{۲۲} یا اوروکاگینا^{۲۳} در حدود ۲۴۰۰ ق.م مدت‌ها بعد از آنتوم نوشته شده است. در متنی بدون تاریخ از سلسله اولیه پنج مانا از نقره از URU×A.^{ki} آورده شده است (Foxvog, 1980: 68-71: Text UCLM 9-1798: v 66-vi 73). این متن شامل یک سفر زمینی دست کم در فاصله ۳۴۰ کیلومتری از URU×A.^{ki} به نقطه‌ای در جنوب دجله، شاید سفری به مدت دو هفته پس از آن یک سفر با کانال به آداب^{۲۴} صورت گرفت. با توجه به داد و ستد این همه نقره از یک شهری کوچک در کوهپایه‌ها به شهر بزرگی آبرفتی نشان می‌دهد که در حقیقت URU×A.^{ki} مکان کوچکی نیست. اسناد نشان می‌دهند که URU×A.^{ki} تحت حکومت سارگن تصرف می‌شود و تا حد زیادی در حکومت‌های شاهنشاهی سارگن، بنیان‌گذار این سلسله در حدود ۲۳۵۰ ق.م گنجانده شده است. سارگن یکی از اولین سال‌های حکومتش را به نام URU×A.^{ki} نامگذاری کرد (Gelb and Kienast, 1990: 49-50). پس از آن ایلام را تصرف کرد، انسی سارگونی که در این زمان به معنی فرماندار به جای حاکم است، مکانی در شوش در طول سلطنت پسر سارگن، مانیشثوسو^{۲۵} در حدود ۲۳۰۰ ق.م بوده است و پس از آن نوهی او نارامسین همه عیلام را سرکوب کرد (Stopler, 1984: 107-8; Potts, 1999: 13-14). و فرماندارانی را منصوب کرد. جانشین نارامسین، شارکالی شاری^{۲۶} در حال جنگ با عیلامی‌ها در بین‌النهرین در حدود ۲۲۵۰ ق.م بوده و به نظر می‌رسد که تسلط سارگن بر شوش در زمان حکومت شارکالی شاری از بین رفته است. URU×A.^{ki} در متون این دوره به ندرت دیده می‌شود و ممکن است به عنوان محلی برای برطرف کردن نیازهای شهر شوش بوده باشد. یکی از نشانه‌های موجود درباره‌ی رابطه نزدیک بین URU×A.^{ki} و شوش، متن بدون تاریخ شوش است که حمل ۱۹۵ کیسه جو از URU×A.^{ki} به شوش را ثبت کرده است (Scheil, 1913: Text 21). اگر URU×A.^{ki} در منطقه‌ی دهلران بوده، یک سفر زمینی چهار یا پنج روزه از شوش با ۱۰۰ دسته حیوان وجود داشته است. در طول فترت، بعد تسلط

سارگن در زمانی که گوتی‌ها قسمت‌هایی از بین‌النهرین را اشغال کردند، هیچ اشاره‌ای به $URU \times A.ki$ نشده است.

$URU \times A.ki$ در زمان سلسله سوم یکپارچگی نزدیکی با ساختار دولتی و اقتصادی امپراتوری داشته است. بنیانگذار سلسله اورناما^{۲۷} ظاهراً پادشاه شوش، پوزور اینشوشیناک^{۲۸} را شکست داد (Wilke, 1987: 108; potts, 1999: 122-25) و سربازان عیلامی از شهرهای آبرفتی شمال بیرون رانده شده اند اما هیچ اشاره‌ای در کتیبه‌های اورناما به فتح شهرهای $URU \times A.ki$ ، شوش، اوان و یا هر مکان دیگری در عیلام وجود ندارد. پوزور اینشوشیناک از کتیبه‌های وقفی شوش شناخته شده است و در متنی مربوط به ۱۸۰۰ ق.م تحت عنوان آخرین پادشاه سلسله اوان از شوش نام برده شده (Stolper, 1984: 12). با این حال حفظ کردن عنوان انسی شوش توسط فرمانداران به اواسط سالهای حکومت پسر اورناما و جانشینان سولگی در حدود ۲۰۸۰ ق.م تا سالهای آخرین حکومت شوسین در ۲۰۳۰ ق.م مربوط می‌شود. در متون ذکر میشود که کارکنان دولت به خاطر رفتن به $URU \times A.ki$ حقوقی دریافت می‌کردند (Jones and Snyder, 1961: 124, Text 212; Sigrist, 1990: Text 74:8, 165:3)، همچنین فرمانداران همراه با عنوان انسی از $URU \times A.ki$ گواه هستند (Sigrist, 1990: Text 171:6). در هشتمین سال آرام سین^{۲۹} تا هشتمین سال سلطنت شوشین، حدود بیست سال استفاده عنوان $URU \times A.ki$ از انسی پایان یافته است (Steinkeller, 1982: 246, n.30). آمارسین در هشتمین سال سلطنتش با عنوان آگلا یا مسئول ادای تکریم $URU \times A.ki$ ظاهر می‌شود (Legrain, 1912 Text 1-3, Lines 126). سو-شین در هفتمین سال سلطنتش یک مانا از نقره با عنوان گون^{۳۰} بدست می‌آورد. گون یک فرم از تکریم ضروری شهرهای مرزی به پوزریش داگان با عنوان انسی $URU \times A.ki$ می‌باشد (Genouillac, 1911: Text 5515, Line 8). انسی شوش از ششمین سال سلطنت آمار-سین تا هشتمین سال سلطنت شو-سین

بر روی یک متن بدون تاریخ از شوش مربوط به زیستگاهی از شوش با موضوع رعیت بدست آمده است (Scheil, 1939: Text 242: 12). او صرفاً با عنوان u.lu. $URU \times A.ki$ /Šolgi-zi-ñ به عنوان "مردی از $URU \times A.ki$ " شناخته شده است. اما این کلمه در مدتی از اواخر سلسله سوم اور تا تعیین یک فرماندار استفاده شد که این یک بار دیگر نشان دهنده رابطه نزدیک آنها با $URU \times A.ki$ است. در این زمان همانند دوره قبل بدون شک $URU \times A.ki$ در حوزه شوش بوده است. کنترل بر دشت شوشان بعد از سومین سال سلطنت ایبی-سین^{۳۱} وقتی که شیماشکی بر منطقه مسلط شده، از دست داده شد (Steinkeller, 2007: 239). شخصیت‌های محلی با نام‌های عیلامی در متون اواخر دوره سولگی تا ایبی-سین ذکر شده‌اند و برخی از اینها بر یک متن نوشته شده از شوش مربوط به ۱۸۰۰ ق.م در میان دوازده پادشاه شیماشکی وجود دارند (Stopler, 1984: 19-21; Gelb and Kienast, 1990: 317-18; Potts, 1999: 144-46). سومین پادشاه شیماشکی ابارات^{۳۲} یا یابرات^{۳۳} است، کسی که اغلب به بین‌النهرین با حالت تکریم آمده است (Steinkeller, 2001: 218-27). با این حال در زمان بعد از سومین سال سلطنت ایبی-سین، ابارات بصورت مختصر بر شوش کنترل داشت (De Graef, 2005: 99, 105-6, 112-13). ششمین پادشاه شیماشکی، کینداتو^{۳۴} پسر ابارات می‌باشد (Steinkeller, 2007: 221) و رهبر ارتش عیلامی که پایتخت اور را نابود و سلسله سوم اور را سرنگون کرد (Van Dijk, 1978). اکنون هیچ اشاره‌ای از $URU \times A.ki$ در متون مبنی بر گزارش ضعف و قدرت سالهای آخر کنترل اور III در زاگرس و ظهور سلسله شیماشکی وجود ندارد.

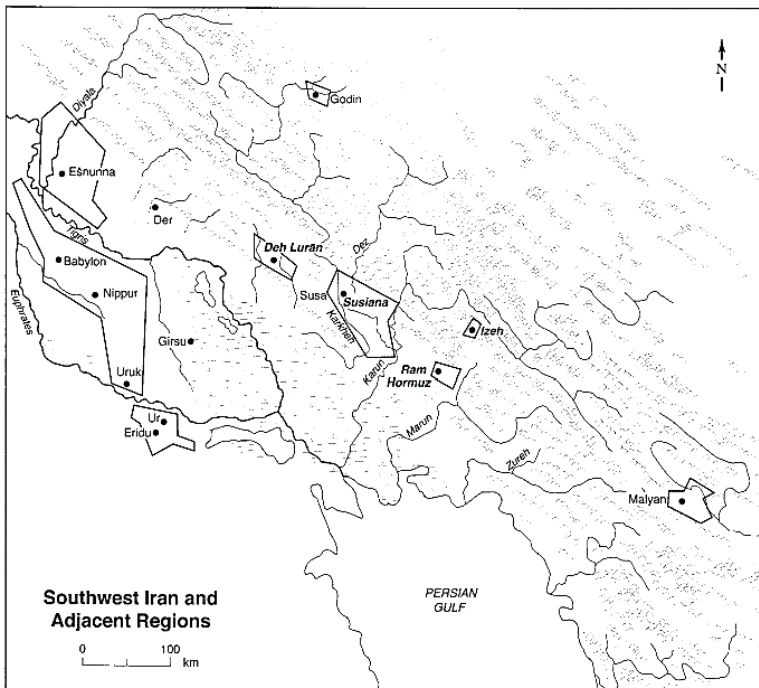
با آغاز هزاره دوم ق.م انواع اسناد و مدارک موجود در بین‌النهرین و مناطق اطراف تغییر پیدا می‌کند. در این دوره یکسری اشارات بر مکان‌های شرقی شوشان وجود دارد، اما چند اشاره نیز از مکان‌های $URU \times A.ki$ یا سومر وجود دارد (Cameron, 1936; Stopler, 1984). ولی در اواسط هزاره دوم ق.م در اشاره‌ای کوتاه به "آراوا"

که احتمالاً $URU \times A^{ki}$ ذکر شده در یک متن ادبی متعلق به پادشاه ایشی-آرا وجود دارد که اشاراتی از وابسته به یک محل نادر در طول هزاره سوم ق.م می‌باشد (Scheil, 1939: Texts 454:5, 424:12).

نظریات پیرامون جایابی اروای باستان

اولین کسی که به نام $URU \times A^{ki}$ با عنوانی شهری در جنوب غرب شوش اشاره کرده، پیتراستینکلر بود وی دلایلی را مطرح می‌کند که در متون نوشته شده در بین‌النهرین جنوبی به $URU \times A^{ki}$ با عنوان «/sag-Kul. e l a m^{ki}[ma]/ یا مستقیماً به نام عیلام اشاره دارند. وی اشاره می‌کند همانگونه که هوهنوری^{۳۵} در برخی منابع در کوهپایه‌های زاگرس در شرق خوزستان قرار گرفته، نام "انشان" هم هنوز در منطقه‌ای فراتر از جنوب غرب ایران است. از آنجا که مسیر زمینی قدیمی بین‌النهرین جنوبی به سمت شوش از طریق سومر به طرف جنوب و در امتداد کوهپایه‌های شمالی حدود خوزستان امروزی قرار می‌گیرد، $URU \times A^{ki}$ باید جایی بین سومر و جایی در امتداد عراق و شوش در خوزستان مرکز باشد که با این استدلال دشت دهلران تنها مجرای بزرگ آبیاری در این مسیر بود بنابراین $URU \times A^{ki}$ می‌بایست در دشت دهلران بوده باشد (Steinkeller, 1982: 240). همچنین وی اشاره می‌کند که نام $URU \times A^{ki}$ با قیر و چشمه قیر همراه بوده است (Marschner et al. 1978). در واقع یک چشمه بزرگ قیر^{۳۶} در حاشیه شمالی دشت دهلران نزدیک به موسیان قرار گرفته است، که از قدیم‌ترین دوران نوسنگی تا همین اواخر نیز استفاده شده است (Gregg et al. 2007: 126). الیزابت کارتر (Carter and Stolper 1984: 212, n. 275) به صراحت موسیان را $URU \times A^{ki}$ بیان کرده‌اند.^{۳۷} هرچند کارتر برای یکی دانستن اوان و تپه موسیان در دشت دهلران مدارک قانع‌کننده‌ای ارائه داده است (Carter, 1971: 230). این شواهد باعث شده که داگلاس فراین بپذیرد که این مکان در دشت دهلران قرار گرفته (Fraysn, 1992: 71). چند سال بعد او دقیق‌تر بیان کرد "که در پژوهش این

نویسنده به شدت نشان داد که $URU \times A^{ki}$ در فرخ آباد دشت دهلران قرار گرفته است" (Frayne, 1997:233). در ادامه بحث در ارتباط با دو تپه موسیان و فرخ آباد در دشت دهلران مورد ادامه می‌یابد تا نتیجه مناسبی در جهت نسبت دادن هر کدام از آنها به اروای باستانی از دیدگاه باستان‌شناسی مشخص شود.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی دشت دهلران (Wright and Neely 2010: 4)

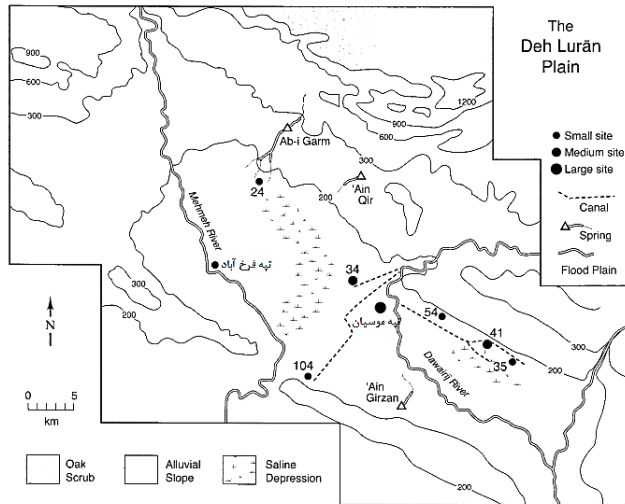
مطالعه و بررسی داده‌های باستان‌شناختی

دشت دهلران همواره یکی از مناطق مهم جهت مطالعات باستان‌شناسی از گذشته‌های دور بوده است. جی.ای. گوئیر و جی. لامپر نماینده هیأت باستان‌شناسی در ایران برای اولین بار دشت دهلران را در سال ۱۹۰۳ بررسی کردند. آنها در این بررسی در واقع مسیری را ادامه دادند که اولین بار ژاک دمورگان چند سال قبل از آنها این منطقه را بررسی کرده بود، که این مسیر به سمت غرب تا منطقه‌ی کرمانشاه از طریق پشتکوه

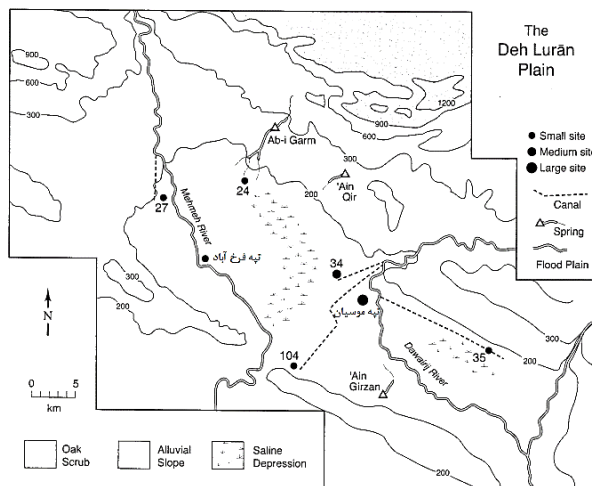
انجام شده بود که وظیفه‌ی اصلی آنها بررسی تپه‌ی بزرگ موسیان بود. آنها همچنین قبرستانی در نزدیکی تپه علی آباد را بازدید و حفاری کردند. تعداد دیگری از محوطه‌های واقع در بخش مرکزی دشت نیز بررسی شد که به صورت یک توصیف مختصر و یک نقشه ارائه شده‌اند (Gautier and Lampre, 1905:60-62, Fig.94).

نزدیک به ۶۰ سال بعد، رابرت بریدوود رئیس پروژه پیش از تاریخ و هربرت رایت سرپرست یکی از پروژه‌های زمین‌شناس دانشگاه شیکاگو، دهلران را با هدف تخمین احتمالی تعداد محوطه‌هایی که به عنوان روستاهای اولیه بررسی کرد که دارای فرایند اهلی سازی گیاهان و حیوانات هستند (Wright and Neely, 2010: 3). در سال بعد فرانک هول و کنت فلانری با هدف بررسی و حفاری آزمایشی در محوطه‌ای که امروزه "تپه علی کش" خوانده می‌شود از این دشت بازدید کردند. از آنجا که هول و فلانری از یادداشت‌های بریدوود یک کپی تهیه کرده بودند آنها فرض کردند که کمتر از ۲۰ محوطه را بررسی کرده‌اند و ۱۴ محوطه که در مرکز دشت بررسی کردند شماره‌های DL-20 تا DL-33 را ارایه دادند (Hole and Flannery, 1962). در سال ۱۹۶۳ هول پروژه‌ی باستان‌شناسی دانشگاه رایس را ایجاد کرد و با فلانری و جیمز نیلی دوباره به ایران بازگشت. هدف نیلی انجام حفاری‌های بزرگ در تپه علی کش و بعد از آن تپه سبز که مرتبط با آغاز کشاورزی بود (Hole, Flannery, and Neely, 1969) (تصویر ۲ و ۳). در این دشت تا این زمان بررسی رسمی انجام نگرفته بود. در اوایل سال ۱۹۶۹ هنری رایت از طرف موزه‌ی مردم شناسی دانشگاه شیکاگو برای یک فصل حفاری در فرخ آباد به این دشت آمد (Wright, 1981). تیم فرخ آباد از تعدادی از محوطه‌ها بازدید کردند اما تعداد کمی از آنها را شماره‌گذاری کردند. در عوض بیشتر این محوطه‌ها در سال ۱۹۶۹ توسط تیم نیلی بازدید و توسط نیلی شماره‌گذاری شدند. هم مطالعات نیلی و هم حفاری همزمان فرانک هول در چغاسفید (Hole, 1977) توسط کمک‌های مالی بنیاد ملی علوم حمایت می‌شود (GS-).

2194). در ادامه بحث محوطه‌های باستانی که با توجه به داده‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی و بررسی‌ها می‌توانند اروای باستانی باشند معرفی و مطالعه می‌شوند.^{۳۸}



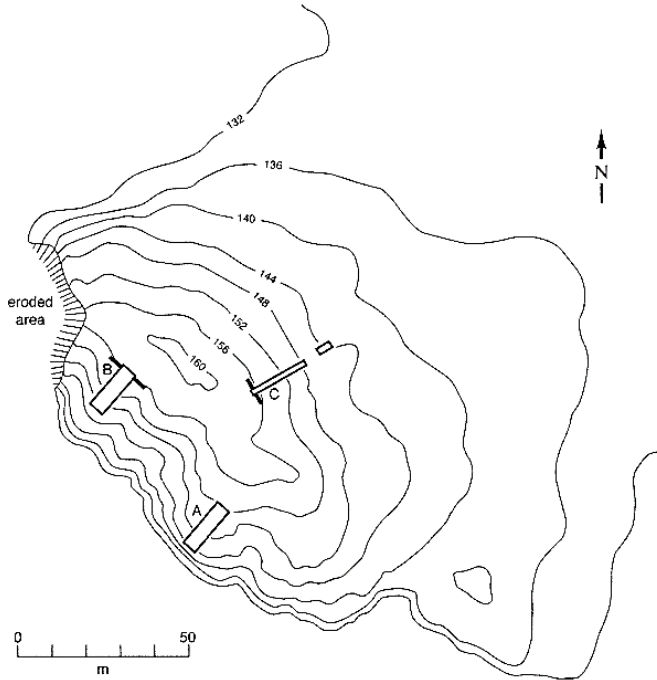
تصویر ۲- نقشه محوطه‌های دشت دهلران مربوط به دوران اوان (Wright, 2010: 85)



تصویر ۳- نقشه محوطه‌های دشت دهلران مربوط به دوران شیماشکی (Ibid: 86)

تپه فرخ آباد

تپه فرخ آباد یا فروخ آباد در در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ شمالی، طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۱۱ شرقی و در مجاورت رودخانه میمه قرار دارد. این تپه حدود ۲۵ متر از سطح زمین‌های اطراف ارتفاع دارد. ابعاد آن ۱۴۵×۲۰۷ متر است (Wright and Neely 2010: 51) (تصویر ۴). گزارش رایت (1981) از حفاری سال ۱۹۶۸ در تپه فرخ آباد اطلاعات مفصلی مرتبط با ویژگی‌های معماری و موضوعات دیگر را فاش کرده است. کارهای میدانی و تجزیه و تحلیل شواهد نشان می‌دهد که محوطه به صورت نامتناوب در طول ۱۵ مرحله‌ی فرهنگی استقرار داشته است. در فاز اولیه III (Wright, 1981: 164-94) ارتفاع تپه به ۱۵۶ متر بالاتر از سطح دریا یا ۲۲ متر بالاتر از سطح استقرار شده آن زمان قرار گرفته است. احتمالاً تا حدودی اندازه تپه در اوایل سلسله اولیه ۱ و ۲ کاهش یافته اما هنوز هم خانه‌هایی استادانه ساخته شده‌اند و نیز خانه‌هایی در حد متوسط وجود داشته‌اند. فرخ آباد آشکارا تا پس از فاز شیماشکی رها شد، سال ۲۱۰۰ ق.م زمانی است که این تپه تا حدی به صورت یک روستای متوسط استقرار شده است. استقرار عیلامی در این محوطه بیشتر در ادامه‌ی فاز سوکالماخ ادامه پیدا کرد (Carter, 1981: 200-223)، اما این تپه بسیار کوچکتر و متمرکز بوده و حداقل در اواخر این دوره بیضی شکل و دارای برج و بارو بوده و در حدود ۱۶۰۰ ق.م این وضعیت بطور مشابه توسط استقرار کوچکی از فاز اوایل عیلام میانه که متشکل از خانه‌های متوسط بود، ادامه پیدا کرد. این فاز که در حدود ۱۵۰۰ ق.م پایان یافت در این زمان تپه به کمی بیش از ۱۶۰ متر بالاتر از سطح دریا و ۲۶ متری از سطح دشت رسیده است (Wright and Neely 2010: 52).



تصویر ۴- توپوگرافی تپه فرخ آباد (Wright ed. 1981)

تپه موسیان

تپه موسیان یا ماو سیان در عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۳ شمالی، طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۱۲ شرقی واقع شده است. این محوطه با ۱۷/۵ ارتفاع از سطح زمین‌های اطراف بزرگترین تپه باستانی دشت دهلران و حتی جنوب غرب ایران است. ۳۹ مساحت آن ۵۵۰×۵۵۰ متر است (Neely and Wright, 1994: 57) (تصویر ۵). تنها کاوش‌های این تپه به وسیله گوئیر و لامپر در سال ۱۹۰۳ تحت عنوان کاوش E و خلاصه جوزف کالدول از برش فرسایشی بزرگ در شمال غرب محوطه صورت گرفته است که در مجموع مشخص شد که تپه موسیان از فاز محمد جعفر (حدود ۷۰۰۰ ق.م.) تا اوایل دوره اسلامی (۱۲۵۰ میلادی) دارای استقرار بوده است (Gautier and Lampre, 1905: 69; Caldwell, 1968: 349). در طی بررسی نیلی و رایت مشخص شد که

بسیاری از جزئیات سطحی این محوطه مربوط به تمام هزاره دوم ق.م و ساخت و سازهای بعدی بر روی این محوطه نسبت داد، اما شکل و ترکیب اصلی آنها مربوط به هزاره سوم ق.م است (Neely and Wright, 1994: 57-66). همچنین در طی بررسی آنها آجرهای پخته احتمالاً مربوط به هزاره دوم ق.م به صورت گسترده بر سطح محوطه پراکنده بدست آمده است. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که موسیان در اواخر استقرار خود در نقاط مختلفی توسط دیوار بزرگی احاطه شده و راه ورودی به صورت واضح در غرب آن قابل مشاهده است. اینکه آیا پایه‌های این دیوار متعلق به آخرین زمان محوطه که در طول فاز ایلامی سوکالماخ در اوایل هزاره دوم ق.م استقرار بزرگی بوده یا متعلق به زمان قدیم‌تر از فاز عیلامی شیماشکی یا در دوره سلسله اولیه یا قبل‌تر بوده تنها با حفاری حل می‌شود. با این حال این احتمال وجود دارد که این دیوار در طول فازهای ایلامی حفظ شده باشد (Neely and Wright, 2010: 25).



تصویر ۵- توپوگرافی تپه موسیان (Neely and Wright, 2010: 27).

بحث و برآیند

در متون ایلامی بین تاریخ ۲۵۵۰ تا ۲۰۰۰ ق.م به منطقه‌ی باستانی اروا اشاره شده است. اروا مرکز یک ایالت کوچک در ارتباط با دیگر ایالات‌های مناطق بزرگ بوده است. این شهر در زمان‌های مختلف به ائتلاف‌های گوناگون پیوسته است، برخی زمان‌ها شاهد درگیری، جنگ و کشتار بوده و در زمان‌های دیگری محل مبادله و صادرات بوده است. بعد از پایان سلسله سارگون، کنترل بر دشت شوشان (حدود اواخر این دوره) برقرار شد و اروا فرماندار مخصوص به خود را داشته، هر چند روابط نزدیکی با شوش هنوز هم وجود داشته است.

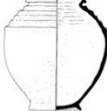
به طور کلی با دلایلی که توسط پژوهشگران و نیز در این مقاله نیز ذکر شده، منطقه‌ی دهلران با توجه به ویژگی‌ها و شواهد اشاره شده در متون به عنوان اروای باستان مکان یابی شده است. در بعضی از منابع نام اروا با صادرات قیر به دیگر مناطق همراه بوده است، که باید اشاره کرد که تنها چشمه‌ها و منابع قیر در این محدوده در قسمت شمالی دشت دهلران واقع شده است. همچنین شهر یا منطقه اروا در بیشتر متون به صورت منطقه‌ای پر رونق بوده به طوری که از این منطقه نقره، قلع، جو و گندم و سایر اقلام به سایر مناطق صادر می‌شده است.

ما در این پژوهش دو تپه‌ی مهم باستانی موسیان و فرخ آباد را در دشت دهلران مورد بررسی قرار دادیم که ساختارها و مواد فرهنگی آنها دال بر وجود استقرار عیلامی بر سطح آنها بوده است. به طور کلی به نظر می‌رسد که تپه موسیان در طول بیشتر سلسله اولیه، شهر مرکزی غالب در دشت دهلران بوده است. در منطقه دهلران قیر استخراج شده و سنگ چرت، چوب و دیگر تولیدات را به صورت محلی صادرات می‌کردند. بنا به گفته‌ی رایت و نیلی جمعیت مستقر در دهلران در طول سلسله‌های اولیه ۵۰۰۰ نفر بوده است که ۳۰۰۰ نفر از آنها در موسیان ساکن بوده‌اند (Neely et al. 2010: 107)، که خود دال بر اهمیت این محوطه در آن زمان دارد. در نتیجه در یک ایالت کوچک در

دشت دهلران با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی مناسب خود مسیری مهم برای رونق تجارت و صادرات شکل گرفته است. با توجه به شواهد موجود موسیان در دوره ی شیماشکی دوباره به عنوان مرکز دشت انتخاب شده است. در صورتی که محوطه ی فرخ آباد هم تعدادی روستای کوچک تا دوران جدیدتر به حیات خود ادامه داده- اند. با توجه به شواهد و مدارک ناچیز از حفاری در فرخ آباد در رابطه با امرار معاش یا صنایع و مواد فرهنگی (به ویژه سفال) در دوران جدیدتر جمعیت آن به وسیله ی حفاران بالغ بر ۴۶۰۰ نفر تخمین شده است (Redding, 1981: 238). در جدول پایین دو محوطه ی موسیان و فرخ آباد از نظر داده‌های سفالی در طول دوران اواخر سلسله ی اولیه تا عیلام نو با یکدیگر مقایسه شده‌اند (جدول ۱). شواهد باستانشناسی نشان می‌دهد که در طول دوران‌های شیماشکی و سوکالماخ موسیان آباد باقی مانده و رونق خود را داشته است همچنین تعدادی شهر کوچک و دهکده‌هایی شامل تپه ی بولاه و تپه ی پتک در جنوب شرق دشت نیز وجود داشته است. اما در طول اوایل عیلام میانه، مرکز اصلی دشت از موسیان به تپه‌ای در نزدیکی آن (تپه گاران) منتقل می‌شود، برخی دهکده‌ها متروک می‌شوند و برخی دیگر مانند فرخ آباد به دهکده‌ای بسیار کوچک تبدیل می‌شوند. فرخ آباد در طول استقرار فاز شیماشکی به نظر می‌رسد که روستای کوچک تحت پوشش را شامل می‌شده است. به نظر می‌رسد انتساب تپه فرخ آباد به اروای باستانی بعید به نظر می‌رسد، زیرا با توجه به گفته حفاران آن فرخ آباد در طول این دوره بطور کامل کوچک شده و قابلیت انتساب به یک شهر باستانی را ندارد (Wright et al. 1981:97-99). به طور کلی محتمل‌ترین گزینه برای منتسب به اروای باستان، تپه ی موسیان است، که در طول این دوره موسیان به عنوان پایتخت و واحد سیاسی مستقلی در منطقه تبدیل شده بود، به طوری که بیشتر متون و شواهد دال بر صحت این موضوع هستند.

در پایان باید اشاره کرد که با توجه به اهمیت این موضوع به نظر می‌رسد انجام یک کاوش هدفمند با چنین موضوعیتی در دشت دهلران می‌تواند راهکار مناسبی در جهت پی بردن به این سوال باشد.

جدول ۱- جدول مقایسه‌ای سفال‌های محوطه موسیان و فرخ آباد در طول دوران اواخر سلسله اولیه تا ایلام نو (نویسندگان)

تپه فرخ آباد	گاهنگاری	تپه موسیان
	اواخر سلسله اولیه	
	سیمانی	
	سوکالماخ	
	عیلام نو	

پی‌نوشت‌ها

- ۱- Šulgi
- ۲- Girsu
- ۳- Arawa
- ۴- Enmebargesi(EniŠibbargaei)
- ۵- Eannatum
- ۶- Eannatum
- ۷- Lagaš
- ۸- Manišusu
- ۹- Naram-Sin
- ۱۰- Rimuš
- ۱۱- Qablutum

۱۲- فرانسوا والا پیشنهاد می‌کند که اوان بیشتر زاگرس مرکزی را تحت پوشش داشته است (Vallat, 1993: 97). پاتس استدلال می‌کند برای منطقه‌ی محدودتر لرستان که هم شامل پشتکوه و نیز پیشکوه است (Potts, 1999: 97-98). میچالوفسکی به تازگی با استفاده از متون موجود، حدس می‌زند که اوان یک واحد سیاسی در شمال

شرق، شاید قسمت‌هایی از شمال شرق شو‌شان و مرکز زاگرس را کنترل می‌کرده است. هیچ یک از این استدلال‌ها قاطعیت ندارد. موقعیت اوان که آیا شهر بوده یا ناحیه یا یک ائتلاف زودگذر مشخص و معلوم نیست (Michalowski et al, 2008: 270).

۱۳- یکی از موارد بحث برانگیز مربوط به «شیماشکی»، تشخیص موقعیت جغرافیایی آن است. به طوری که نظریات فراوانی در این رابطه مطرح شده است. گروهی موقعیت جغرافیایی شیماشکی را جایی در اطراف دشت خوزستان می‌دانند. عده‌ای نیز در منطقه‌ای دور تر قرار می‌دهند. از جمله هرتسفلد آن را در منطقه‌ای میان گلیایگان و اصفهان (Herzfeld, 1968, PP. 179-80)، «زادورک» آن را بین فارس و دریای خزر (Potts, 1999, P. 103) و فرانسوا والا آن را در منطقه کرمان (Vallat, 1985, PP. 50-2) قرار داده است که نظریه والا توسط داده‌های جدید رد شده است (نیکنمی و رفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

- ۱۴ Kiš
- ۱۵ Akšak
- ۱۶ Mari
- ۱۷ Subir
- ۱۸ ēnsi
- ۱۹ Šu-nir
- ۲۰ Entemena
- ۲۱ Ningirsu
- ۲۲ Lugalanda
- ۲۳ UrukAgina
- ۲۴ Adab
- ۲۵ Manišṭusa
- ۲۶ arkališrriš
- ۲۷ Ur-Namma
- ۲۸ Puzur-Inšušinak
- ۲۹ Amar – Sin
- ۳۰ Gun
- ۳۱ Ibbi-Sin
- ۳۲ Ebarat
- ۳۳ Yabarat
- ۳۴ Kindattu
- ۳۵ uhnuriĪ

- ۳۶- عین القیر؛ این چشمه هم اکنون در دشت دهلران در جریان است و از سوی سازمان میراث فرهنگی به یک منطقه توریستی جهت بازدید علاقه‌مندان تبدیل شده است.
- ۳۷- البته در برخی منابع ترجمه شده به فارسی این اظهار نظر برعکس ترجمه شده است. بدین گونه که اخیراً «استینکلر» (۱۹۸۲)، از روی کارهای کارتر (۱۹۸۴)، موسیان را با اروای باستان یکی دانسته است (شاخت، ۱۳۸۲: ۳۵۴). آنچه که از این مطلب استنباط می‌شود اینکه استینکلر در مقاله سال ۱۹۸۲ که به چاپ رسیده از مقاله کارتر در سال ۱۹۸۴ به عنوان منبع استفاده کرده است!
- ۳۸- با توجه به دوره ی مورد نظر در این پژوهش و در جهت جلوگیری از پراکنده گویی تنها دوران ایلامی این محوطه‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.
- ۳۹- دکتر ملک شهمیرزادی در کتاب خود عنوان می‌کند که: تپه موسیان جزو بزرگترین تپه‌های باستانی [خوزستان] ایلام کنونی است» (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

فهرست منابع

۱. پاتس، دنیل تی، (۱۳۸۵)، **باستان‌شناسی ایلام**، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، تهران.
۲. ساخت، رابرت، (۱۳۸۱)، **فرهنگ‌های تاریخی اولیه**، در باستان‌شناسی غرب ایران، ویراستار فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت، ۳۴۰-۴۰۴.
۳. مجید زاده، یوسف، ۱۳۷۰، **تاریخ و تمدن ایلام**، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۴. مرادی، ابراهیم، (۱۳۹۳)، **مکان یابی مرهشی باستان براساس داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی**، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱، دانشگاه تهران، ۹۹-۱۱۰.
۵. مظاهری، خداکرم، بهرام کریمی، (۱۳۹۳)، **سفال دوره شیماشکی در دره‌ی سیمره؛ براساس مطالعه موردی قلعه زینل و غارت مالگه**، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱، دانشگاه تهران، ۱۲۹-۱۴۸.
۶. نیکنامی، کمال الدین و بابک رفیعی علوی، (۱۳۸۸)، **چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد؟**، مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره اول، شماره نخست، دانشگاه تهران، ۱۹۹-۲۱۵.

1. Carter, Elizabeth. 1971. *Elam in the Second Millennium B C. The Archaeological Evidence*. PhD dissertation in Near Eastern Studies, University of Chicago.
2. Carter, Elizabeth, and Matthew Stolper. 1984. *Elam: Surveys of Political History and Archaeology*. Berkeley, CA: University of California Press.
3. Cameron, George G. 1936. *History of Early Iran*. Chicago'. University of Chicago Press.
4. Dahl, Jacob. 2007. *The Ruling Family of Umma*. Istanbul: Netherlands Historisch-Archeologisch Instituut Te Istanbul.
5. De Graef, Katrien. 2005. *Les archives dilgibuni: Les documents Ur III du chantier B à Suse*. M6moires de la Del6gation en Perse 54. Gand: L'Universit6 de Gand.
6. Foxvog, D.A. 1980. Funerary furnishings in an Early Sumerian text from Adab. Papers read at the XXVIe Rencontre Assyriologique Internationale, edited by Bendt Alster. M: esopotamia: *Copenhagen Studies in Assyriology* 8: 67-75.
7. Frayne, Douglas R. 1991. *The Royal Inscriptktns of Mesopotamia I: The Presargonic Period 2700-2350 B.C.* Toronto: University of Toronto Press.
8. Frayne, Douglas R. 1992. *The Early Dynastic List of Geographical Names*. American Oriental Series 74. New Haven, Conn.: American Oriental Society.

9. Gelb, Ignace J., and B. Kienast. 1990 *Die altakkadischen Königschri; ften des dritten Jahrtausendsr.* Chr. Freiburger altorientalische Studien 7. Stuttgart: Franz Steiner.
10. Genoulliac. Henri de. 1911 *Textes cuneiform de Louyre 11.* Paris: Paul Geuthner.
11. Goetze, Albrecht. 1961. Early kings of Kish. *Journal of Cuneiform Studies* 15:105-11.
12. Gregg, Michael W., Rhea Brettell, and Benjamin Stern. 2007. *Bitumen in Neolithic Iran: Biomolcular and isotopic evidence.* In *Archaeological Chemistry: Analytical Techniques and Archaeological Interpretation*, edited by Michael Giasscock, Robert J. Speakman, and Rachel S. Popelka-Filcoff, pp. 137-51. American Chemical Society Symposium Series 968. New York: American Chemical Societv.
13. Griffiths, Huw W., Antje Schwalb, and Lora R. Stevens. 2001. Environmental change in southwestern Iran: The Holocene ostracod fauna of Lake Mirabad. *The Holocene* 11:757-64.
14. Hansman. John. 1972. Elamites, Achaemenians and Anshan. *Iran* 10:101-24.
15. Herzfeld, Ernst, 1968, *the Persian Empire Studies in Geography and Ethnography of the Ancient Near East*, Franz Steiner Verlag GMBH, Wiesbaden.
16. Hole, F., K. V. Flannery, and J. A. Neely. 1969. *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain: An Early Village Sequence from Khuzistan*, Iran. Memoirs, Museum of Anthropology, University of Michigan 1. Ann Arbor:University of Michigan Press.
17. Jones, TomB, and John W. Snyder. 1961 *Sumerian Economic Texts from the Third Ur Dynasty.* Min-neapolis: University of Minnesota Press.
18. Kirkby, Michael. 1977. *Land and water resources of the Deh Luran and Khuzistan Plains.* In *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain: The Excavation of Chagha Sefid*, by F.Hole, pp. 251-88. Memoirs, no. 9. Ann Arbor: Museum of Anthropology, University of Michigan.
19. Kirkby, Michael J., and Anne V.T. Kirkby. 1969. *Provisional report on geomorphology and land use in Deh Luran and Upper Khuzistan.*In *Preliminarl Reports of the Rice University Project in Iran1968-1969*,edited by Frank Hole, pp.1-8.Houston: Rice University.
20. Marschner, Robert F., Leo J. Duffy, and Henry T. Wright. 1978 Asphalts from ancient townsites in southwestem Iran. *Paleorienr* 4:97-112.
21. Michalowski. P and Miroschedji. P. And Wright. H. 2010. *Textual Documentation of the Deh Lurän Plain: 2550-325 B.c..*in H. Wright and J.A. Neely. (ed). *Elamite and Achaemenid Settlements on the Deh Luran Plain: Towns and Villages of the Early Empires in Southwestern Iran.* Monograph,Museum of Anthropology, University of Michigan47. Ann Arbor: University of Michigan Press.

22. Neely, J. A. 1974. "Sasanian and Early Islamic Water-Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Iran," in T. E. Downing and McG. Gibson, eds., *Irrigation's Impact on Society*. Anthropological Papers of the University of Arizona 25. Tucson: University of Arizona Press, 21-42.
23. Neely, J. A. 2003. "Sassanian and Early Islamic Water Control and Irrigation Systems on the Deh Luran Plain, Southwestern Iran," in M. G. Morony, ed., *Production and the Exploitation of Resources, the Formation of the Classical Islamic World*, Vol. 11 Hampshire: Ashgate Publishing Ltd., 291-310.
24. Postgate, John Nicholas. 1992. *Early Mesopotamia*. London: Routledge.
25. Potts, Daniel T. 1999. *The Archaeology of Elam*. Cambridge: Cambridge (University) Press.
26. Redding, Richard W. 1981. *The faunal material*. In *An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavation at Tepe Farukhabad*, pp. 233-61, 391-425. *Memories*, no.13. Ann Arbor: Museum of Anthropology University of Michigan.
27. Reiner, Erica. 1973. The location of Ansan. *Revue Assyriologie* 67:57-62.
28. Rowton, Michael B. 1960. The date of the Sumerian King List. *Journal of Near Eastern Studies* 1912:156-62.
29. Scheil, Vincent. 1913. *Textes Elamites-semitiques*. *Mmoires de la Ddlogation en Perse*, Tome XIV. Paris: Le Roux.
30. Scheil, Vincent. 1939. *Mlanges dpigraphiques*. *Mmoires de la Mission Archdologiques en Perse*, Tome XXVIII. Paris: Le Roux.
31. Selz, Gebhard J. 1989. *Altsumerische Verwaltungstexte aus Lagas*. Frteburger Altorientalische Studien, Band 15/1. Stuttgart: Steiner.
32. Selz, Gebhard J. 1991. "Elam" und "Sumer." In *Mesopotamie et Elam*, edited by Leon de Meyer and Hermann Gasche, pp. 27-43. *Mesopotamian History and Environment*, Occasional Publications No.1. Ghent: Recherches et Publications.
33. Sigerist, Marcel. 1988. *Neo-Sumerian Account Texts in the Horn Archaeological Museum*. Benien Springs, Michigan: Andrews University Press.
34. Sigerist, Marcel. 1990. *Messenger Texts from the British Museum*. Potomac, Maryland: Capital Decisions.
35. Sollberger, Edmond. 1956. *Corpus des inscriptions "royales" prsargoniques de lagas*. Genëve: E. Droz.
36. Stevens, Lori R., Emi Ito, Antje Schwalb, and Herbert E. Wright, Jr. 2006. Timing of atmospheric precipitation in the Zagros Mountains inferred from a multiproxy record from Lake Mirabad, Iran. *Quaternary Research* 66:494-500.
37. Steinkeller, Piotr. 1982. The question of Marlaši: A contribution to the historical geography of Iran in the third millennium B.C. *Zeitschrift für Assyriologie* 72: 237-65.

38. Steinkeller. Piotr. 2007. New light on Simaski and its rulers. *Zeitschrift fir Assyriologie und vorderasiatische Archäologie* 97 /2:215-32.
39. Stolper, Matthew W. 1984. *Political history*. In *Elam: Surveys of Political History and Archaeology*, by Elizabeth Carter and Matthew W. Stopler, pp. 3-100. University of California Publications, Near Eastern Studies No 25. Berkeley: University of California press.
40. Sumner. William. M. 1974. Excavations at Tal-I Malyan 1971-1972. *Iran* 12:155-80.
41. Szarzyńska, Krystyna. 1996. Archaic Sumerian standards. *Journal of Cuneiform Studies* 48:1-15.
42. Thureau-Dangin, François. 1910. *Inventaire des Tablettes de Telloh*. Vol. 1. Paris: Le Roux.
43. Vallat, François. 1980. *Sase et l'Elam. Recherches sur les Grands Civilisations*. Association pour la diffusion de la pensée Française. Paris: Editions du CNRS.
44. Vallat, François. 1993. *Les noms géographiques des sources suso-élamites. Répertoire Géographiques des Textes Cuneiformes* 11. Weisbaden: F. Reichert.
45. Vallat, François, 1998, "The History of Elam", In *Encyclopædia Iranica*, Vol. 8, Fasc. 3, edited by E. Yarshater, PP 302-313, Mazda Publishers, Costa Mesa, California.
46. Van Dijk, J. 1978. Ishbierra, Kindattu, l'homme d'Elam, ET la chute d'Ur. *Journal of Cuneiform Studies* 30:189-208.
47. Van Zeist, Willem, and Sitse Bottema. 1917. Palynological investigations in western Iran. *Palaeohistoria* XIX: 19-85.
48. Watson, Richard A., and Herbert E. Wright, Jr. 1969. The Saidmarreh landslide, Iran. *Geological Society of America*, Special Paper 123: 115-39.
49. Wilke, C. 1987. *Inschriften 1983-1984*. In *Isin-Ishan Babriyat III*, edited by B. Hrouda, pp. 83-120. Philosophische-historische Klasse. Abh N.F. 94. Munich: Bayerische Akademie der Wissenschaften.
50. Wright, H. T., and J. A. Neely, editors. 2010. *Elamite and Achaemenid Settlements on the Deh Luran Plain: Towns and Villages of the Early Empires in Southwestern Iran*. Monograph, Museum of Anthropology, University of Michigan 47. Ann Arbor: University of Michigan Press.
51. Zadok, R. 1994. Elamites and other peoples from Iran and the Persian Gulf region in early Mesopotamian sources. *Iran* 32: 31-51.

خاستگاه خط، ایلام و سومر یا کرانه‌های کویر لوت

رحیم تیزی^{۱*}

چکیده

در آسیای جنوب غربی، پنج هزار سال (از هزاره هشتم تا سوم پیش از میلاد) طول کشید تا انسان‌های کوچ رو و شکارگر، محل‌های استقرار خود را به صورت شهرهای کوچکی درآوردند. این در حالی است که، در آسیای میانه فعلاً بیش از هفت هزار سال فرهنگ موثر و چیزی در حد پنج هزار سال تمدن نمی‌شناسیم و هنوز هم نمی‌دانیم که بهره‌گیری از پاره‌ای علائم در پیش از تاریخ آسیای مرکزی به ویژه در نمازگاه تپه و حوزه‌ی فرهنگی ماوراءالنهر به عنوان نوعی خط و نوشته تحقق یافته (یا اساساً این علائم پندارنگاری نبوده) و یا بر حسب اتفاق روی پاره‌ای از اشیاء از جمله تندیس‌ها درج و یا حک شده است.

در پاره‌ای از نقاط از جمله در فرهنگ دره‌ی سند که به گفته‌ی میکائیل راف (در اطلس فرهنگی بین‌النهرین و خاور نزدیک باستان) قدیمی‌ترین نمونه‌ی خط در این نقطه از جهان به نمایش گذاشته شده، فاصله‌ی زمانی آغاز شهرنشینی مردم آن خطه، تا آغاز اختراع خط در بین آنان مشخص نشده است.

یافته‌های دکتر یوسف مجید زاده در حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود و دکتر سید منصور سید سجادی در حوزه‌ی فرهنگی شهر سوخته و علی حاکمی در شهداد و دیگر پژوهشگران در سایر محوطه‌های فرهنگی کرانه‌های شرقی ایران پهناور نیز، هنوز ما را به آن باور نرسانده تا به نظریه‌ی پرداخته شده پیرامون خاستگاه خط و آثار نگارش پای فشرده شود. اساساً پیرامون خاستگاه خط این مهم‌ترین اختراع یا ابداع بشر، تحقیق کافی به عمل نیامده است. با وجود اینکه نمی‌توان تصور کرد مادها فاقد فرهنگ نوشتاری بوده‌اند، مع الوصف پیرامون آن نیز حرکت موثری انجام نشده است.

^{۱*} - ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، باستان‌شناس آزاد.

هنوز به راستی معلوم نیست تمدن سومر در غرب ایران که از ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد رخ نموده و در آن (مراکز شهری عدیده) تشکیلات اجتماعی متنوع و از همه مهم تر خط و تجارت شکل گرفته از تمدن و تاریخ ماوراءالنهر و خوارزم و نیز مناطق شرقی ایران پیشی داشته است یا اساسا تمدن و تاریخ مردم ایلام که به نظر دکتر عزت الله نگهبان و دیگر پژوهشگران این رشته در غرب، ایلام را مبتکر نخستین خط الفبایی تاریخ بشر شناخته اند، گوی سبقت را از هر دو مراکز تمدن مذکور ربوده است.

واژگان کلیدی: سومر، ماوراءالنهر، نمازگاه تپه، جمدت نصر، توپراک قلعه

مقدمه: در فاصله پایان پلیستوسین PLEISTOCENE (تقریباً نهصد هزار سال پیش) تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد در کل جوامع ابتدایی به ویژه در آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی و کرانه های شرقی کویر لوت رویدادهای بی شماری رخ داد که در ارتباط با یکدیگر بسیار با اهمیت بوده اند. انسان هایی که شاید سه میلیون سال در سطحی برابر زندگی می کرده اند در قرون واپسین عصر نوسنگی ناگهان به خود آمدند و با ساخت ابزارهای متنوع سنگی وارد انقلابی که «گوردن چالد» آنرا انقلاب نوسنگی خوانده است - شده اند (بهمروز، ۱۳۷۴). اگر منشاء تمدن را شهر نشینی و آغاز تاریخ را اختراع خط بدانیم بایستی ببینیم که چگونه و از چه زمانی مردم یک نقطه - محل های استقرار خود را به صورت شهر درآوردند و یا خطی را اختراع و یا تکامل بخشیدند .

بررسی های باستان شناسی نشان می دهد ساکنان آسیای جنوب غربی از هزاره ی هشتم تا سوم پیش از میلاد توانستند محل های استقرار خود را به صورت شهرهای کوچکی درآورند، این در حالی است که در آسیای میانه با بیش از هفت هزار سال فرهنگ موثر، چیزی در حدود پنج هزار سال تمدن نمی شناسیم. هنوز برای ما روشن نیست که بهره گیری از پاره ای از علائم در پیش از تاریخ آسیای مرکزی به ویژه در نمازگاه تپه و حوزه ی فرهنگی ماوراءالنهر به عنوان نوعی خط و نوشته تحقق یافته (یا اساسا این علائم پندارنگاری نبوده)، بر حسب اتفاق روی پاره ای از اشیاء از جمله تندیس ها درج

و یا حک شده است. در فرهنگ دره ی سند که به گفته ی میکائیل راف، قدیمی ترین نمونه خط در این نقطه از جهان به نمایش گذاشته شده، فاصله ی زمانی آغاز شهرنشینی مردم آن خطه، تا آغاز اختراع خط در بین آنان مشخص نشده است (راف). یافته‌های دکتر یوسف مجید زاده در حوزه ی فرهنگی هلیل رود و دکتر سید سجادی در حوزه ی فرهنگی شهر سوخته و علی حاکمی در شهداد و دیگر پژوهش گران در سایر محوطه‌های فرهنگی کرانه‌های شرقی ایران نیز، هنوز ما را به آن باور نرسانده تا به نظریه پرداخته شده پیرامون خاستگاه خط پای فشرده شود.

خاستگاه خط

اساساً پیرامون خاستگاه خط، این مهم‌ترین اختراع یا ابداع بشر، تحقیق کافی به عمل نیامده است. با وجود اینکه نمی‌توان تصور کرد مادها فاقد فرهنگ نوشتاری بوده‌اند، مع الوصف پیرامون آن حرکت موثری انجام نشده است. هنوز به راستی معلوم نیست تمدن و تاریخ ایلام (که به گفته عزت الله نگهبان نخستین الفبای تاریخ بشریت در شوش ابداع شده) و سومر در غرب ایران که از ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده و در آن (مراکز شهری عدیده) تشکیلات اجتماعی متنوع و از همه مهم‌تر خط و تجارت شکل گرفته بر تمدن و تاریخ مناطق شرقی ایران پیشی داشته است یا اساساً تمدن دره ی سند چون هاراپا، موهنجودارو، حوزه فرهنگی پیش از تاریخ شیدا، شهداد، شهر سوخته و هلیل رود در شرق ایران گوی سبقت را از هر دو مراکز تمدن مذکور ربوده است ؟

تپه حصار

اگر چه ما نمونه خط پیش ایلامی، یا آثار متاخر ساخته شده در بین النهرین را در خیلی از نقاط شرقی ایران مشاهده کرده‌ایم ولی هنگامی که ما مثلاً سنگ لاجورد بدخشان در شمال افغانستان فعلی را با قدمتی بیشتر به عنوان یک سنگ قیمتی در محل‌هایی که اساساً معدن آن وجود ندارد (بین النهرین) می‌یابیم و یا مسیر جاده ابریشم

را از کنار رودخانه زرد تا حصار، ری، سیلک، زاغه، همدان و بین النهرین و سپس در سایر نقاط دنیا رد می گیریم، برداشت ما درباره ی سیر تکامل تمدن این نقاط چگونه خواهد بود؟ «ام.ای.ال. مالووان» در کتاب بین النهرین و ایران باستان (مالووان، ۱۳۷۲). نوشته است:

شواهد باستان شناسی در مورد تجارت کاروان های قدیمی در امتداد این مسیر مبتنی بر حفاری های تپه حصار است. کشف مقادیر معتدبهی مهره ها خصوصا سنگ لاجورد در این مسیر مؤید این ادعا است که می بایستی این مسیر، شاه راهی باشد. برای انتقال سنگ لاجورد معادن بدخشان در شمال افغانستان به وادی دجله. این تجارت ممکن است از اواخر دوره ی اروک (۳۴۰۰ سال قبل از میلاد) که ما آن را به دوره ی جمدت نصر می شناسیم شروع شده باشد. علاوه برم.ای.ال. مالووان که در نحوه ی حک مهره ها در زمان واحد (۳۵۰۰ سال قبل از میلاد) در بین النهرین و ایران وجه تشابه زیاد می یابد. شینجی فوکایی و بین تاگاشی نیز پیرامون این سنگ بدخشانی می گویند:

"سنگ لاجورد در سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد (تقریباً هم زمان با ابداع خط الفبایی در سومر و ایلام) یکی از پر جاذبه ترین اشیاء زینتی افراد متعین میانرود شناخته می شده است. این سنگ از منطقه ی بدخشان در شمال شرقی افغانستان وارد غرب می شد و این خود مؤید وجود رابطه ی بازرگانی حساب شده بین بدخشان و بین النهرین در زمان اختراع خط در سومر در یک فاصله دو هزار و چهارصد کیلومتری بوده است" (شینشه گر، ۱۳۷۴).

لوح های بین النهرین به سه محل اشاره می کنند که در آن بازرگانی خلیج فارس و اقیانوس هند از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. یکی از این محل ها - دیلمون DILMUN یا جزیره بحرین و نواحی اطراف آن بود دیگری ماگان (مغان) MAGAN ناحیه ای در اقیانوس هند در انتهای خلیج فارس (شاید عمان و یا بلوچستان و یا هر دو

آن‌ها) بود. سومی ملو‌حا MELUHA نام داشت که به احتمال قریب به یقین همان منطقه سند است.

خانم وایت هاوس در کتاب نخستین شهرها یادآور می‌شود (وایت هاوس، ۱۳۶۹):
 "از اسناد مکشوفه چنین بر می‌آید که سوداگران سومری از آغازین مرحله ی سوم دودمانی با ماگان معامله می‌کرده اند. شواهد موجود نیز، حضور کشتی‌های تجاری ملو‌حی (سندی) را در نواحی بین النهرین گزارش می‌دهد. او به نقل از نوشته‌های مور تایمرویلر اضافه می‌کند: مهره‌های مکشوفه در جزیره ی فیلکه و بحرین در خلیج فارس، مهره‌های دایره‌ای شکل از نوع "مهره‌های خلیج فارس است که خود گویای وجود رابطه ی گسترده بازرگانی به ویژه حمل کالای مورد نیاز بین النهرین از دره ی سند می‌باشد. در حالی که دلیل محسوس در انتقال کالا از بین النهرین به سند وجود ندارد.

وجود اشیاء مختلف به ویژه وزنه‌های پیش رفته مکعبی شکل در اندازه‌های مختلف در شوش «پایتخت ایلام» نیز موید این ادعاست. شواهد باستان شناسی همچنین تاکید می‌کند که هیچ فرآورده بین النهرین در ترکمنستان کشف نشده، ولی برعکس پاره‌ای از فرآورده‌های صنعتی و معدنی نقاط شرقی و شمال افغانستان از جمله لاجورد به وفور در بین النهرین دیده شده است. او همچنین اشاره می‌کند: شواهد موجود حکایت از پیدایش نوشتاری بدوی در این منطقه دارد که غالب آن‌ها بر روی پیکرک‌های زنانه که با گل ساخته شده نقش بسته است. نوع این نوشته‌ها را او «نمادی» می‌نامد.

کشف میله‌های مسی در کاوش‌های موهنجودارو در سه هزار سال قبل از میلاد یکی از قدیمی‌ترین اختراع سکه شناخته شده است. (ملک زاده یانی) این در حالی است که اگر گفته‌های هرودت و گزنفون دائر بر استفاده از سکه‌های زرین و سیمین لیدی‌ها در مبادلات بازرگانی را مستند قرار دهیم اعتقاد تقدم تاریخی اختراع پول (البته نه به صورت سکه‌های زرین و سیمین) در شرق ایران را بر غرب غیر قابل اجتناب می‌سازد.

انتقال فرهنگ از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر امری اجتناب ناپذیر است. تشخیص اینکه کدام یک از این پدیده‌های فرهنگی از چه نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر انتقال یافته است کاری مشکل است زیرا ما پس از دست‌یابی به تعدادی اسکلت نئاندرتال یعنی انسان‌های نه تا ده هزار سال پیش در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران (غارهای هوتو و کمر بند) و مشاهده آثار گل‌آوری در قبور همین انسان‌ها در نقاط دیگر و تطابق زمانی آن قبور در اوایل دوران نوسنگی در دامنه‌های زاگرس - کدام یک را بایستی متأثر از فرهنگ نقطه دیگر بدانیم؟

کشف نمونه‌هایی از قلم‌تحریر و خط‌کش اندازه‌گیری و نیز سایر ابزار محاسباتی و نگارش در شهر سوخته، یا ابزارهای کم‌وبیش مشابه در پنج تا شش هزار سال قبل در مناطق شرقی ایران از جمله حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود (چیزی همسنگ با آنچه که ما در ایلام و میان رودان با آن مواجه بوده‌ایم) باورهای پیشین ما پیرامون خاستگاه خط در ایلام و بین‌النهرین را به ارزیابی خواهد کشاند.

در حالی که می‌بینیم دلایل زیادی دال بر انتقال فرهنگ‌های موثر از شرق ایران به غرب ایران وجود دارد - بسیار غیر محتاطانه خواهد بود اگر در ابراز این عقیده که غرب ایران را خاستگاه فرهنگ و تمدن‌های نخستین انسان‌ها می‌داند - پای به فشاریم. در حال حاضر دلایلی وجود دارد که سومریان یعنی همان کسانی که ما آن‌ها را مخترع خط می‌شناسیم، در محدوده‌ی هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد حوزه‌ی ماورالنهر را رها نموده از مسیر خاوری ایران به اقیانوس هند و از منطقه‌ی کیش باستان به بین‌النهرین روی آورده‌اند. در حالی که تا کنون به دلایلی دست نیافته‌ایم که گفته شود ایلامیان مردمی مهاجر و غیر بومی بوده‌اند.

اینان و شاید متعاقباً اقوام دیگر و نهایتاً آریایی‌ها، در آغاز نه بین‌النهرین و شوش و فارس را می‌شناختند و نه درصدد استقرار در یک چنین محدوده‌ای بوده‌اند. ولی پاره‌ای ناسازگاری‌ها از جمله ناسازگاری‌های اقلیمی (شاید بیشتر تحت تأثیر حس

کنجکاوای در آگاهی از سرزمین‌های ناشناخته (آن‌ها را بر آن داشته است تا پا را از حریم خود فراتر نهند و به نقطه‌ی تازه‌ای گام بگذارند. حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر نیازها را تغییر می‌دهد. بومیان در برابر تازه‌واردین به خود می‌آیند. گاهی بدون مقاومت و گاهی پس از برخورد با آن‌ها. به هر حال در کنار هم قرار می‌گیرند. تازه‌واردین جایی را برای استقرار خود برمی‌گزینند. محل انتخابی آنان می‌تواند اترقگاه دسته‌ای از همان بومیان باشد. در این صورت (تثبیت این انتخاب) فرمول جدیدی را می‌طلبیده است.

تبیین چنین فرمولی احتیاج به کشف ابزار(از جمله کشف ابزار حساب (مهر) خط و امثال آن یا تکامل آنچه که از قبل به آن دست یافته بودند) را داشته است. به هر حال، به نحوی که در مدارک و اسناد پیش از تاریخ ملاحظه شده، این ابزار با توجه به نیازهای آن روز هم اختراع شده است. سومری‌ها که بودند؟ از کجا آمدند؟ چه مسیری را برای مهاجرت برگزیدند؟

علت انتخاب این مسیر چه بوده است؟ فرهنگ مردم خاستگاه آن‌ها چه بوده و با خود چه به ارمغان آورده‌اند؟ چه مقدار از ارمغان خود را دست نخورده و چه اندازه از آن را هم‌گون با فرهنگ مردم مسیر ۲۳۰۰ کیلومتری و یا اگر از جنوب آمده باشند بیش از ۳۴۰۰ کیلومتری خود ساخته‌اند؟ از این روی (می‌توان باور داشت ماوراءالنهر و کرانه‌های کویر لوت در عصر و اقلیمی مناسب) خود یک بین‌النهرین دیگر بوده است. همان گونه که مدنیت بین‌النهرین به اروپا و سایر نقاط دنیا انتقال یافته، فرهنگ و تمدن مردم ماوراءالنهر نیز، علاوه بر شرق از مسیرهایی چون مسیر جاده ابریشم و کرانه‌های دریای مازندران (پدشخوارگر) (سواحل دریای عمان و خلیج فارس) به دیگر نقاط جهان از جمله به خود بین‌النهرین انتقال یافته است.

بر اساس پژوهش‌های GANIALIN و SARIANIDI و VI.MASSON (.. & MASSON) در آلتین تپه، در گورهای اتاقی، ما به وجود ظروف سنگی و گردن بندها و نیز سفال‌های

متنوعی که معمولاً هر طبقه معرف یک فرهنگ خاص است برخورد می‌کنیم. غالب پیکرک‌های بدست آمده از آلتین تپه در هزاره ی سوم پیش از میلاد تا عصر برنز با پیکرک‌های نمازگاه تپه شباهت زیادی دارند. مهم آن که وجود پاره‌ای از علایم در روی بدنه ی این پیکرک‌ها، بهره وری مردم این منطقه را در نوعی از خط تصویری و یا پندارنگاری مورد تأیید قرار می‌دهد. جدال قابل تعمق پژوهش گران مجله کادموس KADMOS چاپ برلین و رضا مستوفی، حاکی است که خطوطی تقریباً مشابه خطوط پیش ایلامی در غرب ایران - در مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران نیز مورد توجه بوده است.

مستوفی در این مجله ضمن اشاره به کاوش‌های ارزنده ی همکارش علی حاکمی در محوطه ی باستانی شهداد در کرانه‌های کویر لوت و قدمت پنج هزار ساله آثار مکشوفه در آن نوشته است: با توجه به اینکه علی حاکمی کاوشگر این محوطه باستانی تأکید می‌کند که خطوط منقوش بر روی آثار به دست آمده از شهداد دارای مفهومی عمیق‌تر از مفاهیم هنری نقش‌های ساده یک کوزه گر هنرمند می‌باشد (بایستی نام شهداد را نیز به فهرست اسامی محوطه‌های باستانی فلات ایران که با خطوط مشابه خط پیش ایلامی سروکار داشته‌اند افزود.

محوطه هائی چون سیلک، تپه یحیی و شهر سوخته به گونه‌ای که پروفیسور MERGGI در مقاله خود در مجله کادموس اشاره داشته است (DALTER, 1977).

با توجه به کاوش‌ها و دست آورد های مجید زاده در جیرفت و سایر حوزه‌های فرهنگی هلیل رود، این مناطق را نیز بایستی به آن‌ها افزود. در مورد ابداع یا اختراع خط و سیر پیشرفت آن در آسیای میانه و نیز کرانه‌های خاوری ایران نیز مطالعات جدی صورت نگرفته تا روشن شود کیفیت تغییر خط یا مثلاً ارتباط خط یاد شده با خط خوارزمی کهن در توپراک قلعه در شرق آمو دریا (ازبکستان) یا ارتباط خط کشف شده در مغ کوه (تاجیکستان) با متن سغدی چه بوده است.

در این ارتباط زحمات لیو شیتز V.ALIVSHITIZ را بایستی قدر شناخت و به تعقیب تلاش‌های او توسط محققین دیگر در سال‌های آتی چشم دوخت. هم‌اوست که به اتفاق م.ماسون و الف.ج.دانی در بخش پایانی جلد دوم کتاب تمدن‌ها پیش از تاریخ آسیای مرکزی - نگارش با خط سند را قدیمی‌ترین نوع نگارش در این بخش از جهان دانسته است. این، در حالی است که نشریه‌ی ایرانیان چاپ تورنتو در صفحه ۳۱ پانزدهم ژوئن ۱۹۹۷ به نقل از پروفیسور عزت الله نگهبان و کانال شش تلویزیون فرانسه نوشته است: نخستین الفبای تاریخ بشریت یعنی خط میخی در شوش ابداع شده است تمدن نیز از همین تاریخ آغاز شده است.

اگر چه با اظهار نظرهای تقریباً همگانی، در تعیین بانیان یا مخترعان خط الفبایی توسط سومریان، قبول نظریه‌ی فوق کار آسانی نیست، ولی اگر بپذیریم که شوش (پایتخت ایلامیان) خود نیز قبل یا همزمان با سومریان دارای خطوطی بوده است، میزان شک ما در مورد چگونگی نقل قول موصوف کاهش می‌یابد.

با این کیفیت نخستین خط الفبایی احتمالاً در شوش و ایلام به گفته‌ی پاره‌ای از محققین در سومر خلق شده است و میکائیل راف نیز خطوط پیش ایلامی در شوش را در ردیف خطوط متداول در بین النهرین (سومر) می‌داند. او همچنین بدون ابراز عقیده در تقدم و تاخر آنها همین خطوط را در سیلک، تپه یحیی و مالیان ردیابی می‌کند. مجله‌ی علمی کادموس چاپ برلین با اشاره به نظر پروفیسور MERGGI شهر سوخته را (که متعاقباً یافته‌های دکتر سید سجادی آنرا تاکید می‌کند) هم در آن ردیف قرار می‌دهد. (MERGGI)

نگارنده نیز بدون اصرار در پیشی جستن آنها بر خطوط پیش ایلامی در ایلام همین تشابه را در خطوط انعکاس یافته در پیکرک‌های آلتین تپه، مغ کوه و کوپراک قلعه مورد سوال قرار می‌دهد.

در حالی که تقریباً پذیرفته شده سومریان از مردم آسیای میانه هستند و با برداشت دکتر هال همه‌ی این‌ها نیز با مردم بلوچستان، هم ریشه‌اند، شواهد یاد شده و نیز مراودات ماوراءالنهر و بین‌النهرین در هزاره‌های پیش از هزاره‌ی سوم و حتی هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، هر یک دلایلی است بر سیر حرکت خاستگاه فرهنگ از شرق ایران به غرب، خاستگاهی که پیرامون آن کاوش کافی به عمل نیامده و نسبت به حوزه‌ی بین‌النهرین (لااقل در زمینه خط) کاملاً ناشناخته مانده است. ویل دورانت نوشته است:

"هنگامی که دکتر فرانکفورت در ویرانه‌های تل اسمر نزدیک بغداد موفق به کشف مهره‌های سفالی در سال ۱۹۳۲ شد به این اعتقاد رسید که این آثار از موهنجودارو به آنجا منتقل شده است (افشار سیستانی، ۱۳۶۹).

دکتر هال معتقد است که سومریان فرهنگ خود را از هندیان گرفته‌اند، ولی او در عین حال اعتقاد دارد که هم سومریان و هم هندیان نخستین، دارای ریشه‌ی واحدی بوده‌اند که از بلوچستان برخاسته‌اند. (بلوچستانی که در همسایگی آن حوزه‌های فرهنگی شیلا، هلیل رود، شهداد، شهر سوخته و امثال آن پیش روی ما قرار گرفته است). با توجه به حضور نقش‌های اهلی کردن حیوان بر روی سفال‌های هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد در آنائو چنین بر می‌آید که در آن هنگام، ترکستان خود دارای فرهنگ و تمدن کهنی بوده است. همچنین وجوه تشابه بین آثار مکشوفه در شوش و آثار بدست آمده در آنائو می‌تواند موید وجوه رابطه‌ی فرهنگی بین این دو شهر در پنج هزار سال قبل از میلاد باشد.

آسیای میانه که اکنون در شرف مرگ است خود ناظر و شاهد نخستین گام‌های مجموعه‌ای تودرتو از نظم و پیش‌بینی و آداب و اخلاق و راحت‌طلبی و فرهنگ‌های پیشرفته‌ای بوده که از میان آن تمدن کنونی شکل گرفته است" (ویل دورانت، ۱۳۷۶)

تحقیقات موریستو توزی M.TOSI (و دکتر سید سجادی) در شهر سوخته، همچنین مطالعات اندیشمندانی چون A.STEIN و هرتسفلد در این مناطق موید این

واقعیت است که بین کرانه‌های میان رود در حوزه فرهنگی شیلا و شهر سوخته در سیستان با حوزه ی فرهنگی بین النهرین درغرب ایران مبادلات وسیعی وجود داشته است. همچنین وجود شباهت زیاد بین سفال حوزه‌های مذکور با سفال‌های تپه حصار دامغان و سفال‌های طبقه دوم و سوم آنو در ترکمنستان و کویت و بمپور در پاکستان، می‌تواند مؤید مبادلات فرهنگی بین انسان‌های پیش از تاریخ در دوره ی نوسنگی از شرق به غرب بوده باشد (نیویورک تایمز، ۱۹۳۰). آیا اینهمه مبادله و مراوده ، می‌توانسته بدون ثبت وقایع فرهنگی و بازرگانی به گونه‌ای که در آن زمان رواج داشته، بوده باشد؟

با این کیفیت خط، این بزرگ‌ترین معجزه بشر چگونه و از کجا شکل گرفته است ؟ مگر نه این است که نخست به صور ابتدایی از جمله به صورت تصویرنگاری و سپس به شکل انتخاب علائم ویژه برای القای منظوره‌ای خاص (پندارنگاری) و آن گاه با تصحیح و کوچک‌تر ساختن همان علایم و کاهش تعداد آنها به صورت حروف میخی یا سایر اشکال مشابه تجلی کرده است ؟ هنوز به راستی معلوم نیست تمدن سومر درغرب ایران که از ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد رخ نموده و در آن مراکز متعددتمدنی، تشکیلات اجتماعی متنوع و از همه مهم‌تر خط و تجارت شکل گرفته از تمدن و تاریخ ماوراءالنهر و خوارزم و نیز مناطق شرقی ایران پیشی داشته است یا اساسا تمدن و تاریخ مردم ایلام که به نظر دکتر عزت الله نگهبان و دیگر پژوهشگران این رشته درغرب، آن را مبتکر نخستین خط الفبایی تاریخ بشر شناخته‌اند ، گوی سبقت از هر دو مراکز تمدن مذکور ربوده است ؟

فهرست منابع

۱. بهفروز، فاطمه، ۱۳۷۴، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲. راف، میکائیل، اطلس بین النهرین و خاور نزدیک باستان، FACTS ON FILE، NEW YORK-OXFORD، ترجمه‌ی دکتر رضا مستوفی، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۳. تزری، رحیم، فرهنگ‌های پیش از تاریخ کرانه‌های جنوب شرقی دریای مازندران، چاپ یونسکو - تهران
 ۴. ام. ای. ال. مالووان، ۱۳۷۲، بین النهرین و ایران باستان، ترجمه‌ی دکتر رضا مستوفی، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۵. فوکائی، شینجی، بین تاگهائی، ۱۳۷۴، شیشه ایرانی، ترجمه‌ی آرمان شیشه گر، سازمان میراث فرهنگی، تهران
 ۶. روث وایت هاوس، ۱۳۶۹، نخستین شهرها، ترجمه‌ی مهدی سبحانی، تهران نشر فضا.
 ۷. بیانی، ملک زاده، تاریخ سکه از قدیم‌ترین ایام ساسانیان، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۸. ملک شه میرزادی، صادق، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، چاپ یونسکو
 ۹. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۹، مقالات ایران شناسی، ناشر نسل دانش.
 ۱۰. ویل دورانت، ۱۳۷۶، تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، چاپ پنجم.
 ۱۱. SIR.A.KEITH نیویورک تایمز ۱۲ اکتبر ۱۹۳۰ مردم آسیا نقل شده در صفحه ۱۳۲ جلد اول تاریخ تمدن ویل دورانت.
 ۱۲. پروفیسور MERGGI این نظر را احتمالاً بر اساس کاوش‌های پروفیسور توزی در شهر سوخته که هم اکنون توسط دکتر سجادی (سید سجادی) دنبال می‌شود، ابراز داشته است.
1. DALTER DE GRUYTER BERLIN 9 - MOSTOWFI, REZA, KADMOS, BAND X VIHEFT NEW YORK 1977.

بررسی باستان‌شناختی بقایای شهر تاریخی لارت

قدرت شمس‌زاد^{۱۱}

چکیده

شرایط اقلیمی و تنوع آب و هوایی استان ایلام از یک سو و جایگاه ویژه آن در سرزمین ایران از سویی دیگر، باعث شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها و مراکز شهری و روستایی مهمی در طول تاریخ گردیده است. شهرستان بدره از جمله شهرستان‌های استان ایلام است که در حدفاصل دو عارضه‌ی طبیعی شاخص زاگرس غربی یعنی رشته‌کوه و رود دائمی سیمره واقع شده است. با توجه به شرایط ذکر شده، سکونتگاه‌ها و مکان‌های تاریخی قابل‌ذکری در پشته‌های این رشته‌کوه از دوران مختلف تاریخی برجای مانده است. دره وپشته‌ی لارت در جانب شمالی دیواره‌ی کبیرکوه و در فاصله‌ی هفت کیلومتری جنوب شهر بدره به دلیل وجود آثار و ابنیه تاریخی، همواره در مطالعات باستان‌شناسی منطقه حائز اهمیت بوده است. انتخاب و گزینش آگاهانه منطقه مسکونی بر فراز صخره‌ای به نام (تاج تخت) در جانب شمالی دیواره کبیرکوه در میان دو چشمه آب دائمی حکایت از طراحی یک فضای مناسب معماری با اقلیم کوهستانی منطقه را دارد. وسعت زیاد، پراکنش آثار فرهنگی وجود قطعات مختلف سفالینه‌ها بر سطح محوطه سکونت‌گاه، استفاده از مواد و مصالح بوم‌آورد و محلی، اهمیت فرهنگی و تاریخی این منطقه را نشان می‌دهد. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شد تا از منظر شهری و تاریخی، با تکیه بر مطالعات و بررسی‌های میدانی به معرفی این مکان تاریخی پرداخته شود. در این راستا سفالینه‌های بدست آمده برای درک علمی، طراحی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که به دلیل عدم وجود نمونه‌های قابل مقایسه احتمال بومی بودن این

^{۱۱} - ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

سفالینه ها قوت گرفت. در این نوشتار تلاش شده تا اطلاعات و یافته های حاصل از این پژوهش میدانی در رابطه با بخش های مختلف این شهر باستانی ارائه شود.

واژگان کلیدی: لارت ، سکونت گاه تاریخی ، بدره ، سیمره ، پشته.

مقدمه : شهر بدره از لحاظ موقعیت نسبی در شمال شرق استان ایلام واقع شده است. از طرف جنوب به شهرستان دره شهر، از طرف شرق به رودخانه ی سیمره و استان لرستان و از جانب غرب به سلسله جبال کبیرکوه محدود می شود. رودخانه ی سیمره و رشته کوه کبیرکوه مرزهای طبیعی این شهرستان را تشکیل داده است. حد جنوبی و جنوب- غربی منطقه را طاقدیس بزرگ کبیرکوه در بر گرفته است. این دو طاقدیس به طرف شمال غربی از همدیگر دور می شوند و در بین آنها طاقدیس های دیگری وجود دارد. ناودیس های این دو طاقدیس که آبادی های منطقه، در آن گسترش پیدا کرده اند، در حدود ۸۰ کیلومتر طول و ۸ کیلومتر عرض دارند. چشم انداز طبیعی این منطقه را سه عارضه ی مهم : کوه ، کوهپایه و دشت تشکیل می دهد (اکبری ، ۱۳۸۶ ، ۶۳۶).

در این مقاله سکونتگاه لارت در شهرستان بدره ، نحوه ی معماری بناها ، مواد و مصالح مورد استفاده مورد بررسی قرار گرفته است. آثار و شواهد بدست آمده ، موقعیت باستان شناختی این محوطه را نشان می دهد که با سکونت گاه دربند واقع در فاصله ی هفت کیلومتری شرق لارت قابل مقایسه است.

روش تحقیق: در این تحقیق از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است و اطلاعات گردآوری شده حاصل بررسی های میدانی و مطالعات کتابخانه ای است. روشی که جز لاینفک مطالعات و بررسی های باستان شناسی است .

موقعیت جغرافیایی بدره

حوزه ی جغرافیایی بدره با طول تقریبی ۷۰ کیلومتر، عرض حدود نه کیلومتر و با مساحت ۶۲۵ کیلومتر مربع دارای طبیعتی کوهستانی با پوشش جنگلی و آب هوایی نسبتاً معتدل است. حدود ۸۰ درصد منطقه پوشیده از جنگل بلوط است. کوه های مرتفع و

نیمه مرتفع، منطقه را در محاصره خود دارند. کوه پایه‌ها و تپه‌های بلند و دره‌های عمیق در جای جای آن، طبیعتی خشن و در عین حال زیبا ایجاد نموده است. دشت‌های میانکوهی نسبتاً هموار: بانپرور، بدره، دول گلاب و زمینهای حاصلخیز حاشیه رودخانه‌ی سیمره نواحی پست این منطقه را تشکیل داده است. میانگین بارش سالانه ۴۸۱ میلی متر گزارش شده که از وضعیت نسبتاً مطلوبی نسبت به میانگین کشوری برخوردار است. بارش باران رگباری و همچنین وزش بادهای تند از خصوصیات ویژه‌ی این منطقه است.

پشته‌های کبیرکوه: در دامنه‌های شرقی این رشته کوه، دره‌ها، وناهمواری‌های کم ارتفاعی به موازات رشته‌ی اصلی کبیرکوه امتداد یافته است. زمین‌های کم و سعت و محدوده واقع در حد فاصل این دورشته موازی را "پشته" گویند. این پشته‌ها در سرتاسر دامنه‌های شمال شرقی و مشرق کبیرکوه به چشم می‌خورند که اکثر آن‌ها در امتداد دره‌ها و رودها دارای آثار با ارزش تاریخی است. به علت وجود این آثار و دیگر مراکز تمدنی در حد فاصل رود سیمره و رشته کوه کبیرکوه احتمال دارد بیشتر راه‌های باستانی در سطح بالاتری از جاده‌های امروزی در پشته‌ها ایجاد شده باشند.



کبیرکوه

فریا استارک در سفرنامه ی خود نوشته است: به هر حال من غالباً متوجه شده ام که راه های باستانی که شهرهای قدیمی و مهم را به یکدیگر متصل می سازد، معمولاً قدیمی تر و مرتفع تر از جاده های دیگر است (استارک ، ۱۳۶۴ : ۱۳۱). این پشته ها بیشتر دارای چشمه های زیبا و اقلیم مطلوب می باشند و همین پدیده موجب جذب جمعیت و تمرکز انسان در دوران مختلف تاریخی بوده است. دره ها و پشته های شرقی و شمال شرقی کبیرکوه در شهرستان بدره عبارتند از: زرانگوش، لارت، درون و سربند، گنجه و کلم.

پدیده ی طبیعی تنگ رازیانه

این اثر تاریخ طبیعی در ۴۵ کیلومتری مرکز استان ایلام و در دل دامنه های شمالی کبیرکوه واقع شده است. بررسی های زمین شناسی نشان می دهد این تنگه جزو تنگه های زیبا و نادر است.



تنگ ی رازیانه در شهرستان بدره

این تنگه که مردم محل آن را "رازیانه" می خوانند، در محدوده ی کوهستانی دامنه ی شمالی کبیرکوه از روستای "کلم" تا روستاهای "گنجه، چنارباشی و پاکل گراب" امتداد دارد. مساحت آن بالغ بر ۵۷ هکتار می شود. در این محدوده بوته های رازیانه دیده می شود. به نظر می رسد وجه تسمیه ی این پدیده ی جغرافیایی به وجود چنین بوته های گیاهی است. این تنگه از جمله زیباترین و شگفت انگیزترین پدیده های تاریخ طبیعی وزیست محیطی است. تنگه ی رازیانه به عنوان یک پدیده ی طبیعی در فهرست آثار طبیعی، ملی به ثبت رسیده است.

پیشینه ی تاریخی بدره

شهرستان بدره در دامنه های شمالی رشته کوه عظیم کبیرکوه (کور) و در مسیر ایل راه باستانی صیمره به «سیروان» و «الرد» واقع شده و به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی (منابع آب، ذخائر جنگلی و مراتع طبیعی مشجر) از مناطق تاریخی و باستانی غرب ایران محسوب می گردد. در رابطه با وجه تسمیه و نام گذاری بدره اطلاعات مستندی در دست نیست. در منابع تاریخی از این منطقه به نام Der یاد شده است. در مواردی نام بدره با شهر بدره در کشور عراق و در مرز با شهر مهران را از نظر واژه ای دارای قرابت می دانند؛ یعنی گویش هر دو شهر کردی فَهْلَوی (فیلی) است. بدره ی عراق را در گذشته «بادرایا» می نامیدند. در این شهر تپه ای باستانی وجود دارد که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. نام بدره در پاره ای منابع عربی به نام (بادرایا) آمده است؛ اما قرابت و نزدیکی بدره ی کشور عراق با بدره (آبهر) واقع در دامنه های شمالی کبیرکوه به دلیل بعد مکان هم خوانی ندارد. بنابراین بدره (بی ری) از نام ایل بزرگ بی ری گرفته شده است. در برخی منابع به تحولات تاریخی آخرین حاکمان تمدن ایلام (کودر ناخوندی) اشاره شده که این شاه ایلامی با یورش آشوریان، به منطقه ی (Der) پناه برده است.

نزدیکی این منطقه با سنگ نوشته ی گل گل ملکشاهی که به حمله آشور بانی پال به محدوده ی حکومت ایلامیان اشاره دارد این مطلب را تأیید می کند.

برخی منابع ، پژوهش ها و مطالعات تاریخی و باستان شناسی

ردیف	تاریخ	محقق یا باستان شناسی	نوع فعالیت	منبع قابل ارجاع
۱	۱۳۹۳ ه.ش	آبخش نوری	پژوهش و مطالعه در مورد زندگی عشایر و منطقه هندهینی بدره	نوری، ۱۳۹۳
۲	۱۳۹۳ ه.ش	حبیب اله محمودیان	مطالعه و تحقیق در مورد جغرافیای تاریخی گردشگری و آثار تاریخی شهرستان بدره	محمودیان، ۱۳۹۳
۳	۱۳۹۰ ه.ش	خداکرم مظاهری	بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان دره شهر بخش (بدره) فصل پنجم	سازمان میراث فرهنگی
۴	۱۳۸۹ ه.ش	سیف اله صفری	کتاب جغرافیای تاریخی بدره و ذکر آثار تاریخی منطقه	صفری، ۱۳۸۹
۵	۱۳۸۶ ه.ش	مرتضی اکبری	اشاره ای مختصر به عنوان تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجار	اکبری، ۱۳۸۶
۶	۱۳۸۵ ه.ش	سید سجاد حسینی	فصل سوم بررسی و شناسایی دره شهر	سازمان میراث فرهنگی
۷	۱۳۸۰ ه.ش	ابراهیم مرادی	پایان نامه کارشناسی ارشد . تحت عنوان بقاع متبرکه استان	دانشکده ادبیات دانشگاه تهران
۸	۱۳۷۷ ه.ش	حبیب اله محمودیان	کتاب راهها و معابر باستانی غرب زاگرس و ذکر منطقه بدره و آثار باستانی آن .	محمودیان، ۱۳۷۷
۹	۱۳۶۴ ه.ش	فریا استارک	گزارشی در مورد تاریخ و باستان شناسی منطقه بدره در اثر خود به نام ، سفری به دیار الموت، ایلام و لرستان	استارک، ۱۳۶۴

موقعیت دره ی لارت: دره و پشته ی لارت از جمله مناطق کلیدی و بسیار مهم شهرستان بدره است که به لحاظ آثار تاریخ فرهنگی وجاذبه های زیبای طبیعی دارای اهمیت می باشد.

شهر و محوطه ی باستانی لارت در پشته ی لارت واقع در هفت کیلومتری جنوب شهر بدره و در دامنه های کبیر کوه قرار گرفته است (محمودیان، ۱۳۹۳، ۷۲).



تصویر ماهواره ای محوطه لارت در کنار بقعه ی امام زاده و چشمه های آب.

منابع آب : در این دره دو چشمه آب بسیار مهم وجود دارد؛ چشمه ای که در ضلع غربی محوطه ی تاریخی و کتیبه ی سنگی وجود دارد و با شیبی نسبتاً ملایم می توان به آن دسترسی پیدا کرد و بسیار محتمل است که آب ساکنین لارت از این چشمه تأمین می شده است. اما چگونگی انتقال آب این چشمه به فضاهای سکونتگاهی به درستی روشن نیست. چرا که در بررسی های سطحی انجام شده هیچ گونه کانال و یا لوله های سفالی که با نیت انتقال آب ایجاد شده باشد یافت نشد. این امر هم نیز بدین روش دور از واقعیت است چرا که چشمه آب در ارتفاعی به مراتب پائین تر از مجموعه بناهای سکونت گاهی است. احتمالاً با پر کردن مخازن لازم (مشک، خمره های سفالی...) توسط چهارپایان و حیوانات بارکش آب مورد نیاز خود را به مناطق مسکونی حمل و انتقال می دادند. در جانب شرقی محوطه ی تاریخی و در ارتفاعی بسیار پائین نسبت به سطح بناهای مسکونی چشمه آب دیگری وجود دارد. در بررسی های سطحی، راه ارتباطی مناسبی برای دسترسی به این چشمه دیده نشد. به دلیل عوارض طبیعی بایستی از ضلع جنوب شرقی و در شیبی تند پس از طی مسافتی تقریباً طولانی به این چشمه دسترسی پیدا کرد.



تصویر (هفت چشمه) دامنه ی غربی محوطه لارت (نگارنده)

شهر تاریخی لارت

دره و پشته ی لارت از مناطق کلیدی و بسیار مهم شهرستان بدره است که به لحاظ آثار تاریخی فرهنگی و جاذبه های زیبای طبیعی دارای اهمیت می باشد. این دره آن چنان که شواهد و مدارک موجود نشان می دهد یک مجموعه کامل مسکونی بوده است. وجود بقعه ی امام زاده پیرمحمد ، مجموعه بناهای مختلف در ضلع شمالی بقعه ، کتیبه ی تاریخی در ضلع غربی محوطه ی اصلی ، قبور دوران اسلامی ، چشمه های آب ضلع شرقی و غربی ، غار و اشکفت ، همه و همه نشان دهنده ی اهمیت و رونق این مکان تاریخی در روزگار گذشته است که با گذشت ایام غبار ویرانی و تخریب بر آن نقش بسته است. دره ی لارت به دلیل قرار گرفتن در مجاورت کبیرکوه به عنوان یکی از پشته های مهم به شمار می رود که شرایط بسیار مطلوبی برای ایجاد یک سکونتگاه داراست. ما به درستی نمی دانیم چه کسانی اولین بار در این منطقه

ساکن شده‌اند و پایه‌های اولیه این سکونت‌گاه را بنا نهاده‌اند. اما، شواهد و بررسی‌های به وجود آمده نشان می‌دهد که ساکنان، با بهره‌گیری از عوارض طبیعی موجود، استحکامات دفاعی و ایمنی را برای جلوگیری از تهاجمات احتمالی ایجاد کرده‌اند.



نمایی از آوار سنگ‌های محوطه تاریخی لارت دید به سمت شرق

ابعاد محوطه: محوطه ی تاریخی لارت (امام زاده، قبرستان، محوطه سکونتگاهی) در زمینی به طول شمالی - جنوبی ۶۵۰ متر و عرض شرقی - غربی ۲۰۰ متر واقع شده است. که امام زاده پیرمحمد در جانب جنوب و محوطه ی مسکونی در جانب شمال بر فراز ارتفاعی بلند دایر گردیده است. در حد فاصل این دو اثر، نمونه‌های از سنگ‌قبر مشاهده گردید که متعلق به قرون متاخر اسلامی است.

موقعیت شهر تاریخی: شهر و محوطه ی باستانی لارت درپشته ی لارت واقع در هفت کیلومتری جنوب شهر بدره و در دامنه ی زیبای کبیرکوه قرار گرفته است. این شهر باستانی متعلق به دوران تاریخی است. دره ی باستانی لارت حدود ۱۰۰۰ متر طول دارد که در دو طرف دامنه ی لارت آثار استقرارهای پلکانی با سنگ‌های خشکه چین نسبتاً بزرگ ایجاد شده است، حجم سفال روی محوطه بسیار زیاد و در همه ی قسمت‌ها ملاحظه می‌شود.



شهر باستانی لارت

آسیاب آبی: آثار دو آسیاب در محدوده ی وسط محوطه ی باستانی و بر حاشیه ی شرقی و غربی دره و در مقابل یکدیگر قرار دارد. آسیاب شرقی مطابق سبک معماری بسیاری از آسیاب های آبی امروزی است؛ اما آسیاب غربی به صورت پلکانی و با بهره گیری از سنگ و اندود گل و گچ به صورتی مستحکم ساخته شده است.



شهر باستانی لارت

بقایای معماری: عمده مساحت زمین اشغال شده در محوطه ی لارت در تصرف سازه‌های معماری مسکونی است که در زمینی به طول ۲۷۰ متر شمالی- جنوبی و ۱۸۰ متر شرقی - غربی می باشد. این سازه‌ها و بقایای معماری از مواد و مصالح بوم-آورد شامل: قلوه سنگ، گچ نیم کوب و لاشه ی سنگ ساخته شده‌اند. در سطح سکونتگاه، تراکم زیاد سنگ ها و کلان سنگ ها نیز مشاهده می شود.

شهر تاریخی لارت ۱۸۰ متر از کتیبه ی دامنه ی غربی و ۲۷۰ متر با چشمه آب این ضلع در شبی به نسبت ملایم فاصله دارد. پوشش انبوه گیاهی در زمان بررسی، علاوه بر اینکه آوار سنگ ها را پوشانده ، تلاش ما را در یافتن نمونه های فرهنگی از قبیل سفالینه ها با مشکل مواجه کرده بود. به گونه ای که حتی امکان تهیه ی پلان منظمی از دیوارها و ابعاد و اندازه ی آنها فراهم نشد.

ارتفاع دیوارهای باقی مانده و مدل معماری در ضلع شرقی سکونت گاه به مراتب نسبت به ضلع غربی به وضوح دیده می شود. در ضلع غربی به دلیل تردد زیاد اهالی و دامداران و شاید هم قدمت کهن تر آن ، بناها دچار تخریب بیشتری شده‌اند. ارتفاع دیوارهای باقی مانده این بخش (ضلع غربی) به ۱ متر بیشتر نمی رسد. پهنای دیوارها بین ۷۰ تا ۸۰ سانتی متر متغیر است. حفاری های غیر مجاز به وفور در سطح محوطه تاریخی دیده می شود.

مصالح: وجود سنگ های زیاد در منطقه و استفاده از مصالح بوم آورد مانند گچ ، دست معماران را باز گذاشته است تا در ساخت بناها و سازه ها نسبت به تأمین مواد موجود با محدودیت و مشکلی مواجه نشوند. روی برخی از دیوارها را با اندودی از گچ پوشش داده‌اند. استفاده از گچ در بناها علاوه بر استحکام بخشی دیوارها به گونه ای در تزئینات برخی دیوارها نقش مهمی را ایفا کرده است.

استفاده از گچ: در ساخت وسازه های انجام شده در شهر تاریخی لارت از گچ استفاده شده است. گچ نخستین ماده ی ساختمانی است که به دست انسان استخراج شده و

پس از تغییر شکل به صورت ملات، روکش و گچ کاری در کارهای ساختمانی مورد استفاده قرار گرفته است. لذا در بیشتر آثار وابنیه ی باستانی به ویژه در غرب ایران از این گونه مصالح بیشتر استفاده شده است.

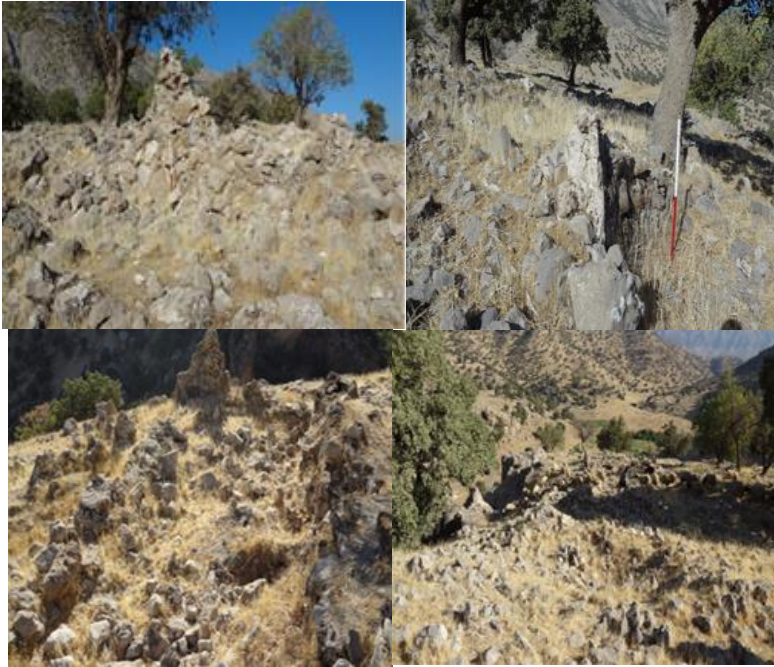
معبر شرقی: در سمت شمال محوطه ی تاریخی، گذرگاه و معبری دیده می‌شود که احتمال داده می‌شود دروازه‌ای بوده که ورود و خروج به محوطه سکونت‌گاه به صورتی کنترل شده از آن امکانپذیر بوده است. در برخی نقاط از عوارض طبیعی چون صخره‌های و سنگ‌های بزرگ به عنوان جزئی از دیوار استفاده کرده‌اند شاید دلایلی چون حفظ حریم محوطه سکونت‌گاه از تهاجمات احتمالی مدنظر بوده است.



بقایای معماری ضلع غربی شهر باستانی لارت



بقایای معماری واوار ابنیه ی شهر باستانی لارت



تصاویری از محوطه وسازه های معماری شهر باستانی لارت



استفاده از اندود گچ بر سطح برخی از دیوارهای موجود و حفاریهای غیر مجاز اطراف (نگارنده)

یافته های سطحی

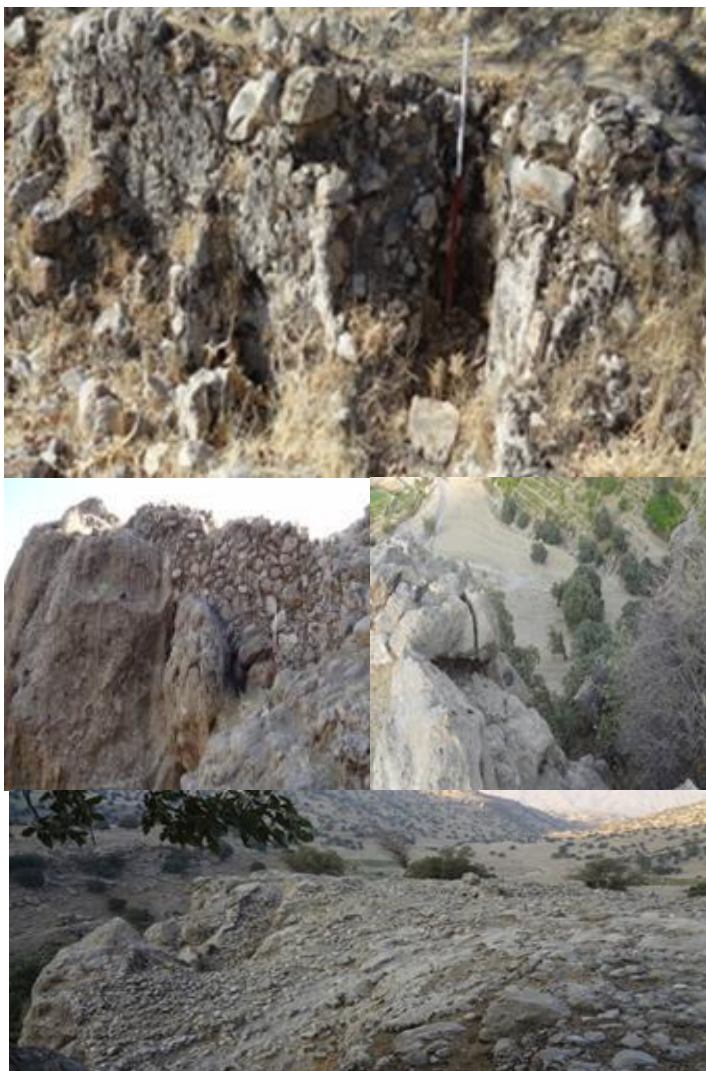
علاوه بر سفالینه ها، بقایای معماری و استفاده از سنگ و گچ در ساخت بناها و دیوارها مشاهده می شود. در محوطه ی تاریخی لارت هیچ گونه دیوار و یا سازه خشکه چینی دیده نشد. دیوارها با استفاده از قلوه سنگ ها و سنگ های لاشه با ملات گچ ساخته شده اند.

هاون سنگی: در سطح محوطه ی تاریخی و بر روی تخته سنگ ها و صخره ها ، نمونه هاون های سنگی با عمقی در حدود ۲۰ تا ۳۰ سانتیمتر تعبیه شده است. برخی از این هاون ها در کنار پرتگاه ها بر لبه ی صخره ها نقر شده اند.

پناهگاه طبیعی: در پادامنه ی شمالی اودردل کوهی که سکونت گاه لارت بر آن ایجاد شده است در دل کوه آثار یک اشکفت دیده می شود. این اشکفت دو دهلیز بزرگ دارد که دهلیز شرقی به مراتب ارتفاع و پهنای بیشتری نسبت به دهلیز غربی دارد. در دهانه ی این اشکفت و در جانب شمال، زمین هایی با شیب نسبتاً تند قرار دارد. در داخل این اشکفت دهلیزهای نسبتاً کوچک دیگری نیز ملاحظه می شود. این اشکفت در حدود ۴ متر عمق و ده متر پهنای حدود ۶ متر ارتفاع دارد. احتمال اینکه این اشکفت حاصل یک تلاش انسانی بوده باشد برای ما به درستی مشخص نیست. اما در دامنه ی اشکفت و در شیب زمین قطعات شکسته سفالینه ها دارای تراکم بیشتری بوده است.



سنگ های کتیبه دار یافته شده در سطح محوطه (نگارنده)



بخش هایی از محوطه و آثار معماری دره لارت

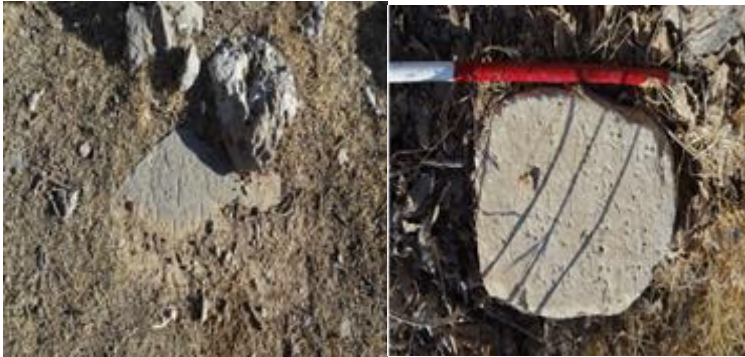


اشکفت لارت دید به سمت جنوب

قبرستان لارت: در جانب شمالی بقعه ی امام زاده پیرمحمد و جنوب محوطه ی مسکونی لارت آثاری از یک قبرستان دیده می شود. این قبرستان در میان پوشش انبوه گیاهی، جنگل بلوط، صخره ها و سنگ های طبیعی قرار دارد. از نوشته های فارسی حک شده بر روی برخی از سنگ قبور، نشان می دهد که این قبرستان به دوران اسلامی تعلق دارد. نمونه ای از سنگ قبرها در داخل خاک مدفون است. ابعاد و اندازه این سنگ قبور متفاوت است



بخش هایی از محوطه دره لارت



نمونه هایی از سنگ قبور

بقعه ی پیر محمد : در دامنه ی کبیر کوه و در ارتفاعات جنوبی دره ی لارت بقعه ی معروف به پیر محمد واقع شده است. بقعه ی فوق فاقد هرگونه کتیبه ی تاریخی و یا شجره نامه می باشد. بنایی قدیمی و کوچک آن در سال های اخیر توسط سازمان اوقاف تخریب و به جای آن بنای جدیدی احداث گردیده است (مرادی، ۱۶۸، ۱۳۸۰).

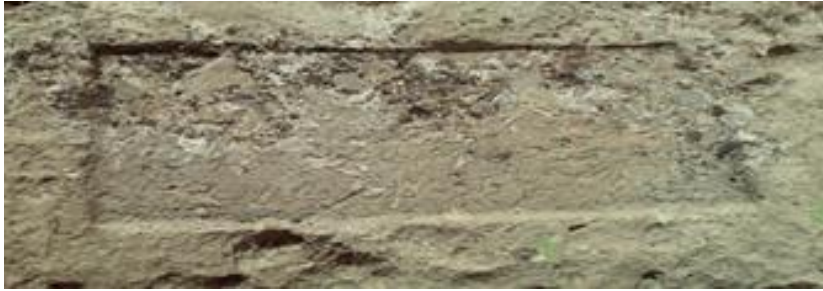


فریا استارک در مسافرت خود به ایران در بین سال های ۳۱-۱۹۲۷ میلادی از این منطقه بازدید کرده و بنای فوق را مشاهده کرده است. بنای جدید، پلانی مربع شکل با ابعاد

۸×۸ دارد. دودر ورودی در ضلع شمالی و غربی بنا ایجاد شده است. گنبد بر روی چار ستون قرار دارد. و ارتفاع آن سه متر می باشد.

کتیبه سنگی لارت : این اثر در جریان فصل پنجم بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان دره شهر در سال ۱۳۹۰ به سرپرستی خداکرم مظاهری مورد مطالعه قرار گرفته است. سنگ نوشته ی تنگ لارت یکی از آثار تاریخی - فرهنگی مهم منطقه است که در فاصله ی حدود پنج کیلومتری جنوب غربی روستای آبهر پایین (علیشروان) واقع است. سطحی که سنگ نوشته بر روی آن واقع است، شیب تندی به سمت غرب دارد (مظاهری، ۱۳۹۰، ۱۲۰). این سنگ نوشته در یک کادر مستطیل شکل به ابعاد ۹۰ سانتی متر طول در ۵۰ سانتی متر عرض و عمق ۳ سانتی متر بر روی یک سنگ بزرگ به ابعاد ۴ متر ارتفاع در پهنای ۳ متر حک شده است. (تصویر ۰۲۵) قطعه سنگ منفردی که کتیبه را بر روی آن حجاری نموده اند به رنگ خاکستری بوده و به نظر می رسد که از گونه سنگ های فرسایشی است.

نوشته ها در پنج سطر حجاری شده و به شدت دچار فرسایش شده و قابل بازخوانی نمی باشد. برخی کلمات آن نشان می دهد که به خط عربی نوشته شده است. به نظر می رسد که این اثر در ارتباط با محوطه ی باستانی تنگه لارت یا بقعه ی پیر محمد است که در فاصله ۴۰۰-۳۰۰ متری شرق کتیبه قرار دارد. وضعیت سطح منقوش در ابتدا صاف و هموار بوده است. لیکن با مرور زمان در اثر فرسایش و انباشت رسوبات بر روی قسمت هایی از آن، به صورت زبر و نسبتاً ناهمواری در آمده است. نوشته های کتیبه به روش کوبشی (peking) ایجاد شده اند. در اثر هوازدگی و فرسایش، درز و شکاف های فراوانی در سطح کتیبه ایجاد شده و قسمت های فراوانی از آن دچار فرسایش گردیده است (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۲۰).



کتیبه سنگی لارت از نمایی نزدیک (نگارنده)

سفالینه های لارت : در بررسی های باستان شناسی این مکان، به دلیل پوشش انبوه گیاهی و حجم متراکم آوار سنگ ریخته شده از بناها، کار جمع آوری شواهد فرهنگی با مشکل رو به رو بوده است.

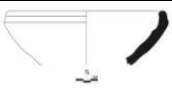
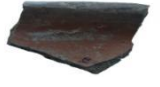
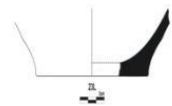
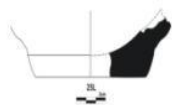
در کنار حفاری های غیر مجاز و آبکندها، قطعاتی از سفالینه های شکسته و خرد شده جمع آوری گردید. قطعات سفالینه ها در سطح محوطه بسیار اندک بود.

حجم نمونه ی مورد مطالعه : در مجموع حدود ۲۶ قطعه سفال تقریباً شاخص جهت طراحی جمع آوری گردید. از این میان ۱۰ قطعه لبه، ۱۱ قطعه بدنه، ۱ قطعه دسته، و ۴ قطعه این سفالینه ها مربوط به قسمت کف ظروف است. سفالینه ها در طیفی از رنگ های نخودی و نارنجی با خمیره های مواد معدنی هستند و در موارد بسیار نادری از شاموت مواد گیاهی استفاده شده است. در تقسیم بندی ارائه شده، به لحاظ ظرافت و خشن بودن، در طیفی از ظریف و خشن قرار می گیرند.

یافته ها: بررسی آثار و شواهد در این محوطه ی وسیع باستانی نشان می دهد این مکان به دلیل وسعت و تعدد بناها و همچنین تنوع آثار شهری بوده باشد. بررسی سفالینه های موجود نیز نشان می دهد این مکان باستانی در دوران تاریخی و اسلامی دارای استقرار بوده و از تراکم جمعیت برخوردار بوده است. منابع آب، اتکا به کوهستان کبیرکوه، زمستانگاه کوچ نشینان، امنیت در پرتو عارضه های طبیعی و همچنین منابع سوخت از مهمترین دلایل سکونت در این مکان تاریخی است. از جهتی دیگر نمونه های سفالی،

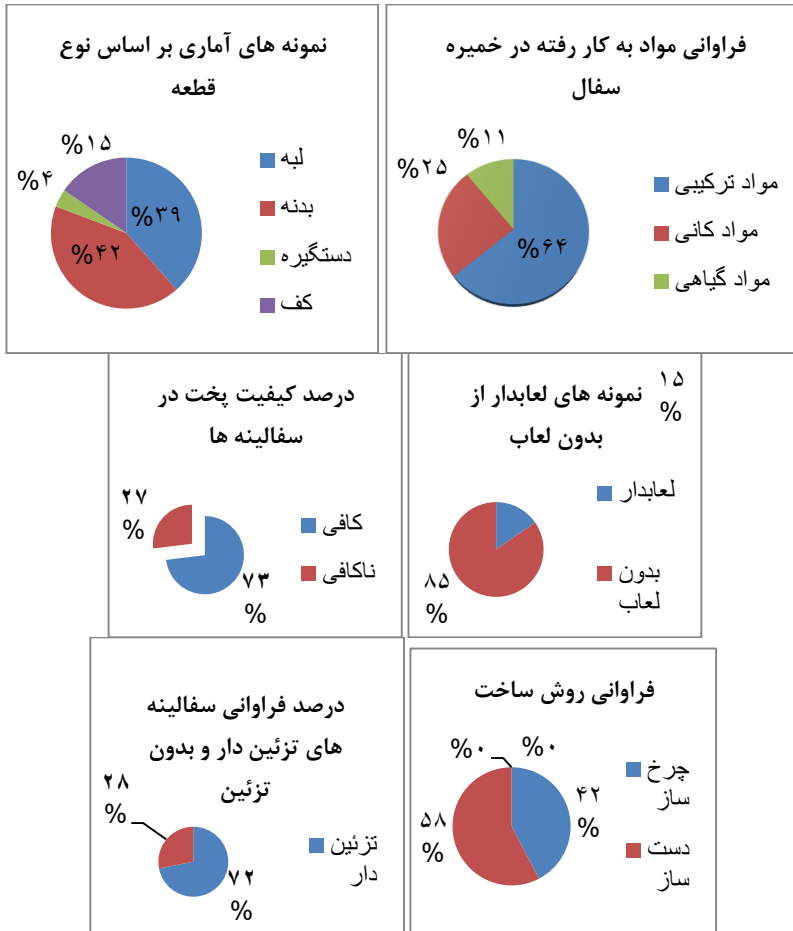
مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل علمی قرار گرفت که در میان این سفالینه‌ها، نمونه‌های مربوط به قرون اولیه‌ی اسلامی خصوصاً قرون ۱-۴ هجری مشاهده گردید. بررسی سنگ قبرها و کتیبه‌ی اسلامی نشان می‌دهد احتمالاً این مکان تا دوران حکومت صفویان و زندیان نیز مسکون بوده است.

کاتالوگ نمونه سفالینه‌های لارت

ردی ف	کد	طرح	تصویر	نمونه های قابل مقایسه
۱	1L			مرادی، ۱۳۸۷، شکل ۱ ۱-۳، طرح ۲۸
۲	8L			
۳	20L			
۴	7L			
۵	23L			
۶	25L			محمدی و دیگران، ۱۳۹۳، شکل ۹ طرح ۶

جدول گونه شناختی سفال شهر باستانی لارت

شکل جامعه آماری سفالینه های لارت



نتیجه‌گیری

وجود دو عارضه‌ی طبیعی مهم و حیاتی، یعنی رشته‌کبیرکوه و رودخانه‌ی سیمره باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌های مهمی در دوران تاریخی و اسلامی در شهرستان بدره شده است. موقعیت جغرافیای مناسب، پوشش جنگلی و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری، منابع آب فراوان در پشته‌ها و دره‌های صعب‌العبور در جوار کبیرکوه نقش مهمی در شکل‌گیری مکان‌های باستانی و تاریخی ایفا نموده است. شهرستان لارت یک مجموعه‌ی تاریخی شامل: بنای امام زاده، کتیبه‌ی دوران اسلامی، قبرستان، محوطه‌ی سکونتگاهی و آسیاب آبی می‌باشد. مجموعه‌ی تاریخی لارت در دره‌ای به همین نام قرار گرفته و محوطه مسکونی آن بر روی ارتفاعی قرار دارد که دو آبکند در جانب شرقی و غربی آن وجود دارد. سطح محوطه‌ی تاریخی دارای آوار سنگ‌ها و قلوه سنگ‌های زیادی است که حاصل بقایای معماری تخریب شده است. احتمالاً یک دروازه یورودی محافظت شده در جانب شمالی وجود داشته است که عبور و مرور در آن کنترل می‌شده است. مواد و مصالح استفاده شده در ساخت وسازهای این محوطه، مواد و مصالح بوم‌آورد شامل: گچ نیم‌کوب و قلوه سنگ بوده است. ارتفاع دیوارهای باقی‌مانده منطقه مسکونی در دامنه‌ی شرقی بیشتر از دامنه‌ی غربی است. به احتمال قدمت سازه‌های معماری دامنه و ضلع غربی بیشتر است. در سطح محوطه آثاری از هاون‌های سنگی مشاهده می‌شود. بعد از گردآوری نمونه‌های سفالی و طراحی، این نمونه‌ها مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گرفت که سفالینه‌های دوران اوایل اسلامی (قرون ۱-۴ هجری) از تراکم بیشتری برخوردار بود. بررسی سنگ‌قبرها و کتیبه‌ی اسلامی نشان می‌دهد که این مکان در دوران صفویان و زندیان نیز مسکون بوده است. از جهتی وجود استحکامات دفاعی و دژ برای سکونت‌گاه بسیار مهم بوده که این نوع سازه‌ها بر بلندی‌های جبهه‌ی شرقی و غربی شهر دره‌ی لارت ایجاد شده است.

فهرست منابع

- استارک، فریا (۱۳۶۴)، *سفری به دیار الموت، ایلام و لرستان*، ترجمه و حواشی علی محمد ساکی، انتشارات علمی-فرهنگی.
- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶)، *تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجار* (تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی) انتشارات فقه، قم.
- صفری، سیف‌اله (۱۳۸۹)، *جغرافیای تاریخی بدره*، انتشارات پلیکان، تهران.
- محمودیان، حبیب‌اله (۱۳۹۳)، *جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان بدره*، انتشارات زاگرو، ایلام.
- موسوی حاجی، رسول و مازیار نیک‌بر (۱۳۹۳) *هنرهای کاربردی دوره اسلامی*، انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه کتب علوم انسانی، چاپ اول پاییز.
- مراد، ابراهیم (۱۳۸۰)، *بقاع متبرکه ایلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- حسینی، سید سجاد (۱۳۸۵)، *گزارش فصل سوم بررسی و شناسایی شهرستان دره شهر*، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام، منتشر نشده.
- مظاهری، خداکرم (۱۳۹۰)، *گزارش فصل پنجم بررسی های باستان‌شناسی شهرستان دره شهر بخش بدره*، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام.
- خانی‌پور، رضا (۱۳۸۳) *کتابخانه و کتیبه نگاری*، کتاب ماه هنر بهمن و اسفندماه ۱۳۸۳.
- شمسی‌زاد، قدرت (۱۳۹۵) *بررسی باستان‌شناسی سکونت‌گاه‌ها و آثار شهری دوران اسلامی شهرستان بدره در استان ایلام*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- محمدی، حمید و دیگران (۱۳۹۳). «*بررسی مجموعه آثار موجود در تنگه بهرام چوبین شهرستان دره‌شهر*»، فصلنامه علمی - ترویجی فرهنگ ایلام، شماره ۴۵ و ۴۴.
- نوری، آبخش (۱۳۹۳)، *یادگاران کهن فرازمینی از زندگی عشایر هندی‌مینی بدره ایلام در گذرتاریخ*، انتشارات جوهر حیات، ایلام.
- لک‌پور، سیمین (۱۳۸۹) *کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر سیمره*، موسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه، چاپ اول.

The Origin of writing System, Elam and Sumer or Lout Desert Bounds Rahim Tazari

Abstract

In Southwest Asia, it lasted five thousand years (from eighth to third millennium BC) till human beings and predators would turn their settlements into small cities. Meanwhile, in Central Asia, we do not know more than seven thousand years of effective culture and something like five thousand years of civilization, and we still do not know that the use of some of the symptoms in pre-history of Central Asia, especially in "Namazgah Tappeh" and in the cultural area of Transoxania, It has been realized as a kind of script (or essentially not a hypothetical sign), or accidentally craved by inscription or engraving on some of the objects, including statues.

In some parts like Culture of Sind Valley which, according to Michael Rough (in the Mesopotamian Cultural Atlas of the Near East), is the oldest example of the writing at this point of the world, the distance between the beginning of the urbanization of the people of that area , Until the beginning of the invention of the writing between them is not specified.

The findings of Dr. Yousef Majidzadeh in the cultural field of Halil Rood and Dr. Seyed Mansour Seyyed Sajjadi in the cultural area of Shahre Sukhteh (Burnt City) and Ali Hakami in Shahdad and other scholars in other cultural areas of the eastern part of vast Iran have also not led us to believe The theory of compilation around the origin of the writing system and its traces. There is not enough research about the origin of the writing system which is the most important invention of mankind.

Although it can not be imagined that the Medes have not writing culture, though there was no effective movement around it.

It is still unclear whether the Sumerian civilization in the western part of Iran, which dates back to 3400 BC, in which has formed (many urban centers) a diverse social organization and most importantly, a writing system drawn from the history of Transylvania and Khwarizma and the eastern regions of Iran Is essentially the civilization and history of the people of Ilam, who, in the opinion of Dr. Ezatollah Negahban and other scholars of this field in the west, have identified Elam has the first alphabet of human history and as the initiator of the first alphabet of human history, has abducted the supreme leader from both centers of the civilization.

Keywords: Sumer, Transoxiana, Namaz Tappeh, Jamdat Nasr, Toprak Ghal'e

Archelological Survey of the remnants of the Historical City of Lart Ghodrat Shamsizad

Abstract

Climatic conditions of the Ilam province on one hand and its special and status in Iran on the other hand have created important settlements .rural and urban centers during history

Badreh County is one of the cities in Ilam Province which is located between the two natural features of the western Zagros index, namely Kebir Kouh and the Seymare permanent river. According to the above mentioned conditions, historic settlements and historic places in the mountains of this mountain range have survived from different historical periods.

The valley and lake on the northern side of the Kabirkouh wall and seven kilometers south of Badreh city have always been important in archeological studies of the region due to the existence of historical affinities. Knowingly choosing a residential area over a rocky cliff called "Taje Takht " on the northern side of the Kebir Kouh wall between the two permanent water springs suggests designing an appropriate architectural space with the mountainous climate of the area. Expansive distribution of cultural effects ,the existence of various types of pottery on the level of the habitat area, the use of local materials,show the importance of the cultural and historical significance of the region. Therefore, in this research, it was tried to introduce the historical location from a historical and urban perspective, based on surveys and field studies.

In this regard, the obtained pottery was designed and analyzed for scientific understanding, due to the lack of comparable examples, the probability of the native nature of these potters was strengthened. In this paper, we tried to obtain the information and findings from this field research In relation to different parts of this ancient city.

Key words: Lart, Historic Residence, Badreh, Seymareh, Stack.

Analysis of URU×A^{ki} Elamite placement in plain Deh-loran Based on data from written and archaeological studies. Mohsen Saadati

Abstract

Locate and determine the location of a place name is always one of the important ways in the archeological studies and historical texts. By studying written data and texts and matching those with data from archaeological excavations and surveys can help a lot in this type of research. In the meantime the ancient region or city Areva (URU × A^{ki}) is one of the most important areas in Elamite inscriptions, in the period from 2550 to 2000 BC that is of interest to researchers less. The research has proven the location of this ancient region in the Deh-loran plain but there are differences in opinions among researchers about which of the sites linked to its. In this article we have tried to put together the data that has been published in writing and documented by researchers and analyzes the data of the archaeological Deh-loran zone, obtain a general conclusion about the place name Areva in the Deh-loran region. As a result, it appears that the Musian ancient hill in the plain be ancient Areva in Elamite inscriptions.

Keywords: Ancient Areva (URU×A^{ki}), Elamite, location, Deh-loran, Musian.

Studying and Introducing Ismaeelkhan Fortress of Ilam

Mohammad ghafourirad, Mohammadreza Johari

Abstract

In the late 4th Millennium BC, a famous and civilized tribe established Elam in Southwest of Iran with the capital of Susa. This civilization was lead up till Persian Gulf in the South and in the North till Khavaran way and Zagros and in the West till Tigris River and in the East till current Fars province (Anshan District). According to Archeological findings in old Elam civilization, there are some traces which show material and cultural influence of Elam civilization till current Ilam province. Current Ilam province is located in the west of Zagros and Northwest of Elam civilization. Because of appropriate geographical location most of ancient roads were stretching in this way. Existence of different and various monuments show the settlement of human being during different periods from prehistory till Islamic period in this area. One of the most important monuments are historical fortresses which are located in this area heights or strategic valleys of west Zagros. Ismaeelkhan fortress is one of these monuments that is located in the north of Ilam city above the heights of Anbarab. This fortress as a strong wall and castle is made in the heights of Ilam flat in the natural ruggedness of the area. There are 10 towers and 3 entrance in wall of the castle with different distances that were watch out places and defense force place in the safe area of the castle. The most used materials for building this construction are rubble and stone with plaster, mortar and in some places wooden spike for more strength. In this study we tried to survey the properties of this architectural construction which is the result of plan of the studying North Ilam district during historical periods and first Islamic centuries.

Keywords: Ancient Elam, Ismaeelkhan Fortress, Anbarab Mountain, Poshtkooh Governors

Review of power circles during Elamite era

Lily Nyakan, Sahar Ramezani

Abstract

Investigating archaeological discoveries during recent years in Khuzestan has shown that still valuable evidence that can better understand this land and its culture is buried in ancient hills and with their emergence can be reviewed by reviewing the studies. The former added to the richness of the research. The purpose of this paper is to analyze the perceptions of an Elamite metal object known as a circle of power in ancient cognitive research. The method used in this research is based on information gathering, field studies, descriptive, and analytical studies, in line with the ancient Cognitive Research and Exploration that has been published in recent years. Studies over the past few decades have shown that the oldest images of the power circle in Iran are embossed, on the seal and effect of the seals, and then in the later periods of this symbol, in the form of metallic rings made of bronze, Silver and gold in the study of ancient archeology at the temple of Chogha Zanbil and the tomb of Elamite Arjan and Joobie of Ramhormoz. The above process could indicate the use of this ring as a symbol of the power of the government of men, kings and masterpieces in the historical period Which somehow recognized their ownership of their political, social and religious authority in their societies.

Key words: power ring, Ilam, Haft Tape, Kurgan, Choghazanbil , Arjan and Joobie of Ramhormoz.

An overview of Elamite periodicals (From the beginning of Elamite to Early Achaemenid) Soheila Darvishi, Behzad Mohafezi

Abstract

The second half of the third millennium BC, along with the new developments in the vast areas of southern and southwestern Iran, is being called the Elamite era. This era begins with the arrival of the first kings of the Evan dynasty in the first half of the third millennium BC and ends with the end of the first half of the first millennium BC, with the crowning of Darius I of the third Achaemenid king. Due to the scarcity of archaeological excavations and the lack of historical evidence, it has remained very frivolous and could not be known as it should.

The present article, written in order to introduce this two thousand-year era from the history of Iran, is a selection of studies of famous eminent and archaeologists such as François Walla, Pierre Amiah, Ezatollah Negahban, William Sumner, Elizabeth Carter, Pierre Dumyroshi and others. In this paper, which has been compiled by a library method, much effort has been made to provide a brief overview of the history and culture of this era using archaeological evidence and historical inscriptions, linguistic studies.

Keywords: Elamite, Elamite period, Achaemenid period, Mellans, Shoosh, Haft Tapeh

در این شماره می‌خوانید:

1. A Review to Elamian Period chronology(From beginning of Elamian till Beginning of Achamenid) Soheila Darvishi, Behzad mohafezi
2. Survey of Ring of Power in Elamian Period Leili Niakan , Sahar Ramezani
3. Studying and Introducing Ismaeelkhan Fortress of Ilam.Mohammad ghafourirad, Mohammadreza Johari
4. Analysis of URU×A^{ki} Elamite placement in plain Deh-loran Based on data from written and archaeological studies. Mohsen Saadati
5. The Origin of writing system,Elam and Sumer or Lout Desert Bounds.Rahim.Tazari
6. Archaeological Survey of the Remnants of the Historical City of Lart. Ghodrat Shamsizad.